

دیار اترار

۲۰

# سیمای کابل



مؤلف: سید حسن احمدی نژاد (بلخابی)



**مركز پخش:** فروشگاه مرکز چاپ ونشر سازمان تبلیغات اسلامی

میدان فلسطین تلفن ۸۹۳۸۴۳

قیمت ۲۱۰۰ ریال



1	2
3	4

۶۹۹۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتابخانہ تخصصی ادبیات



میرزا حسن اشرفی  
اموال جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران

دیوار ابرار ◀ ۲۰

# سپه‌های کابل

تألیف:

سید حسن احمدی نژاد (بلخابی)



۴۶۷

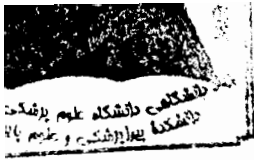
معاونت پژوهشی

این کتاب با استفاده از تسهیلات اعتباری تبصره (۵۵)  
قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور چاپ گردیده است.

### شناسنامه کتاب



- \* نام کتاب: ..... سیمای کابل
- \* نویسنده: ..... سیدحسین احمدی نژاد (بلخابی)
- \* ناشر: ..... مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات
- \* چاپ و صحافی: ..... مشهد
- \* نوبت چاپ اول: ..... تابستان ۱۳۷۳
- \* تیراژ: ..... ۳۰۰۰ نسخه



## « فهرست »

- ◀ پیشگفتار ..... ۱۱
- ◀ مقدمه ..... ۱۵

## «بخش اول»

- ◀ جغرافیای کابل ..... ۱۷
- ◀ آب و هوا ..... ۱۸
- ◀ محصولات ..... ۱۹
- ◀ صنایع ..... ۲۰
- ◀ کارخانه‌ها ..... ۲۰
- ◀ جغرافیای تاریخی و جمعیتی ..... ۲۲

## «بخش دوم»

- ◀ مناظر طبیعی آثار تاریخی ..... ۲۸
- ◀ مناظر طبیعی نواحی کابل ..... ۳۰

- ۳۳ ..... چشمه سارها ◀
- ۳۵ ..... آثار تاریخی ◀

## «بخش سوم»

- ۳۹ ..... پیشینه ◀
- ۴۱ ..... سوابق مذهبی ◀
- ۴۳ ..... فتح کابل بدست مسلمین ◀
- ۴۵ ..... استقلال سیاسی ◀
- ۴۸ ..... سید جمال الدین اسدآبادی ◀

## «بخش چهارم»

- ۵۷ ..... مراکز فرهنگی و درمانی ◀
- ۶۱ ..... مراحل تحصیلی ◀
- ۶۱ ..... تعداد آمار مدارس ◀
- ۶۵ ..... دانشکده های کابل ◀
- ۶۶ ..... مراکز درمانی ◀
- ۶۸ ..... کتابخانه ها ◀
- ۷۲ ..... کتابفروشیها ◀
- ۷۳ ..... نشریات کابل ◀
- ۷۶ ..... انجمن های علمی و فرهنگی ◀
- ۷۷ ..... رسانه های گروهی ◀
- ۸۲ ..... فرهنگ ملی و مردمی ◀

## «بخش پنجم»

- ◀ تشیع در کابل ..... ۸۷
- ◀ محله‌های شیعیان در ... ۹۵
- ◀ ستاره کابلی ..... ۹۸

## «بخش ششم»

- ◀ فرهنگ مذهبی و آثار فرهنگی ..... ۱۱۱
- ◀ اعیاد اسلامی ..... ۱۱۱
- ◀ عیدی به دخترگدا ..... ۱۱۴
- ◀ محرم و عاشورا ..... ۱۱۷
- ◀ تکایا و حسینیه‌ها ..... ۱۱۸
- ◀ تکیه‌خانه‌های زنانه ..... ۱۱۹
- ◀ مساجد عمومی شهر ..... ۱۲۱
- ◀ حوزه‌های علمیه ..... ۱۲۵
- ◀ کتابخانه‌های مدارس ..... ۱۲۶

## «بخش هفتم»

- ◀ گذری بر خارستان شیعه ..... ۱۲۷
- ◀ حکم تکفیر شیعیان ..... ۱۲۹
- ◀ محرم ۱۲۷۳ ه. ق ..... ۱۳۰
- ◀ زندانیان سیاسی ..... ۱۳۱

- ◀ کاهش جمعیت شیعیان ..... ۱۳۲
- ◀ آخرین فشنگ ..... ۱۳۶

## «بخش هشتم»

- ◀ مرزبانان مکتب ..... ۱۳۹
- ◀ با اختران علم و دانش علمای سلف - خطباء، مهاجرین و شهداء ..... ۱۴۱
- ◀ علمای معاصر ..... ۱۴۹

## «بخش نهم»

- ◀ شاعران و مؤلفین شیعه ..... ۱۶۱
- ◀ پیام به ملت ایران ..... ۱۷۱

## «بخش دهم»

- ◀ آرامگاهها و آثار تاریخی مذهبی ..... ۱۷۹
- ◀ مزار سید جمال الدین ..... ۱۸۱
- ◀ مزار علامه بلخی ..... ۱۸۲
- ◀ حسن ختام ..... ۱۹۲

## «بخش یازدهم»

- ◀ روزشمار حوادث انقلاب ..... ۱۹۳
- ◀ کودتای هفت ثور ..... ۱۹۶
- ◀ قیام کابل ..... ۱۹۶

◀ منابع و مأخذ ..... ۲۰۵

«ضمائم»

۱- عکسهایی از رجال و شخصیت‌های کابلی

۲- عکسهایی از اماکن و مدارس

۳- نقشه راهنمای کابل



### ❁ پیشگفتار

محو پیشینه تاریخی و بی‌رنگ جلوه‌دادن ارزشهای اخلاقی و انسانی یک ملت را می‌توان نخستین گام در مسیر القای باورها و فرهنگ بیگانه دانست. استکبار که چتر آسمانی ایمان و توحید را بزرگترین مانع در مسیر غارت و اسارت ملتها می‌داند، تلاش فراوان دارد تا مردم را از فکر و فرهنگ اسلامی جدا سازد.

گاه، الفبای عربی و فارسی را به جرم هماهنگی با قرآن و حدیث به تحقیر و تمسخر می‌گیرد.

گاه با سواره و پیاده نظام تبلیغات به جنگ چادر و حجاب و لباس مسلمانی برمی‌خیزد.

گاه تاریخ اسلام و پیامبران را نادیده می‌گیرد و شجره‌نامه‌ای مبهم و احياناً قلابی برای پیوند دادن مردم با پهلوانان خیالی و شاهان ساسانی و هخامنشی «جعل» می‌کند.

گاه به بهانه پاک‌سازی زبان از واژه‌های بیگانه کلمات آشنا و هم‌خون عربی را از فرهنگ مردم بیرون می‌ریزد و برای جبران کمبودها دست‌گذاری به سوی واژه‌نامه‌های روزگار جاهلیت قدیم «قبل از اسلام» و جاهلیت مدرن

و مسلح غرب دراز می‌کند.

و در این میان آنچه سخت از آن می‌گریزد سابقه مکتبی و دینی شهر و دیار مسلمین است.

اگر آثار باستانی را جستجو می‌کند پس مانده‌های روزگار شرک و جاهلیت را می‌جوید و اگر از ادبیات و فرهنگ عامه سخن می‌گوید، ادبیات مبتذل و بی‌خاصیت را مطرح می‌کند و اگر از موسیقی و هنر دم می‌زند، هنر اغواگری و خنیاگری را می‌ستاید، از آثار باستانی و ادبیات و هنری که راه آسمان را نشان دهد و عطر معنویت و اخلاق و عرفان داشته باشد به شدت وحشت دارد.

غرب بیش از یکصد و پنجاه سال است که در مسیر نفی هویت اسلامی فرزندان میهن بزرگ اسلامی می‌کوشد. و برای شکار نسل جوان دام می‌گذارد و دانه می‌پاشد. استکبار می‌داند که فریاد اذان و آوای قرآن فضای کشورهای اسلامی را در برابر امواج تبلیغات او نفوذناپذیر و پولادین کرده و مردم را در برابر فرهنگ مادیت بیمه می‌کند. از این رو پیشینه فرهنگی، اخلاقی، هنری و صنعتی «دیوار ابرار» را نفی می‌کند و اگر نتواند به تحریف و «مسخ» آن می‌پردازد.

دجال غرب اگر بتواند نسل جوان را با کوه کاذب آب و نان فرهنگ می‌فریبد و بهشت موعود را مستقیماً در مرزهای اروپا و آمریکا نشان می‌دهد. و اگر نتواند حماسه خاک و خون را مطرح می‌کند، ایرانیان را به داستانهای رستم و اسفندیار و عربها را به پان عربیسم و ترکها را به شعارهای آتاتورک مشغول می‌سازد.

ولی سرزمین اسلام، دیار ارزشهاست، دیار ایمان و دانش هنر و کوشش

است. افتخار دیار اسلام چند اثر باستانی بجا مانده از شاهان بیدادگر و چند شعر باقی مانده از لحظه عربده و مستی چند شاعر نیست. دیار اسلام به دانشمندان متعهد و عالمان دوراندیش و حافظان قرآن و راویان حدیث و مجاهدان سلحشور و فداکاران مؤمنی می‌بالد که در دامان دین بزرگ شدند و از ایمان و آزادی و استقلال انسانها دفاع کردند. افتخار سرزمین اسلام، مریبان و معلمان و کارگران و کشاورزان و رزمندگان هستند، که ایمان و عشق خدا در دل دارند و قلم و کتاب و بیل و کلنگ و آچار و اسلحه در دست.

دیار اسلام به آداب و رسوم نیکوی انسانی و اخلاقی افتخار می‌کند که از آگاهی و آزادی و آرمان‌های بلند انسانی برخاسته است و از هنر «فرهنگ مردم» و «آداب مردمی» و «موسیقی سنتی» که با معیارهای مکتبی در تضاد باشد برائت می‌جوید.

در شهر و دیار ابرار، ایثارگران تولیدگران اصلی ارزشهای اجتماعی و پاسداران آبرو و حیثیت انسانی و مسلمانی‌اند. قدمت تاریخی و قدرت فنی و هنری منهای ایمان و اخلاق نشان هیچ امتیاز و افتخاری نیست.

مجموعه پژوهشی «دیار ابرار» با این آرزو شکل گرفت که خدمات هر شهر و دیار دنیای بزرگ اسلام به این آئین الهی، روشن گردد و سیمای ارزشی سرزمین اسلام، ترسیم شود و خدماتی که مردم هر منطقه به اسلام و تشیع، تقدیم داشته‌اند، مشخص گردد.

در این مجموعه به حول و قوه الهی سابقه تشیع و اسلام‌پذیری هر شهر، راویان برخاسته از منطقه و پیوند تاریخی شهر با عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، سخنان پیشوایان معصوم درباره شهرها، فقها، محدثان، مفسران و حافظان

و خطباء و شاعران متعهد هر منطقه، مطرح می‌گردد. از امامزادگان و بزرگان مدفون در شهر سخن به میان می‌آید. مبارزات مردم شهرها با کفار و اشرار ترسیم می‌شود. مساجد، مدارس، دانشگاهها و مراکز فرهنگی مهم شهر در پیشدید نسل جوان قرار می‌گیرد. آداب و سنن خوب و اسلامی مردم در ماه رمضان و محرم و عید فطر و قربان و غدیر و جمعه یادآوری می‌شود. روحیات و اخلاق اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی شهرها مطرح می‌گردد.

و در یک سخن، کوشش بر این است که خدمات متقابل اسلام و هر یک از شهرهای مهم وطن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این تلاش که توسط گروهی از طلاب و فضیای حوزه علمیه قم و با حمایت و هدایت سازمان تبلیغات اسلامی در پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام تمرکز یافته است، جمعی از نویسندگان جوان و فضیای دلسوز حوزه علمیه، به میدان جهاد فرهنگی قدم نهاده و کوششی هماهنگ را به منظور بازشناسی شهر و دیار اسلام آغاز کرده‌اند.

در این مجموعه نسل جوان مخاطب اصلی است. و یاران پژوهشکده امیدوارند فرزندان اسلام با تبارنامه تاریخی خویش آشنا شوند و باغ و بوستان اسلام و مسلمانی را در جای جای کره زمین به تماشا نشینند. و به جای مطالعه و رمان‌های دروغین غربی، داستان راستان را در چهار سوی «دارالاسلام» بخوانند.

در پایان از صاحب‌نظران و خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود نظرات اصلاحی، تکمیلی و ابتکاری خود را به صندوق پستی شماره ۳۷۱۸۵/۱۳۵ قم «پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام» ارسال فرمایند.

## ❁ مقدمه

آن دیار خوش سواد آن پاک بوم  
باد او خوشتر ز باد شام و روم

(اقبال)

یاران کوی ابرار! چندی است که کاروان دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام از کانون گرم انقلاب، یعنی حوزه تشیع و دیار آل محمد صلی الله علیه و آله یعنی شهر «قم» قیام کرده است. این کاروانیان، طلاب جوان و دردمندی هستند که به عظمت اسلام و مکتب شیعه چشم دوخته‌اند. و می‌رود تا پس از قرن‌ها سوز و سکوت، آنچه بر تاریخ «دیار ابرار» رفته است، بازگو نماید.

دوستان پیاخیزید و تا دیر نشده، آهنگ سفر کنیم و جرس کاروان دیار ابرار را به صدا درآوریم و وارد دیاری شویم که سالهاست در آتش فتنه جهانخواران می‌سوزد.

کابل، دیاری که در قرن‌های اول و دوم هجرت، فرزندان اش افتخار شاگردی در حوزه مدینه پیدا نمودند و به محضر پیشوای چهارم شیعیان، بار یافتند و زانوی ادب زدند.

خطه‌ای که یک قرن و نیم پیش، شرننگ تلخ شکست و زیونی را به کام استعمار فرتوت غرب (انگلیس) فرو ریخت و نیم قرن اخیر، شاهد قیام شکوهمند روحانی مبارز علامه شهید سیداسماعیل بلخی بود؛ دیروز پرچمدار جهاد علیه ابرقدرت فرسوده مشرق محسوب می‌شود و امروز - با تأسف و اندوه! - در حالی از این دیار دیدار می‌کنیم که کوچه‌های زخمی و خانه‌های ویران و سوخته، ناله جانسوز مردان و زنان داغدار، آه یتیمان بی سرپرست، طغیان قساوت قلب، لجاجت بی حد، انفجار بمبها و موشکهای اهدایی غرب و شرق در این سرزمین، انسان را می‌لرزاند.

سید حسن احمدی نژاد بلخابی

آخر محرم ۱۴۱۵ هجری

۱۹ تیرماه ۱۳۷۳

## «بخشی اول»

### ✽ جغرافیای کابل

دل می برد ز دستم یاران دیار کابل  
شاید بهشت باشد باغ بهار کابل  
از روح حضرت «لیث» هم از «تمیم انصار»  
روشن شده چراغی در هر مزار کابل  
چون کوه آسمانی صد آسمان خراش است  
سر بر فلک کشیده این کوهسار کابل<sup>(۱)</sup>

سرزمین کابل، دارای وادیهای سرسبز و شادابی است که در میان بیابانهای وسیع و حاصلخیزی جغرافیایی به عرض ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی و طول ۶۹ درجه و ۱۸ دقیقه شرقی، در دامنه کوههای مرتفع و سربلک کشیده‌ای «آسمایی» و «شیردروازه» قرار دارد و شکل مثلثی را به خود گرفته است. رود عظیم کابل از قلب شهر می‌گذرد و بر طراوت و

۱ - راهنمای کابل، محمدناصر... چاپ ۱۳۴۴ کابل، ص ۳۶.

زیبایی آن رونق خاصی بخشیده است.  
 کابل پایتخت جنگ زده افغانستان است و در روزگاران گذشته،  
 حصار ماریپچی آن را احاطه کرده بود که به وسیله هفت دروازه بزرگ با  
 خارج ارتباط داشته است.  
 تماشای این دیوار کهن و تاریخی که هم اکنون آثار آن پیداست،  
 بخوبی نقشه قدیمی شهر و برج و باروی آن را به نمایش می‌گذارد.  
 هرگاه بیننده در یکی از آن قلل آسمان خراش قرار می‌گیرد، به  
 خوبی منظره زیبا و دیدنی آن تماشاکننده را متعجب می‌سازد.

#### ❁ آب و هوا

من آب چشمه خضر بر چشم خویش دیدم  
 آب حیات دارد این چشمه‌سار کابل  
 آزادی از اسارت ز مردمان آزاد  
 بر زر نوشته دیدم در زرنگار کابل  
 بر جای یک قصیده، «شیدا» کتاب می‌ساخت  
 «صائب» اگر همی‌دید این روزگار کابل<sup>(۱)</sup>

آب و هوای این منطقه تابع جو عمومی این کشور است و چون این  
 سرزمین تقریباً در قلب «آسیا» قرار گرفته، عرض و طول جغرافیایی،  
 ارتفاع و امتداد کوهها و دوری از دریا، عواملی هستند که در آب و هوای  
 این خطه نقش تعیین کننده‌ای دارند.

کابل از جمله مناطقی است که زمستان نسبتاً سرد و بهار بسیار لطیف و شادابی دارد، طبیعت کوهستان، آبهای روان، چشمه‌سارهای گوارا، بیابانهای سرسبز، باغهای خرم از جمله عواملی است که به این قسمت از جغرافیای بزرگ آن کشور صفا بخشیده است.

### محصولات

در زمستان تمام کوه و کوه‌پایه‌های کابل از برف پوشیده است و یخچالهای عظیمی از یخ و برف، در ستیغ کوهها و میان درّه‌ها به وجود می‌آید. بطوری که مردم آن سامان در فصل گرما از انبارهای طبیعی یخ و برف برای امور روز مژه خود بهره می‌جویند. باران کمتر می‌بارد و در طول سال از دامنه‌های کوه آب جاری می‌شود و قسمت زیادی از کشاورزی کابل آبی و خاک آن حاصل خیز است. خاک کابل برای کاشت و برداشت انواع و اقسام حبوبات، سبزیجات، میوجات بویژه برای جو و گندم معتدل و مستعد است.

با وجود طبیعت مناسب و آب و هوای خوب، محصولات این سرزمین بیشتر از قبیل سیب، انار، گردو، انگور، گیلاس، پیاز، سیب‌زمینی و... می‌باشد که بسیار خوب است و به مناطق دیگر صادر می‌گردد<sup>(۱)</sup>.

## \* صنایع

کابل در گذشته مرکز تجارت و گذرگاه اقتصادی مشرق زمین، مخصوصاً کشورهای مسلمان آسیای میانه و هند محسوب می شده است. علاوه از آن، صنایع دستی قابل توجهی داشته، تا حدی که در نوع خود کم نظیر بوده است، چه اینکه سرزمین کابل مرکز شاهان «کابلستان» و محل رفت و آمد زائران «بودایی» از هند و چین بوده است. و از جمله صنایع قدیمی کابل می توان به این چند قلم اشاره نمود: آهنگری، مسگری، حلبی سازی، نعلبندی، برنج کاری\*، ریخته گری، رویگری، زرگری، ابریشم بافی و منسوجات نخی و دهها نوع صنایع دستی دیگر<sup>(۱)</sup>. ولی پس از ورود صنایع ماشینی و برقی که برای اولین بار در سال ۱۲۶۶ ه. ش وارد این کشور شد، صنایع دستی از رونق افتاد و پس از هجوم روسها و هجرت مردم، به کلی تعطیل گردید. اما کارخانه ها و صنایع ماشینی که در ذیل ذکر می گردد تا چند سال قبل فعال بودند و هم اکنون همه تعطیل و یا تخریب شده اند.

## \* کارخانه ها

نخستین کارخانه اسلحه سازی کابل در قرن ۱۳ هجری تأسیس شد که از بخشهای ذیل تشکیل می یافت:

۱ - ضرابخانه.

\* - منظور ساخت ظروف مسی است بصورت کنده کاری.

۱ - لغت نامه دهخدا.

۲- اسلحه سازی.

۳- ذوب آهن.

یکی دیگر از کارخانه های مهم کابل، کارخانه «جنگلک» می باشد که در سال ۱۳۳۹ آغاز بکار نمود. دیگر از صنایع و کارخانجات دولتی و خصوصی این شهر به قرار ذیل است:

۱- صنایع تجارتي معارف.

۲- صنایع محبس (زندان).

۳- مؤسسه صنعتی صاعد.

۴- کارخانه سمنت (سیمان).

۵- کارخانه پشمینه بافی.

۶- کارخانه شیشه سازی.

۷- کارخانه چرخ سازی.

۸- کارخانه لاستیک ماشین و (۱)...

مجموع این تعداد کارخانه های مادر رگه های حیات اقتصادی دولت را تشکیل می داده است البته هزینه های سنگینی از مردم کشور تحت عنوان مالیات دولتی بزور گرفته می شد.

### ✽ جغرافیای تاریخی و جمعیتی

کابل سلاطین جور و حاکمان قدرتمند زیادی را به خود دیده است، که هر یک چند صباحی در این سرزمین بیداد کردند و بارگاه و قصری برای خوشگذرانی و عیاشی خود ساختند و از خود کاخهای مجللی بجای گذاشتند، در حالی که مردم آن سامان به نان شب خود محتاج بودند و همچنین سایر شهرها و مناطق همانند قبرستان کهنه، ویرانه افتاده است. تنها شهری که در افغانستان ساختار شهری - آن هم به سبک اروپایی - بخود گرفته بود، کابل است. که حاکمان پیشین بیشترین توجه خود را بر این شهر مبذول داشته بودند. اولین گام را در راه آبادانی و توسعه کابل «بابر» برداشت و بعد از او «امیر تیمور» از پادشاهان درانی در افغانستان در راه تعمیر و زیبایی شهر قدمهایی برداشت، وی سال ۱۱۵۲ ه.ش کابل را پایتخت خود قرار داد و بعد از آن هم هر یک سهم خود برای بازسازی و رونق این خطه کوشیدند، این وضعیت تا اولین دوره جنگهای انگلیس و افغانستان - که منجر به تخریب و ویرانی این شهر گردید - ادامه داشت.

سیاحان و جهانگردان که در قرن سیزدهم هجری از آن سرزمین دیدن کرده‌اند، از ساختار شهری و بافت اجتماعی آن گزارش داده‌اند. از جمله جمعیت کابل را در آن تاریخ ۶۰/۰۰۰ نفر ذکر نموده‌اند که بیشتر جمعیت شهر را شیعیان «قزلباش» و بقیه را مذاهب و طوایف دیگر تشکیل می‌داده است. این جمعیت در بخشها و نواحی ذیل ساکن بوده‌اند:

۱ - بالا حصار کابل ده هزار باب خانه مسکونی بوده که در آن

اقوام و طوایف مختلفی زندگی می‌کرده‌اند.

۲- بخش قدیمی کابل دارای پنج‌هزار باب منزل مسکونی.

۳- بخش شیعه‌نشین «چنداوول» که در غرب کابل در دامن کوه

آلمایی قرار دارد، مرکز شیعیان «قزلباش» که دارای ۱۵۰۰-۲۰۰۰ منزل مسکونی بوده و در میان حصاری قرار داشته و توسط چهار دروازه به بیرون از خود ارتباط برقرار می‌کرده و در موقع هجوم دشمن درها بسته می‌شد. چنداوول دارای محله‌های ذیل بوده است:

۱- کردها ۲- کبولوها ۳- شاه سوندیها ۴- و شیرازیها که در هر

محله مسجدی داشته‌اند.

۴- بخش حومه دارای ۱۵۰۰ باب منزل مسکونی بوده است.

بازار قدیم کابل به دو قسمت تقسیم می‌شد، یکی از طرف جنوب

به غرب امتداد داشته که به «شوربازار» و «دروازه لاهور» معروف بوده است و دیگری در قسمت غربی شهر به بازار «چهارچته» معروف و متشکل از دو راسته سرپوشیده و متقاطع بوده است. شهر دارای پانزده کاروانسرای بزرگ بوده که مسئولیت پذیرایی کاروانهای تجارتهای هند و چین را در فصل بهار و تابستان، به عهده داشته است. و هم‌اکنون آثار برخی از آن کاروانسراها دیده می‌شود، ولی جای آنها را هتل‌های بزرگ و مسافرخانه‌های به شکل امروزی پر کرده است.

روند شهرسازی تا عصر امان‌الله‌خان ادامه داشت، وی در دوران

سلطنت خود، اصلاحاتی در شهر داد، شهرکی در فاصله ۸ کیلومتری جنوب غرب کابل به نام «دارالامان» به وجود آورد که این شهرک مقرران دولت و ویلاهای خصوصی امیران بوده و در مرکز آن «تالار»

مجلس نمایندگان مردم قرار داشت که راه آهن کم عرض هم این محل را به مرکز قدیمی شهر وصل می کرد.

بعد از سال ۱۳۱۴ ه. ش در ناحیه شمال غرب کابل، قصرهای مجلل سلطنتی به نام «شهرنو» بنا گردید که طبقه اشراف و ثروتمندان مرفه و سفیران کشورهای خارجی در آن بخش زندگی می کردند. و نیز در سال ۱۳۲۱ شهرکی بنام «کاراته‌ها» بین خیابان دارالامان و مجتمع دانشگاه ایجاد گردید. منازل وسیع و خانه‌های مجلل این منطقه، نشانگر طبقه پولدار و خوشگذاران شهر کابل را است.

### ❁ نواحی جدید کابل

#### ۱ - خیرخانه

این بخش محله‌ای است مجزا که در شمال شرق شهر و در نزدیکی خیابان «چاربکار» بنا شده است کارمندان دولت در آن زندگی می کردند، جمعیت آن را در سال ۱۳۵۵، سی هزار نفر تخمین زده بودند.

#### ۲ - محمد شاه مینه

ناحیه جدیدی در قسمت شرق شهر قدیمی در نزدیکی جاده «لته بند» به این نام معروف شده است و اکثر ساکنان این بخش را طبقه متوسط تشکیل می دادند.

#### ۳ - نادر شاه مینه

این بخش اولین ناحیه‌ای است که سال ۱۳۵۳ ساختمانهای از پیش ساخته شده آن توسط روسها طرح ریزی و ساخته شد. جمعیت این بخش را حدود ده هزار تخمین زده‌اند که بیشتر ساکنان این ناحیه را

کارمندان وابسته به دولت تشکیل می‌دهند.

#### ۴ - وزیر اکبرخان مینه

نام محله جدیدی است که در زمینهای فرودگاه سابق، در شمال قصرهای قدیمی و مشرق شهرنو در سال ۱۳۴۹ تأسیس شده است. این منطقه از کابل از مناطق اعیان نشین شهر است و بیشتر ساکنان این ناحیه را خارجیان تشکیل می‌دادند.

#### ۵ - کوشل خان مینه

این بخش تازه تأسیس در بخش غربی شهر قرار گرفته است (۱). این مجموعه شهرکها و بخشهایی که ذکر شد در طول سلطنت «محمدظاهر شاه» ساخته شده است این آدم در طول ۴۰ سال سلطنتش کاری جز تجمل و رسیدن به قوم و فامیلش انجام نداد و هم اکنون در «رم» پایتخت ایتالیا، قصر فیروزه‌ای دارد و هر چند بار حضور خود را در لفافه «صداقت» ارائه می‌دهد.

مردم ما بیش از این فریب نیرنگهای این خیانت‌پیشگان را نخواهند خورد و هیچ‌گاه تن به ذلت نخواهند داد.

#### ❁ جمعیت کابل

از مجموع ۲۰ میلیون جمعیت تقریبی افغانستان، در سالیان گذشته یک میلیون و دو بیست و بیست و یک هزار و پانصد و سی و سه نفر در کابل

۱ - جغرافیای شهری در افغانستان، اروین گروتسن بانه، ترجمه سیدمحسن محسنیان، چاپ آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۸، فصل ۴، از ص ۴۵ به بعد.



مرحوم آقای شماع  
از روشن فکران مبارز کابل



مرحوم آیت الله شریعت



حوزه علمیه و مسجد محمدیه در کابل

## «بخشی دوم»

### بهار کابل

باز این چه دام حیرت چیده بهار کابل  
کز هر کنار گشته دلها شکار کابل  
آمد بهار و اکنون آتش زده بیک بار  
جنس فسردگی را آن لاله زار کابل  
در فصل نوبهاران از جوش ارغوان زار  
پیداست مشعل طور در کوهسار کابل  
وه وه چه نشسته دارد؟ جام می محبت؟  
با دوستان کشیدن در مرغزار کابل  
دشت و دمن زلاله دارد بکف پیاله  
تا بشکند در این فصل رنج خمار کابل<sup>(۱)</sup>

سیاح و جهانگردی که از سمت «پیشاور» وارد کابل می‌گردد، همین که از پل کم عرض و قدیمی «بگرامی» عبور کند، در باغ معروف آنجا که مشرف به رودخانه «لوگر» است، لحظه‌ای توقف کرده وارد شهر می‌شود، اولین منظره‌ای که توجه او را به خود جلب می‌کند، مناره‌ای است به نام «منار نجات» و در قسمت راست مناره میدان سرسبز زمردینی قرار دارد به نام «چمن حضوری» که مسافر تازه وارد را متحیر می‌سازد، بطوری که لحظاتی بر آن خیره می‌شود.

آری شهر تاریخی کابل مناظر طبیعی زیبایی دارد که بیشتر این مناظر و باغها مربوط می‌گردد به سلاطین مغول که سالها بر بخش اعظم قاره آسیا و شبه جزیره هند حکومت نمودند، از آن میان می‌توان به «بابر» اشاره نمود که از او آثار زیبا و دیدنی به این نام و نشان هنوز هم باقی است.

### ❁ مناظر طبیعی آثار تاریخی

#### ۱ - باغ با بر شاه

این باغ زیبا در گوشه شمال شرقی منطقه چهار دهی به فاصله شش فرسخ دورتر از شهر واقع شده است. بابر کابل را بسیار دوست می‌داشت و چون آب و هوای این دیار به نظرش مطبوع می‌نمود، به ایجاد باغها و مناظر زیاد و پر درخت پرداخت که حاکی از علاقه و محبت سرشار او به کابل بوده است وقتی در «آگره» هندوستان بیمار شد، در حال مرگ هم کابل را از یاد نبرد و وصیت کرد که پیکرش را در کوهسار کابل به خاکي که بدان از دل و جان محبت داشت، بسپارند!

حتی به دستور وی پیکر جدش را از سرزمین عجایب به «دارالسلطنه» کابل انتقال دادند، و در قسمت بالای باغ مذکور بخاکش سپردند.

## ۲- باغ علم و گنج

این منظره دلربا یکی دیگر از آثار بابر است که به نام «جهان آراء» خوانده بود. در سال ۹۲۵ ه. ش بدستور بابر در قسمتی از کوه شیر دروازه تخت سنگی برای او ساخته شد که از آنجا به تماشای مناظر طبیعی و تماشای کابل می پرداخت و لذت می برد.

گویند: در قسمت بالای آن تخت سنگ، حوضی سنگی ساخته بودند و این بیت شعر بر آن حک شده بود:

نوروز و نوبهارو بت دلربا خوش است

بابر، به عیش کوش که عالم دوباره نیست

بعد از وی شاهان دیگری هم به این سرزمین علاقه مند بوده اند، جهانگیرخان در سال ۱۰۱۶ ه. ش برای تماشای باغهای بابر و مناظر دیگر آن از هند به کابل آمد. و بر تخت سنگ بابر حوض دیگری کند و در تکیه گاه آن این عبارت را نوشت:

«تختگاه پادشاه بلاء هفت اقلیم، نورالدین جهانگیر پادشاه، ابن

جلال الدین اکبرشاه...» بعدها حوض سنگی آن تخت را به موزه کابل

انتقال دادند، اما خود آن سنگ که برخی آن را «تخت همایون» و بعضی

«تخت سفر» می نامند، در یکی از شبهای بهاری سال ۱۳۰۸ از پیکر کوه

جدا شد و در معبر عمومی سنگفرش عابرین گردید.

## ۳ - چهل ستون

این منظره بیادماندنی در دوازده فرسخی جنوب غربی کابل روی تپه‌ای در حوالی قریه «اندکی» کابل قرار گرفته است.

## ۴ - گلباغ

این باغ نیز یکی از باغهای معروف کابل است، جایی که رودخانه کابل با شکوه رؤیایی از وسط آن عبور می‌کند و بر طراوت و زیبایی آن چندین برابر می‌افزاید. این باغ زیبا در بیست و یک کیلومتری شهر قرار گرفته، دارای میوه‌های گوناگون و درختان مختلف است. تماشای این منظره حکایتگر چیره‌دستی آن باغبان ازلی است که با «قلم» هنرمندانه و با «کلک» قدر تمندش نقش و نگار عجیبی ترسیم نموده است.

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم

کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

(حافظ)

## ۵ - باغ سپهسالار

این باغ که بر فراز تپه‌ای جلب‌نظر می‌کند، حدود یک کیلومتر دورتر از شهر است.

## \* مناظر طبیعی نواحی کابل

از جمله مناظر طبیعی و دیدنی نواحی کابل می‌توان به این مناطق

اشاره نمود که از جنبه تاریخی و اهمیت باستانی برخوردار می‌باشند:

## ۱ - پغمان

پغمان منطقه‌ای است بسیار زیبا و دیدنی که در ۲۷ کیلومتری غرب کابل واقع شده است و در خود چندین باغ و منظره جالب را جای داده است از جمله باغ شاهی، باغ عمومی، بالا باغ و باغ وزیر دربار، گذشته از همه قصرهای زیبا و آبشارهای نمونه‌ای که دارد، در فصل تابستان تفریحگاه دربار و درباریان بوده است.

## ۲ - سمت شمال

سمت شمال کابل که موسوم به «کوهدامن» و کوهستان است، در سی فرسخی شهر در میان کوهها و درّه‌های بلند قرار گرفته است، جایی بسیار زیبا و دیدنی است و همین که کسی از «کوتل خیرخانه» عبور کرد، به این وادی شاداب و حاصلخیز می‌رسد. نزدیک‌ترین درّه کوهدامن «شکردرّه» است که به غایت سرسبز و شاداب است و از آن جا که می‌گذری به «فرزه» و آبشارهای با طراوت آن می‌رسی، منظره بسیار دیدنی است که چهارسوی انسان را آب محاصره نموده است. پس از آن به «جبل السراج» می‌رسیم که محل نصب اولین کارخانه برق آبی است که در این منطقه تأسیس شده است و برق کابل را تأمین می‌کند.

## ۳ - گلپهار

تفریحگاه زیبایی است که دو رودخانه «پنجشیر» و «نستل» خروشان و غلطان در بستر آن بهم می‌پیوندند و دیدن این منظره احساس عجیبی در دل انسان به وجود می‌آورد و آدمی را به یاد این شعر «باباطاهر همدانی» می‌اندازد:

به دریا بنگرم دریاته بینم  
به صحرا بنگرم صحرا ته بینم...

آدمی از این همه زیبایی به حیرت می‌افتد و جا دارد از دیدن این همه مناظر طبیعت لطیف «سجده شکر» بجا آورد و بگوید: «ان الله جمیل و یحب الجمال» خدای بزرگ جمیل و قادر است که این همه صفا و این همه جمال را برای انسان آفریده است. و از زیبایی خوشش می‌آید.

#### ۴ - پنجشیر

این درّه خوش آب و هوا به فاصله ۲۷ کیلومتری کابل واقع شده است و دارای معادن زیادی از جمله: طلا، نقره و فیروزه می‌باشد.

#### ۵ - بامیان

یکی از مناطق مهم تاریخی که به داشتن مجسمه‌های بزرگ شهرت جهانی یافته، «بامیان» است و در قرون قبل از ورود اسلام، مرکز بودایی بوده است و الآن مرکز شیعه‌نشین هزاره‌جات می‌باشد. بت‌های ۵۳ متر و ۳۵ متری آن از عجائب بی‌نظیر و یادگار قرن‌ها تمدن مذهب بودایی بوده است.

مجسمه بودا در قدیم دارای رنگهای مختلف بوده تا جایی که شعاع آن از فرسنگها راه چشم را خیره می‌کرد، این همه عظمت تاریخی در عصر مغول از بین رفت و شهرهای ضحاک، غلغله و آبادیهای دیگر با خاک یکسان گردید، هم‌اکنون خرابه‌های بامیان و دیگر آثار آن از افسانه‌های حیرت‌انگیز جهان محسوب می‌شود که سرتاسر درّه از آثار و علائم تمدن و فرهنگ آن تاریخ پر است. و از جمله جاهای دیدنی آن «بندامیر» است که خود آن دارای سدهای بربر، حیدر، صفدر و... است که

متسبب به علی امیر مؤمنان علیه السلام است و درباره آن افسانه‌هایی ذکر می‌کنند که اینجا مجال نقل آن نیست. گویند هزار کس با حضرت در این سدّ عظیم کار می‌کرده است، از این بابت این قوم را هزاره می‌نامند البته توجهات دیگری هم دارد (۱).

### ✽ چشمه‌سارهای کابل

آب خوش و مصفا چون طبع اهل معنی  
 باشد همیشه جاری در جویبار کابل  
 در دیده تأمل مانند سبزه و گل  
 فرش است جعد و سنبل در رهگذار کابل  
 هر صفحه بوستانی است هر برگ گلستانی است  
 در چشم هر که چون من شد دوستدار کابل  
 چون گل همیشه لبریز از خنده طرب خیز  
 لبهای اهل ذوق است در روزگار کابل  
 از کثرت طراوت گردد قلم بکف سبز  
 گاهی که می‌نویسم وصف بهار کابل  
 صافی و روح پرور شیرین چو لعل دلبر  
 مانند «آب کوثر» دان چشمه‌سار کابل (۲)

در میان درّه‌ها و در سینه کوهها و در دامن سبز تپه‌ها و کوه‌پایه‌های کابل چشمه‌ها و آبشارهای شیرین و گوارایی جریان دارد،

۱ - برگرفته از لغت‌نامه دهخدا.

۲ - راهنمای کابل...، ص ۳۶۴.

که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - چشمه خواجه صفا؛ در قسمت شمالی کوه شیر دروازه چندین چشمه جاری است که گواراتر از همه آنها چشمه خواجه صفاست که صفای خاص و طراوت لطیفی بیار آورده است.
- ۲ - چشمه کاریز؛ این چشمه در دامنه پرشکوه درّه خواجه نزدیک زیارتگاه «عاشقان و عارفان» جریان دارد و در مسیر جریان خود انبوهی از گل و ریاحین را به ارمغان می‌آورد.
- ۳ - کاریز سنگ کشها؛ این چشمه نیز از دامنه پرسخاوت و طبیعت با طراوت کوه شیر دروازه می‌جوشد و سرزمینی را از گل و ریاحین پوشانده است.
- ۴ - چشمه خضر علیه السلام؛ در قسمت جنوبی شیر دروازه در جوار قدمگاه منسوب حضرت خضر علیه السلام چشمه است شیرین و سرد که انسان از آشامیدن آن بیاد «آب حیات» می‌افتد!
- ۵ - چشمه پنجه‌شاه؛ آبی که از میان کوه همچون مروارید به زمین فرود می‌آید، اعتقاد اهل این دیار بر این است که این چشمه محل پنجه امیرمؤمنان علیه السلام است. و به این خاطر است که این همه سخاوت و کرامت از او ظهور می‌کند.
- ۶ - چشمه سار آقاعلی شمس؛ عجیب این است که هر کس از آب این چشمه بیاشامد، از مرض و بیماری در امان می‌ماند و مشهور است که اهالی این منطقه از سلامت و شادایی خاصی برخوردارند (۱).

## گلها

سحر بلبل حکایت با صبا کرد  
که دیدی عشق گل با ما چه ها کرد؟!

(حافظ)

پس از این همه سیر و سیاحت خوب است از گل و بلبل این دیار  
هم سخنی بگوئیم که در حول و حوش چشمه سارهای نام برده، بهترین  
گل‌های معطر و خوشبو را می‌توان یافت که بی‌نهایت خوشبو و دلرباست. از  
آن همه مجموعه گل می‌توان به این موارد اشاره کرد:  
گل صدبرگ، آتشی، زرد و سفید، شگری، خوشه‌ای، رعنا،  
نسترن، یاسمن، ارغوان، لاله، زنبق، دل‌یا و کنیاکه در فصل بهار در دشت  
و صحرای کابل به رقص می‌آیند<sup>(۱)</sup>.

## آثار تاریخی

آرامگاه بابر باغی پر تحیر  
بالا تر از تصور اندر جوار کابل  
آثار نامداری است، بر یاد کامکاری است  
زاینسان که قد کشیده، چندین منار کابل  
در گلها و گلباغ در چلستون و پغمان  
آیند بهر تفریح، اهل دیار کابل

دارد چمن چمن گل، دارد جهان جهان مل  
 پغمان جنت آسا اندر جوار کابل (۱).  
 از جمله آثار تاریخی و کهن کابل می توان به این چند نمونه اشاره  
 کرد:

### ۱ - دارالامان

قصر بزرگ دارالامان از یادگاری های امان الله خان از جمله آثار  
 تاریخی شهر به حساب می آید، این قصر در وسط باغی قرار گرفته و  
 سالهاست وقایع دیروز و امروز کابل را به نظاره نشسته است.

### ۲ - تپه تاج بخش

منطقه ای است تاریخی که در دو کیلومتری مرکز، بالای تپه بلندی  
 قرار گرفته و سالهاست که در سکوت فرو رفته است و برگزیده خود  
 حسرت می خورد و بر آنچه از صندوق آثار عتیقه اش گرفته اند، رنج  
 می برد (۲).

دیگر از آثار تاریخی و یادواره حوادث بزرگ شهر کابل،  
 مناره هایی است که در گوشه و کنار شهر افتاده و هر کدام حکایتگر فصلی  
 از تاریخ کهن این دیار است و بیانگر غرور و پایداری جوان مردان این  
 خطه علیه تجاوز انگلیس، که اینک به چند نمونه از مناره های کابل اشاره  
 می کنم:

۱ - مناره استقلال.

۲ - مناره نجات.

۱ - همان مدرک، ص ۳۶۴. اثر طبع استاد محمد ابراهیم خلیل کابلی.

۲ - لغت نامه دهخدا...

- ۳- مناره علم و جهل.
- ۴- مناره شهید....
- ۵- مناره میوند.
- ۶- مناره میدان شیرپور.
- ۷- مناره یادگار چهل ستون<sup>(۱)</sup> و... آثار تاریخی دیگری که بحث از آن در این مجال نمی‌گنجد.



## «بخش سوم»

### ❁ پیشینه تاریخی

هزار مرتبه کابل نکوتر از دهلی است  
که این عجزه عروس هزار داماد است  
(اقبال)

کابل پایتخت آخرین شاهان «کوشانی» و نخستین مرکز حکومت  
«بابر» در سال (۸۸۲ ه.ش) بوده است.

قبل از آنکه بابر به هند وارد گردد و بساط کشورگشایی خود را  
پهن نماید، مدت بیست سال در کابل اقامت گزید و این دیار را مرکز  
فرمانروایی خویش قرار داد<sup>(۱)</sup>.

در این مدت مدید بابر برای آبادی و عمران این دیار تلاش زیاد  
نمود، در شادابی و سرسبزی این سرزمین از دل و جان زحمت کشید و  
مراکز تاریخی و باستانی را به وجود آورد.

اما سیل حوادث یکی پس از دیگری همچون تندبادی به ناز و طراوت این شهر اعتنایی نکرد و آن همه زیبایی و شکوه را از بین برد. گرچه «احمد شاه کبیر»<sup>\*</sup> توجه خاصی به این دیار مبذول داشت و در عمران و آبادی کابل بسیار کوشید، ولی آن سیمای دلربای پیشین در عصر بابر، باز نگشت.

بعدها «تیمور شاه» فرزند احمدشاه در سال (۱۱۸۶ هـ.ش) مرکز سلطنت خود را از قندهار به کابل انتقال داد. و برای نخستین بار پرچم سهرنگ (سیاه، سبز و سفید) استقلال کشور را در فراز حصار تاریخی کابل به اهتزاز درآورد و فصل نوی برای کابل شد.

پس از تیمور، «زمانشاه» به قدرت رسید، باز هم مانند اسلاف خود دست به آرایش این شهر زد. قصر بزرگ «چهلستون» از شاهکارترین آثار تاریخی زمان اوست.

همینطور «امیر شیر علیخان» هم در نوبت دوم سلطنت خود (۱۲۵۶ - ۱۲۴۶) دست به توسعه و زیباسازی شهر زد. اساس شهر کابل را بنام «شیرآباد» یا «شیرپور» بنیان نهاد، البته طرح و نقشه این شهر نو بنیاد از روی نقشه احمد شاه در قندهار پی ریزی شده بود که متأسفانه در حادثه هجوم سربازان انگلیسی در کابل تخریب گردید. در عصر تاریک و خفقان عبدالرحمن (۱۲۵۸ - ۱۲۷۹ هـ.ش) بالاحصار کابل تأسیس شد.

حبیب‌الله خان هم به نوبه خود در زیبایی و عمارت شهر کوشید و

\* - از شاهان افغانی از نسل بابر.

در همین دوره است که قصرهای بزرگ و باشکوهی در هسته مرکزی شهر جدید توسط مهندسين آلمانی ساخته شد، از آن جمله قصر «دارالامان» و «تپه تاج بيك»<sup>(۱)</sup>.

در عصر «ظاهرخان» به تجمل و رونق شهر افزوده شد، شرکتهای خارجی مدت‌ها مشغول کار بودند، مخصوصاً روسها در این اواخر بیشتر از مجموعه‌های مسکونی اعیان‌نشین، شهر را با طرح و نقشه خود آماده بهره‌برداری نمودند، شهر چهره فرنگی و اروپایی بخود گرفته بود، بخوبی جلوه‌هایی از تظاهر فرهنگ شرقی و غربی در ساختار شهر و ساختمانها و منازل مسکونی دیده می‌شد.

#### ❁ سابقه مذهبی

کابل در قرن هفتم میلادی که تازه اسلام به آن سرزمین راه یافته بود، تحت تأثیر مذاهب بودایی قرار داشت، و در آن دوره «بامیان» همسایه شمالی آن مهد مذهب و فرهنگ بودایی بسر می‌برد، کابل هم به تناسب مرکزیت تجاری خود از بازتاب فرهنگ بودایی و بت پرستی بر کنار نمانده، در نواحی و بخشهای عمده آن معابد و عبادتگاه‌های بودایی تأسیس و احداث شده بود و در بالاحصار آن بر فراز تپه معبد بودایی نیز قرار داشت و بدین صورت در دامان «کوه شاخ»، «تپه مرنجان»، «دهمزننگ» و «کوتل خیرخانه» معابد و زیارتگاههای بودایی واقع شده بود و آمد و شد روحانیان و اجرای مراسم مذهبی و حضور هزاران زائر چینی

و هندی به این خطه، باعث گردید تا مسلک بودایی و بازار کابل توسعه و رونق پیدا نکند.

زائرین بودایی وقتی از مراکز خدایان خود (بامیان) بر می‌گشتند، دوست داشتند از معابد و زیارتگاههای این شهر دیدن کنند. این عوامل موجب شده بود که کابل، هم از جنبه مذهبی و هم از ناحیه اقتصادی و تجاری رشد کند و سالها این روند جریان داشت، حتی بعد از ورود اسلام هم کابل سرزمین مقدس بودایی بود و تا سالها بعد، آتشکده بهار کابل روشن بود، ولی پس از سالهای (۳۰ - ۳۶ ه. ق) مرکزیت مذهبی و سیاسی بودائیان از رونق افتاد و نتوانست هویت گذشته، خود را حفظ کند، با آمدن مسلمانان و رشد چشمگیر اسلام، خدایان کابل (کابلشاهان) عقب رانده شدند. اسلام به عنوان بالنده‌ترین دین و مذهب که تمام ارزشها و کرامتهای انسانی را بر اساس فطرت انسان تأمین می‌کرد، جای همه را گرفت، کم کم مسلک بودایی از آن خطه به سوی هند و چین رخت بر بست و از این تاریخ به بعد است که دیار کابل دوره غربت خود را آغاز می‌کند. سلطان محمود غزنوی «غزنه» را مرکز خلافت خود قرار می‌دهد<sup>(۱)</sup>. غزنه نزدیکترین شهری است که در غرب کابل قرار گرفته است، سالهای متمادی پایتخت بزرگترین امپراتوری اسلام در بخش اعظمی از دنیای اسلام محسوب می‌شد که غزنه و غزنویان در تاریخ از عظمت والایی برخوردارند.

### ✽ فتح کابل به دست مسلمین

سال ۳۶ هجری مصادف بود با آغاز خلافت علی علیه السلام که «عبدالرحمن بن سمره» و جمعی از فاتحان اسلام و عده‌ای از دانشمندان مسلمان عرب همانند حسن بصری\* و دیگران به قصد فتح «سیستان» وارد «زرنج»\*\* مرکز آن روز سیستان شدند، در فاصله عبور از رودخانه «هیرمند»\*\*\* جنگ سختی میان سربازان اسلام و اهل آن دیار در گرفت، تعداد زیادی از طرفین کشته و اسیر شدند، در نتیجه پیروزی از آن اسلام بود، در فاصله زمانی که سربازان اسلام از آن مرز و بوم حفاظت می‌کردند «مسجد آدینه» (جمعه) برای اقامه نماز بنا گردید که برای مدتها حسن بصری در آن مکان مقدس احکام و اخلاق اسلامی می‌گفت. (هم‌اکنون آثار چندانی از آن مسجد باقی نمانده، فقط تلی از مرکزیت قدیم «نیمروز» بچشم می‌خورد که دارای آثار عتیقه عجیبی است، هر چند بار اهالی آن منطقه پس از باران بهاری برای پیدا نمودن اشیا به آن قلعه می‌روند)<sup>(۱)</sup>.

ابن سمره پس از اندک اقامتی در سیستان از راه قندهار به قصد فتح کابل وارد «غزنه» می‌گردد. ابتدا یکی از فرماندهان جوان خود را با تعدادی از سربازان مسلمان اعزام می‌کند، اما موفقیت چندانی بدست

\* - حسن بصری یکی از علمای بزرگ بصره بود.

\*\* - امروز بنام نیمروز یاد می‌شود و یکی از استان‌های جنوبی افغانستان است.

\*\*\* - دریای هیرمند خط مرزی میان استان سیستان و خاک افغانستان است.

۱ - از خود نگارنده، خاطرات سال ۷۱.

نیاوردند، از آنجا که کابل در محور حصار قرار داشت و همه اهل آن منطقه به داخل قلعه «کابلشاهان» پناه آورده بودند، دژ هم از نظر استحکامات فوق‌العاده آهنین به نظر می‌رسید. مدت‌ها جنگ ادامه داشت، ولی با ورود ابن سمره و به «منجیق» بستن قلعه و حصار کابل سربازان به داخل راه یافتند، جنگ شدیدی میان طرفین صورت گرفت، بالاخره سربازان مؤمن قلعه را فتح و شهر را از لوٲ بت‌پرستان پاکسازی نمودند. تعدادی از طرفین به قتل رسیدند و عده زیادی از قوای کفر به اسارت مسلمانان افتاد. پس از خاتمه جنگ ابن سمره فرمانده جوان خود را که «مهلَب» نام داشت از آنجایی که از خود شجاعت و مردانگی فوق‌العاده نشان داده بود، به سپهسالاری شهر گماشت و خود به قصد فتح ولایات شرقی کابل عازم هند و لاهور گردید، جغرافیای اسلام تا هند و قسمتی از چین پیش رفت و بخش اعظمی از مشرق زمین در عصر خلافت امام علی علیه السلام تحت نفوذ حاکمیت اسلام درآمد.

آوازهٔ حکومت و خلافت امام علیه السلام در سراسر عالم پیچید و در مدت زمان کمی اسلام به عنوان عالیترین دین و پرچم سبز «توحید» در قُلل مرتفع جهان به اهتزاز درآمد، و عدالت پیشوای راستین اسلام ضرب‌المثل شد، حکمرانان و فرماندهان امام به قلمرو تحت نفوذ اسلام از آفریقا گرفته تا آسیا سرازیر شدند. پیامها و نامه‌های امام به فرماندهان در بصره و حلب و غور، روح تازه‌ای در پیکر فرسوده مردم مظلوم بخشید، فرمانداران ملزم به اجرای عدالت بودند. در غیر این صورت از طرف امام خلع می‌شدند.

سال چهلّم\* هجرت بود که عبدالرحمن ابن سمره در مرکز خلافت اموی یعنی شام فراخوانده شد. هیئت حاکمه بجای وی «ربیع بن زیاد» را به ولایت سیستان می‌گماشت.

عبدالرحمن به موطن خود بصره باز می‌گشت، گویند: در جنب منزل خود به همت اسرایی که از کابل با خود آورده بود، مسجدی زیبا تأسیس کرد که به معماری مساجد کابل می‌خورد. بالاخره پس از سالها زحمت و تلاش در سال ۵۰ هجری داعی حق را لیک گفت.<sup>(۱)</sup> این بود مروری هر چند گذرا و فشرده بر سابقه تاریخی کابل و هم‌اکنون فرصت آن رسیده است تا سخنی از تاریخ معاصر و مخصوصاً «استقلال» آن به میان بیاوریم.

### ✽ استقلال سیاسی

شواهد زنده تاریخی نشان می‌دهد که افغانستان در گذشته نه‌چندان دور تحت سلطه شاهان ایران و هند بوده است. سرزمین امروزی افغانستان در سال ۱۲۷۳ خورشیدی بر اساس معاهده «پاریس» رسماً از ایران جدا شد.

البته مقدمات جدایی و استقلال این کشور در اواخر قرن ۱۸ میلادی و ۱۲ هجری پس از قتل «نادر افشار» پادشاه مقتدر ایران در سال (۱۱۶۰) توسط یکی از افسران قزلباش در «فتح آباد» قوچان آغاز گردید. پس از قتل نادرخان یکی از سرداران او بنام «احمدخان ابدالی»

\* - بین سالهای ۴۰ - ۴۴ آمده است.

۱ - تاریخ افغانستان بعد از اسلام، عبدالهی حبیبی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ تهران ص ۱۵۹.

همراه با چهار هزار تن از افراد\* تحت فرمان خود، از موقعیت پیش آمده بهره جست، بی آنکه کسی متعرض این افسر جوان شود، با تمام امکانات خود عازم ولایت قندهار گردید. در میان قبیله ابدالی اعلام استقلال نمود و قندهار را مرکز حکومت خود قرار داد، سران قوم همه او را به ریاست طایفه «افغان» پذیرفتند، از آن تاریخ به بعد بود که احمدخان، لقب «احمدشاه دُرانی» به خود گرفت و تا هند پیشروی کرد و مدت‌ها در هند حکومت نمود. بدین صورت افغانستان فعلی به صورت یک کشور مستقل و آزاد در صحنه سیاسی و جهانی ظاهر شد و پایدار ماند.

پس از احمدخان فرزندان او یکی پس از دیگری به قدرت رسیدند و درست ۲۷ سال (۱۱۶۰ - ۱۱۸۷) بر این سرزمین حکمرانی کردند که در این سالها کابل مرکز قدرت و سلطنت این طایفه بود<sup>(۱)</sup>. پس از طایفه احمد دُرانی، دوره سلطه و حکومت به قبیله «بارکزیایی» رسید که به ترتیب سلاطین جور این طایفه مزدور به قرار ذیل است:

دوست محمدخان ۱۲۳۴ ه.ش

شیرعلی دوره اول ۱۲۸۰ ه.ش

محمد افضل خان ۱۲۸۳ ه.ش

شیرعلی (دوره دوم) ۱۲۸۴ ه.ش

محمد یعقوب خان ۱۲۹۶ ه.ش

عبدالرحمن (خائن) ۱۲۹۷ ه.ش

\* - این تعداد همه سربازان افغانی بودند.

۱ - افغانستان (انجمن آریانا) چاپ ۱۳۳۴ کابل، ص ۵۷.

حبیب‌الله ۱۳۱۱.

امان‌الله خان ۱۳۱۲\*.

نادرشاه ۱۳۱۲.

و آخرین تفاله استعمار: محمد ظاهرشاه ۱۳۵۲<sup>(۱)</sup>.

این طایفه از تبار «قایل» حدود یک قرن و اندی برگرده امت ستمدیده افغانستان با حمایت قدرتهای خارجی حکومت نمودند که در این مدت جز ننگ و نفرت از آنان در خاطرها نمانده است و این دوره از تاریخ افغانستان را باید عصر سلطه استعمار «پیر» انگلیس در مشرق‌زمین دانست. که بر بخش اعظم دنیا سلطه داشت، خصوصاً دولت‌های کشورهای اسلامی را از آن خود نموده بود و سرزمینهای زیادی را تحت اشغال داشت؛ از جمله فواصل سالهای ۱۲۱۹ ه.ش، ۱۲۵۹ - ۱۲۹۷ با سه بار تجاوز و اشغال نظامی در سرزمین افغانستان خساراتی بی‌آورد، گرچه در هر سه مرتبه با شکست سخت و خفت‌باری رو برو شد که در آخرین مرتبه از چندین هزار سرباز انگلیسی و هندی یک نفر بنام دکتر «فریدون»<sup>(۲)</sup> توانست خود را از کابل به مرکز فرماندهی انگلیسها در «جلال‌آباد» برساند که بقیه بدست دلیر مردان پیکار و جهاد تارومار شده بودند با شنیدن این خبر ناگوار، فرماندهان انگلیسی فرار را برقرار ترجیح دادند و برای همیشه پشت به این سرزمین نمودند<sup>(۳)</sup>.

\* - این قسمت در متن اصلی اشتباه چاپ شده.

۱ - سلسله‌های اسلامی، کلیفورد... ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران سال ۱۳۷۱، ص ۳۱۰.

۲ - وزارت امور خارجه افغانستان... ص ۱۱۳.

۳ - سراج التواریخ، فیض محمدکاتب هزاره، چاپ ۱۳۳۱ کابل ص ۱۷۷.

### ❁ سید جمال‌الدین اسدآبادی در کابل

مقطع تاریخی ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۵ هجری قمری یکی از بحبوحه‌های تاریخی و از بلندترین فرازهای تاریخ یک قرن قبل از کشور محسوب می‌شود که در این برهه حساس از زمان، سیدجمال از راه مشهد راهی کابل می‌گردد. در این مدت هفت ساله، بزرگ مصلح عالم اسلام برای رفع اختلافات و بحران بجا مانده از تجاوز انگلیس میان سران قبیله و فرماندهان افغانی در رفت و آمد بوده و مدتها با «دوست محمدخان» امیر ضداستعمار و مبارز آن دیار بسر می‌برد. اینک حوادث تلخ آن عصر را همراه با خاطرات سیدجمال، به صورت سالشمار و گذرا ورق خواهیم زد:

«سید در این سال پس از زیارت امام رضا علیه السلام، به افغانستان رفت. انگیزه هجرت سید به افغانستان، وجود دوست محمدخان، امیر ضد استعمار و مبارز آن دیار بود. دوست محمدخان در جنگهای متعدد علیه انگلیس، شرکت جست و قهرمانانه نبرد کرد و قوای دشمن را بخاک مذلت نشانده.

پیوند با این چهره ملی - مذهبی برای سیدجمال، امر حیاتی و سرنوشت ساز بود. او می‌خواست با این مرد پر همت و استعمار ستیز در راه رشد جامعه اسلامی تلاش کند. سید در سال ۱۲۷۸ وارد کابل می‌شود و برای دیدار دوست محمدخان به جلال آباد می‌رود.

❁ ۱۲۷۹

سید در کنار امیر دوست محمدخان بود، تا این که جنگی بین امیر و سلطان احمدخان، پسر عمه و دامادش، که از جانب ایران تأیید می‌شد، در گرفت. سید جمال تا محاصره هرات همراه امیر بود...

❁ ذی حجه ۱۲۷۹

پس از مرگ دوست محمدخان، شیرعلی ولیعهد وی، در سال چهارم مرگ پدر اعلان سلطنت کرد. شیر علی، چهار برادر، به نامهای محمدافضل خان، محمد اعظم خان، محمد اسلم خان و محمد امین خان داشت. دو برادر اخیر بظاهر با وی بیعت کردند. محمد اعظم، حکومت را حق برادر بزرگتر محمدافضل، می‌دانست. از این رو، بین برادران اختلاف بروز کرد. سید که در آن زمان همراه محمد اعظم خان در هرات بود، وی را به بیعت با برادر تشویق کرد. ولی او این پیشنهاد را نپذیرفت و سر ناسازگاری با برادر گذارد. درگیری شروع شد و محمد اعظم شکست خورد. آنگاه امیر شیرعلی خان، به اتفاق سید جمال وارد کابل شدند. امیر شیرعلی، ولی محمد رفیق خان را که با سید رقابت داشت، به صدر اعظمی افغانستان برگزید. سید شاید به خاطر این رقابتها و نزاعها بود که کابل را ترک کرد و به ایران آمد. برخی نوشته‌اند: سید افغانستان را به مقصد هندوستان ترک کرده است...

## ❁ اواخر رجب ۱۲۸۲

در این تاریخ سید جمال وارد تهران می‌شود. در بدو ورود به دیدار پسرعموی خود، سید محمدهادی حسینی همدانی معروف به روح‌القدس که در مدرسه چاله‌حصار تهران مشغول تحصیل بوده، می‌رود. همراه وی، به استنساخ برخی رساله‌ای عرفانی می‌پردازد. از یک مجموعه، پنج رساله فلسفی و عرفانی مخطوط، که جزو کتابهای سید بوده، دو رساله آن توسط سید محمدهادی در تهران استنساخ شده است. در نخستین صفحه رساله اول سید، بامداد تحت عنوان «جمال‌الدین الحسینی الاستنبولی الافغانی الکابلی»، امضا کرده است...

سید جمال‌الدین، بیش از پنج ماه در تهران ماندگار می‌شود، به نظر می‌رسد که اوضاع را برای فعالیت، مناسب نمی‌یابد و مجدداً به طرف افغانستان که آستان حوادث جدیدی بوده، حرکت می‌کند. در این سفر بود که سیدجمال، میرزا ابوتراب ساوجی را که مجذوب وی شده بود با خود از تهران به افغانستان برد.

## ❁ محرم ۱۲۸۳

سید جمال در این تاریخ از تهران خارج و به سوی مشهد حرکت می‌کند. در مسیر راه، وقتی به شاهرود می‌رسد، غزلی می‌سراید که حاکی از نابسامانی اوضاع ایران و ناامیدی وی از سامان یافتن آن اوضاع ناهنجار است:

عهد کردم گر از این ورطه غم جان بیرم  
 یکسره سر به درِ درگه جانان بیرم  
 پای کوبان [و] غزل خوان به دو صد وجد و طرب  
 خویشتن را به در دوست به قربان بیرم  
 سینه خویش کنم چاک، گریزان و دوان  
 عرض خود را به در آصف دوران بیرم

\* \* \*

## \* جمارالاولی ۱۲۸۳ \*

سید جمال، هنگامی که در ایران به سر می برد، حوادث جدیدی در افغانستان رخ می داد. در اثر حملات مکرر محمد اعظم خان و برادرزاده اش عبدالرحمن خان، پسر محمدافضل، کابل به دست قوای آنان فتح شد و امیر شیرعلی را اخراج کردند.  
 ...شیرعلی خان بعد از شکست کابل، به قندهار رفت و پس از فراهم نمودن نیرو، تصمیم گرفت حکومت از دست رفته را باز پس گیرد.  
 سید جمال الدین، در چنین وضعیتی... مشهد را به قصد افغانستان ترک کرد و در همان ماه وارد هرات گردید. سید جمال چهل روز در هرات در سرای نوربیک ماند.

دقیقاً مشخص نیست که حضور سید در افغانستان و سپس مسافرت وی به قندهار، بر اساس دعوت محمد اعظم خان بوده، یا سید خود، برای جلوگیری از درگیری و جنگ بین دو برادر و یا حمایت از محمد اعظم خان چنین موقعیتی را برای سفر در افغانستان برگزیده است.

حوادث بعدی نشان می‌دهد که سیدجمال در این درگیری، جانب محمداعظم خان را گرفته است.

غلام جیلانی اعظمی یکی از نویسندگان افغانی می‌نویسد:

«وقتی که سید از این جریانات مطلع شد از راه چمن کویته خود را به قندهار رسانید و از محمد اعظم خان طرفداری کرد.»

### ✽ جمادی‌الاول ۱۲۸۳

سید، مسافرت‌هایی به هرات و قندهار می‌کند و از قندهار به غزنی می‌رود... در روز جمعه ۲۵ جمادی‌الآخر ۱۲۸۴... وارد کابل می‌شود و در بالا حصار، در سراچه دوست محمدخان منزل می‌نماید. یکی از نویسندگان افغانی... می‌نویسد:

«امیر محمداعظم خان و سردار عبدالرحمن خان، برادرزاده‌اش، شکست به قشون شیرعلی داده، با سیدجمال عازم کابل گردیدند. بعد ورود ایشان، امیر محمدافضل خان [بعد از یک سال حکومت] فوت شده، امیر اعظم جانشین او گردید و سیدجمال را وزیر اول خود مقرر داشته، کارها را بر وفق میل و اراده او آغاز کرد.»

سیدجمال، طبق نقل گروهی به وزارت رسید و خود بطور مستقیم به امور افغانستان رسیدگی می‌کرد. در راه ترقی و تعالی اجتماعی و فرهنگی این دیار می‌کوشید. در این برهه بود که نام وی بر سر زبانها افتاد و راه افغانستان شهرت یافت...

سیدجمال، حدود یک سال در کابل با موقعیتی خاص به فعالیت

پرداخت... از مکتوبی برمی آید که سید، آزادی یکی از علمای افغانی را که در حبس بوده، از محمد اعظم خان تقاضا می‌کند.

سید، در افغانستان، نشریه‌ای بنام «کابل» منتشر می‌کند که نسخه‌هایی از آن به جای نمانده است. این نشریه ادامه نشریه شمس النهار کابل بوده که قبلاً امیر شیرعلی آن را منتشر می‌کرده است... سید قاسم رشتیا و غلام جیلانی اعظمی از نقش اصلاحی سید در موارد ذیل یاد کرده‌اند:

- ۱- در اعلان استقلال سیاسی، ۲- اصلاح امور دربار، ۳- تشکیل کابینه وزراء، ۴- تنظیم سپاه، ۵- ایجاد مکتب‌های کشوری و لشکری،...
- ۶- تبدیل القاب و عناوین صاحب منصبان لشکری و کشوری از زبان بیگانه، ۷- تأسیس روزنامه، ۸- تأسیس بیمارستان، بیطارخانه ۹-
- پستخانه، ۱۰- احداث مسافرخانه در طول راههای مسافرت، ۱۱-
- احداث شهر جدید شیرپور»...

### ❁ جمعه ۱۳ رجب ۱۲۸۵

در این تاریخ، سید جمال، یادداشتی در دفتر خود دارد که حکایت از اوضاع بد کابل می‌کند.

«در منزل سردار ذوالفقارخان، در نهایت پریشانی خاطر و افسردگی دل، در شهر کابل نوشته شد، تا چه پیش آید»

نوشته‌های سید در این زمان نشان می‌دهد که وی مورد هجوم تبلیغات زهر آگینی قرار گرفته است. سنی‌ها شیعه‌اش می‌خواندند و شیعیان سنی وعده‌ای هم بایی! در هنگامه تسخیر کابل، آنانکه از موقعیت پیشین

سیدجمال، در رنج بودند، به شایعه پراکنی پرداختند. بی شک در این آلودن فضا و تحریف شخصیت سید، انگلستان زخم خورده نیز فعال بوده و. به حاکمان، خط و جهت می‌داده است. جاسوسان انگلیس، ارتباطات سید را تحت نظر داشته‌اند. و گزارشهای متعددی از کابل به نائب‌السلطنة هند می‌فرستاده‌اند. استاد فقید محیط طباطبایی در این باره می‌نویسد:

«فعالیت سید اسلامبولی، یا سید جمال‌الدین، در دربار امیر و ملاقاتهای محرمانه وی، در بالاحصار کابل، خفیه نویسان حکومت هند انگلیس را به او بدگمان ساخته و گزارشهای مفصلی از این حضور بهم و دیدار شبانه که از موضوع مذاکره آن بی‌خبر مانده بودند، به کلکته می‌فرستند که خلاصه آن را در گزارش عمومی بخش سیاسی و محرمانه از اداره امور هند که در «نی نی تال» همان ایام درج شده، می‌توان یافت و از زبردستی سید جوان همدانی در کار اغفال مأمورین (مخفی) انگلیسی در کابل تعجب کرد که پس از ماهها توقف او در کابل و دیدارهای شبانه در بالاحصار، از حقیقت امر و نیت سید اطلاعی به دست نیاورده و فعالیت او را به حساب سعایت روس می‌گذاشتند و از پاره‌ای اظهارات او در باره قدرت روسیه چنین حدس می‌زدند.»

### ✿ شکوائیه‌های سید

سیدجمال‌الدین، در دفتر خود، سه شکوائیه دارد که نشانگر اندوه عمیق وی و فشار زیادی است که بر او وارد کرده‌اند. در آغاز شکوائیه اول آمده: «هو الغالب علی کل العباد. آنچه بدخواهان بگویند ای دل بیا

که ما به پناه خدا رویم... انت المَشْتَكِي يَا اللهُ مِنْ اَيْدِي الْفَاسِقِينَ و... (خدا یا به تو شکایت دارم از دست فاسقین و از تو امید دارم از دست ظالمین، خدایا مرا از دست فاسقان و فاجران فَجْرَه و کَفَّار، بحق صالحان درگهت نجات بده.»

### ✽ شکوائیه دوم

«... طایفه انگریزه \* اُرُسم \*\* می خوانند و فرقه اسلامیه مجوسم می دانند، سنی، رافضی و شیعه، ناصبی. بعضی از اخیار چهار یار، و هابیم گمان کرده اند. و برخی از ابرار امامیه، با بیم پنداشته اند. الهیان، دهری و متقیان، فاسق از تقوی بری. عالمان، جاهل نادان مؤمنان، فاجر بی ایمان انگاشته اند. نه کافر به خود می خوانند و نه مسلم از خود می دانند. از مسجد مطرود و از دیر مردود. حیران شده ام که به کدام آویزم و با کدام به مجادله برخیزم... نه راه فرار که از دست این طایفه گریزم و نه جای قرار که با آن فرقه ستیزم. در شهر کابل، در بالاحصار، دست بسته و پای شکسته، نشسته تا از پرده غیب چه برآید و از گردش فلک دون پرور، چه زاید! فی الیوم الجُمعه فی ۱۳ شهر رجب ۱۲۸۵.»

### ✽ شکوائیه سوم

آه از دل پر خون! آه از بخت واژگون! آه از دست مردم دون. نه علاج دل توانم نه علاج بخت وارون. نه علاج خویش نه علاج مردم دون.

\* - انگلیس.

\*\* - مخفف روسیه.

چه کنم و راز دل با که بگویم و راه نجات خود از که بجویم؟ در شهر کابل در بالاحصار در شهر رجب ۱۲۸۵ نوشته شد. الغریب فی البلدان والطرید عن الاوطان جمال الدین الحسینی...»

این شکوائیه چند روز قبل از ترک کابل نوشته شده است. احتمالاً زمانی بوده که به وی اطلاع داده‌اند باید کابل را ترک کند.

#### ❁ ۲۰ رجب ۱۲۸۵

بعد از تصرف کابل، توسط شیرعلی، حکومت جدید، سید را تحت نظر داشت و به وی آسیبی نرساند. اما اطمینانی به وی نداشتند، بالأخره، سید جمال الدین به عنوان سفر حج، کابل را ترک کرد.

#### ❁ شعبان ۱۲۸۵

در این تاریخ، سید جمال، قندهار را ترک گفت، و برای همیشه با افغانستان وداع کرد. مسیر سید دقیقاً مشخص نیست، ولی آنچه مسلم است، سید به بمبئی هند رفته است... در ذی حجه ۱۲۸۵ وارد بمبئی می‌شود...»<sup>(۱)</sup>

۱ - مجله «حوزه» شماره پنجم و ششم سال دهم، آذر، دی، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، از ص ۱۳۷ - ۱۵۳.

## «بخش چهارم»

### ✽ مراکز فرهنگی و درمانی

این بخش از گفتار نگاهی گذرا و نقادانه به موضوعات اساسی و زیربنایی ذیل خواهد انداخت:

۱- مدارس دولتی و انحصار طلبی‌ها.

۲- کتاب و کتابخانه.

۳- مطبوعات و سیر صعودی آن.

۴- نقش رادیو، تلویزیون و اثرات مخرب سینما.

۵- فرهنگ ملی و مردمی.

۶- دستی جدا مانده از پیکر.

برای اولین بار در زمان امیر شیرعلیخان در کابل، مدارس و مکاتب دولتی به صورت کلاسیک و امروزی باز شد. از آن تاریخ به بعد مدارس زیادی در شهر توسط امیران و شاهزادگان تأسیس گردید، ولی خارج از جغرافیای کابل خبری از فرهنگ و مدارس نبود. این روند در عصر سلطنت ظاهر شاه شتاب بیشتری گرفت، تعداد مکاتب ابتدایی و متوسط

در مرکز ولایات و بخشها تأسیس و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در این برهه از تاریخ بود که پای «مکتب» و مدرسه دولتی به این دیار «شیعه‌نشین» کشانده می‌شود، و تعداد محدودی به مدارس راه یافتند، در حالی که امکانات مدارس و حقوق معلمین از ناحیه خود مردم شیعه مذهب تأمین می‌شد. باز هم دولت متعصب و دولتمردان جاهل، بنا بر عقده‌ای که از شیعیان داشتند و آنان را مانع راه خود می‌دیدند، نگذاشتند در مناطق شیعه‌نشین، مدارس از کلاس ششم ابتدایی به بالا دایر باشد. اکثر مناطق شیعیان تا همین اواخر از وجود مدرسه و نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند و هنوز هم مناطق زیادی هست که معلم و مدرسه در آنجا راه نیافته است. در حالی که در سایر مناطق و از جمله همین کابل صدها مدرسه و مراکز آموزشی وجود داشت.

ولی تعداد دانش‌آموزان شیعه مذهب از شمار انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد! در مورد مکاتب تخصصی کابل حتی یک نفر هم حضور نداشته است.

دقیقاً در حوالی سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ خورشیدی در کل مناطق شیعه‌نشین مرکزی هزاره جات، بیش از بیست باب مدرسه، آن هم در سطح ابتدایی فعال نبوده است.

شایان ذکر است آنچه‌ان ترس و وحشت در دل رنج‌دیده این دیار انداخته بودند که هرگاه سر و کله مأمورین شکمبارۀ دولت برای ریاکاری هم که شده، پیدا می‌شد، مردم از دست این گرگان درنده می‌گریختند<sup>(۱)</sup>.

۱ - نگارنده در خاطر دارد که در حدود سالهای ۱۳۴۹ وقتی برای اولین بار والی ولایت جوزجان برای افتتاح مدرسه تازه تأسیس وارد بلخاب شد، مردم - حتی

این همه رعب و وحشتی که در آن سامان سایه بود، بخاطر این بود که ملت از دولت رضایت خاطر نداشتند و از آینده فرزندانمان بیمناک بودند. روی این جهات این در و آن در می‌زدند.

باز هم طبق آمار سال ۱۳۳۱ برای ۳ میلیون شیعه مناطق مرکزی بیش از پنج باب مدرسه دایر نبوده است. البته در این که شیعیان محروم بمانند، خواسته همه دولتمردان نامرد بوده و جای هیچ شکی نیست برای مثال.

یکی از وزرای وقت رژیم بنام «هاشم خان اخته» عموی ظاهرخان که در تعصب و حماقت دست کمی از «حجاج» نداشت، طی فرمانی به وزارت «معارف» در کابل دستور می‌دهد تا از ورود دانشجویان شیعه و قوم هزاره در مدارس عالیّه مخصوصاً در وزارت «دفاع» جلوگیری به عمل آید.

البته قضایای تأسفاترتری از این هم در فرهنگ و قاموس «کرسی نشینان» کابل رواج پیدا کرده بود، تا جایی که در سال ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ جوانان محصل شیعه را گروه گروه از مدارس عالی دولتی کابل اخراج و مانع از تحصیل این نسل رنج کشیده و مظلوم می‌شدند. در صورتی که

---

عده‌ای از بزرگان آن دیار حاضر شدند پول کلانی بدهند، تا مدرسه افتتاح نشود و فرزندانمان وارد مدرسه دولتی نشوند. ولی نگارنده به نمایندگی یک قبیله از سادات بزرگ منطقه، این شانس را بدست آوردم که علی‌رغم میل باطنی اقوام، وارد مدرسه شوم، والدین و اقوام نزدیک از رفتن من به مکتب بسیار ناراحت شده بودند که چه روزی بر سر این «بچه» خواهد آمد. ولی هر چه بود، دوران بسیار خوشی بود که هنوز هم شیرینی آن دوران را به یاد دارم که یاران مدرسه همه به کاروان شهادت پیوستند و من ماندم و خاطره پانزده سال «هجرت» و «جهاد»...

تعداد دانش‌آموزان سایر فرق و مذاهب در کابل از مرز هفتاد و سه هزار تن می‌گذشت، در حالی که تعداد دانشجویان ما در تمام دانشکده‌های دانشگاه کابل از ۷۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد<sup>(۱)</sup>.

به همین صورت ظلم و اجحاف بر این قوم ادامه داشت تا اینکه دوران علامه سیداسماعیل بلخی (ره) رسید و وضع قدری خوب شد، دانشجویانی در رده‌های بالاتر راه یافتند و کسانی به خارج اعزام شدند، ولی بعد از شهادت ایشان باز هم همان وضعیت قبلی بود، هر چند جسته و گریخته افرادی در دانشکده‌های فنی و تخصصی حضور داشتند و چهره‌های خوبی از مدارس کابل فارغ‌التحصیل شدند که متأسفانه امروز برخی از آنها در کشورهای پاکستان و ایران مثل یک کارگر ساده و برخی در بیمارستانها و مراکز فرهنگی و جهاد سازندگی مشغول کارند.

ولی نباید فراموش کرد فاجعه فرهنگی و افت تحصیلی در دهه انقلاب که همراه با جهاد و هجرت بود، افزایش سرسام‌آوری پیدا کرد، در داخل امکانات تحصیلی وجود نداشت و در خارج یک سری بی‌توجهی‌ها باعث شد تا تعداد کثیری از جوانان پر استعداد و خوش‌ذوق ما از کاروان فرهنگ و تخصصهای لازم محروم بمانند. این نکته لازم به ذکر است که دو سال و اندی است، مدارس کابل تعطیل است، درگیریهایی اخیر امکان بازسازی و بازگشایی مدارس و مراکز تعلیم و تربیت و فرهنگ موجود در کابل را از بین برده است.

### ✽ مراحل تحصیلی

آموزش در افغانستان و همچنان در کابل در سه سطح انجام می‌گرفت:

۱ - شش سال ابتدایی.

۲ - شش سال متوسطه.

۳ - پنج سال دانشگاه.

اما مدت این دوره بخصوص در سطح ابتدایی و متوسطه نوسان داشته است. قبلاً دوره ابتدایی و راهنمایی جمعاً ۱۲ سال به طول می‌انجامید، ولی در سال ۱۳۵۸ به منظور مبارزه بابتی سواد و بازسازی سریع سیستم آموزشی و اهداف دیگر به ده سال کاهش یافت، ولی دوباره یازده سال شد و در سال ۱۳۷۰ به همان حالت اولیه خود (۱۲ سال) برگشت (۱).

### ✽ تعداد مدارس کابل

در این بخش به تعداد مدارس کابل و سال تأسیس آن اشاره می‌شود:

۱ - وزارت امور خارجه افغانستان، ص ۴۱ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران - ۱۳۷۲، ص ۴۱.

## \* مدارس ابتدایی پسرانه

- مدرسه عاشقان و عارفان، سال تأسیس ۱۳۱۴ ه.ش.
- مدرسه حصه اول شاه شهید، ۱۳۳۱.
- مدرسه سیدجمال الدین، ۱۳۲۷.
- مدرسه شاه دو شمشیره، ۱۳۱۲.
- مدرسه مسعود سعد، ۱۳۳۰.
- مدرسه دقتی، ۱۳۱۴.
- مدرسه محمد ایوب خان، ۱۳۳۱.
- مدرسه بیهقی، ۱۳۱۴.
- مدرسه پارسا، ۱۳۱۴.
- مدرسه منوچهری، ۱۳۱۴.
- مدرسه قاری عبدالهی، ۱۳۱۴.
- مدرسه شاه ولی، ۱۳۳۵.
- مدرسه عنصری، ۱۳۱۴.
- مدرسه ابوریحان، ۱۳۱۲.
- مدرسه سیروس، ۱۳۳۵.
- مدرسه بی بی مهرو، ۱۳۲۵.
- مدرسه جمال مینه، ۱۳۳۸.

### ✿ مدارس ابتدایی دخترانه

- مدرسه مستوری غوری، تأسیس ۱۳۲۶ ه.ش
- مدرسه محبوبه هروی، ۱۳۳۱.
- مدرسه حاذقه هروی، ۱۳۴۱.
- مدرسه ستاره، ۱۳۲۹.
- مدرسه زینب، ۱۳۳۳.
- مدرسه حلیمه، ۱۳۳۵.
- مدرسه فدوی امینی، ۱۳۳۹.
- مدرسه حیاتی، ۱۳۴۰.
- مدرسه بی بی مهرو، ۱۳۳۹.
- مدرسه گوهری، ۱۳۴۱. (۱)
- و....

### ✿ مدارس راهنمایی پسرانه

- مدرسه حبیبیه، تأسیس ۱۲۸۳ ه.ش
- مدرسه استقلال، ۱۳۰۱.
- مدرسه نجات، ۱۳۰۲.
- مدرسه غازی، ۱۳۰۶.
- مدرسه رحمان بابا، ۱۳۲۷.

- مدرسه محمود طرزی، ۱۳۱۷.
- مدرسه خوشحال خان، ۱۳۲۷.
- مدرسه انصاری، ۱۳۴۲.

#### ✽ مدارس راهنمایی دخترانه

- مدرسه رابعه بلخی، تأسیس ۱۳۲۷ ه. ش.
- مدرسه زرغونه، ۱۳۲۰.
- مدرسه عایشه درانی، ۱۳۴۰.
- مدرسه متوسطه سوریا، ۱۳۴۲.
- مدارس تخصصی...
- مکتب تجارت، ۱۳۲۲.
- مکتب مکانیکی، ۱۳۱۶.
- مکتب ابن سینا، ۱۳۲۶.
- مکتب دارالمعلمین، ۱۳۱۸.
- مکتب صنایع، ۱۳۱۸.
- مکتب ورزش، ۱۳۰۰.
- مکتب اصول ادبیات، ۱۳۱۸.
- مکتب بلقیس، ۱۳۳۶.
- دارالمعلمین عالی، ۱۳۳۶.
- آکادمی تربیت معلم ۱۲۷۹.
- آکادمی پلیس...؟

## ❁ دانشکده‌های کابل

گفته می‌شود دانشگاه کابل یکی از دانشگاه‌های نمونه خاورمیانه به‌شمار می‌آید. چراکه رشته‌های گوناگون علم و دانش به وسیله اساتید زبده داخلی و خارجی با همه نوع امکانات پیشرفته در آن تدریس می‌شد.

متأسفانه در زدوخوردهای اخیر قسمت کتابخانه و چاپخانه آن هدف موشک قرار گرفت و میلیاردها دلار زیان مالی و ضایعه فرهنگی به این مجموعه بزرگ وارد شد.

از دانشکده‌ها می‌توان به اسامی ذیل اشاره کرد:

- دانشکده طب، تأسیس ۱۳۳۸ خورشیدی.

- دانشکده حقوق علوم سیاسی، ۱۳۱۷.

- دانشکده علوم انسانی، ۱۳۲۱.

- دانشکده فارماسی، ۱۳۳۸.

- دانشکده مهندسی، ۱۳۳۵.

- دانشکده زراعت و...، ۱۳۳۵.

- دانشکده اقتصاد، ۱۳۳۶.

- دانشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۴۱.

- مؤسسه تعلیم و تربیت، ۱۳۳۲. (۱)

۱ - راهنمای کابل... از ص ۲۰۳. افغانستان در پنجاه سال اخیر، ناشر: مؤسسه طبع کتب، چاپ کابل، ۱۳۴۷. - حاوی مطالب فوق و اطلاعات لشکری و کشوری کابل می‌باشد که در نوع خود کم نظیر است.

## ❁ مراکز درمانی

از جمله مرکز درمانی و بهزیستی کابل می توان به چند نمونه اشاره نمود:

## ۱- بیمارستان وزیر اکبرخان

این مرکز درمانی با ۱۸۰ تختخواب در سال ۱۳۴۳ افتتاح گردید.

## ۲- مؤسسات طبّی ابن سینا

این مؤسسات دارای شعبات و بخشهای زیادی است که در سال ۱۳۱۵ آغاز بکار نمود.

## ۳- بیمارستان «معلولین» زنان

این بخش با ۲۵ تخت در سال ۱۳۱۲ در محدوده دارالامان تأسیس گردید.

## ۴- بیمارستان محبس (زندان)

بیمارستان زندان «دهمزننگ» از دو بخش تشکیل شده است، یکی زنانه و دیگری مردانه که به مداوای زندانیان استبداد ستمشاهی می پرداخته است. از مراکز درمانی دیگر در کابل می توان به این مراکز اشاره کرد:

- مؤسسه صحت عامه

- مؤسسه ملاریا

- مؤسسه سل

- مؤسسه داروسازی

- مؤسسه مصنوعات کیمیاوی و دهها مؤسسه دیگر.

و اما دانشکده‌های مربوط به وزارت بهداشت:

- مدرسه دندانسازی

- مدرسه عالی تکنالوژی

- مدرسه روغتیا

- مدرسه اکسریز لبرانت

- مدرسه دوا فروشی

- مؤسسه قابلیتگی (مامایی) و... مدارس دیگر. (۱)

تعداد مراکز درمانی موجود در این کشور نسبت به درصد جمعیت خیلی اندک به نظر می‌رسد، شاید برای چند هزار نفر یک پزشک وجود نداشته باشد. در مجموع بین سالهای ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ تعداد ۱۱۵۰ تختخواب در بیمارستانهای دولتی آماده پذیرایی از بیماران کابل بوده است و با تأسیس بیمارستان «جمهوریت» تعداد ۲۵۰ تختخواب در سال ۱۳۵۵ بر این تعداد افزوده گشت (۲). گرچه در گذشته در شهر کابل چندان کمبود طبیب و دارو به نظر نمی‌آمد، ولی در بخشها و شهرهای دیگر کمبود دارو و دکتر غوغا می‌کرد. هم‌اکنون وضع به مراتب بدتر و تبدیل به یک فاجعه شده است و مردم به شدت در مضیقه دارو و درمان هستند و هیچ‌گونه مؤسسه بین‌المللی و غیر آن هم به این معضل بزرگ و امر حیاتی توجه شایانی نکرده است. تنها طبیب و امید مردم توکل به خداوند و زیاراتی است که از نسل علی علیه السلام به یادگار مانده است.

۱ - راهنمایی کابل... ص ۳۱۴... و جغرافیای شهری افغانستان، ص ۶۳.

۲ - لغت‌نامه دهخدا... ذیل حرف «ک».

### ❁ کتابخانه‌ها

«کتاب» و «کتابخانه» بوستانی است که راهیان علم و دانش در آن سیر می‌کنند\* . و از خوشه‌های علوم و معارف انسانی ثمره دلخواه خود را می‌چینند. آری این کتاب است که در طول تاریخ بشریت، حامل پیام افکار بزرگ مردان تاریخ و پیامبران الهی بوده است.

این کتاب، قلم و دفتر است که افکار و پندار نسلها و عصرهای گذشته را بر نسلها و عصرهای آینده منتقل می‌سازد. و گرنه چهره یزیدیان زمان و حسینیان تاریخ بر ملا نمی‌شد و ریشه علم و دانش خشک می‌گردید.

در حقیقت کتاب «چراغ پرفروغی» است بر فراز راه کاروان بشریت.

وجود کتاب و تشکیل کتابخانه در هر نقطه، روشنگر رشد فکری و توجه فرهنگی یک امت و تاریخی است که در آن سرزمین به ظهور رسیده است.

دیار کابل هم با وجود آن همه آثار گرانبها و ارزشمند که محصول ذوق و فکر دانشمندان قرون متمادی بوده، این شهر را به صورت مرکز فرهنگی و علمی زمان خود درآورده بود، که در گذشته نه چندان دور، آثار کهن و کم‌نظیری در موزه‌ها و کتابخانه‌های این دیار یافت می‌شد. گرچه فاجعه تجاوز روسها و جنگهای اخیر کابل، فرهنگ

\* - مضمون حدیثی است (الکتاب بساتین العلماء) که از معصوم (ع) رسیده است.

و ادب کشور و ملت را در پرتگاه سقوط و نابودی قرار داده است و ذخایر گرانسنگ و تاریخی آن شهر مورد یورش و غارت عده‌ای سوداگر نابخرد و گوهر شناس قرار گرفته است. خبر اصابت موشک و به غارت رفتن قسمتی از ذخایر علمی و اقتصادی آن کشور ضایعه‌ای است دردناک که سالها فرصت می‌طلبد تا آن همه منابع از دست رفته و مدارک بی‌نظیر از موزه‌ها و کتابخانه‌های کشورهای دوست و دشمن بازگردد (۱).

در این فرصت خوب است سری به مراکز فرهنگی کابل زده، و مراکز چندی را برای ادب دوستان به شرح زیر معرفی خواهیم نمود:

۱ - کتابخانه ارگ شاهی؛ این کتابخانه در قصر سلطنتی قرار دارد و حاوی ۶۵۰۰ جلد نسخه قدیمی، خطی و کتب چاپی قدیم و جدید می‌باشد.

۲ - کتابخانه عمومی؛ این بخش فرهنگی دارای هشتاد هزار جلد کتاب چاپی و خطی نفیس به زبانهای مختلف فرانسوی، آلمانی، ترکی، انگلیسی و... بوده است که در طول سال به روی طالبان علم باز بوده است.

۳ - کتابخانه مطبوعات؛ این مرکز ارزشمند در سال ۱۳۱۰ خورشیدی از طرف «انجمن ادبی» کابل تأسیس شده و تعداد منابع موجود در آن به بیش از بیست و پنج هزار نسخه بالغ می‌رشد.

۴ - کتابخانه دانشگاه؛ این کتابخانه شاید یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌ها در نوع خود در پایتخت افغانستان باشد، که در آن بیش از ۸۰

۱ - به گفته رادیو جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۷۳/۱/۱۱ از قول مؤسسه یونسکو، بعلاوه شواهد دیگری دال بر این امر است.

هزار جلد کتب در فنون و زبانهای زنده دنیا وجود داشته است. به علاوه دارای سالنهای مطالعه و امکانات خیلی عالی در حد کتابخانه‌های مهم دنیا از تسهیلات لازم برخوردار بوده است به نحوی که هزاران دانشجو شبانه روز از این خزانه فرهنگی بهره می‌جسته‌اند.

۵ - کتابخانه وزارت دارایی؛ با ظرفیت ده هزار جلد کتاب در امور اداری و مالی به صورت بسته اداره می‌شده است و بیشتر مورد استفاده دانشجویان این رشته بوده است.

۶ - کتابخانه «د افغانستان \* بانک»؛ این کتابخانه با تعداد ۳۵۰۰ جلد کتاب در فنون بانک‌داری و مربوط به آن، در سال ۱۳۳۴ از طرف ریاست بانک مذکور برای رشد و کیفیت علمی کارکنان به وجود آمده است.

۷ - کتابخانه «بانک ملی افغان»؛ این کتابخانه هم حاوی ده هزار کتاب فنی و گوناگون مخصوصاً در امور اداری و بانکی بوده است.

۸ - کتابخانه‌های مؤسسات دولتی؛ گذشته از آنچه گفته شد، مؤسسات دولتی هم دارای کتابخانه بوده‌اند که عبارتند از:

- کتابخانه انجمن تاریخی.

- کتابخانه وزارت بهداشت.

- کتابخانه وزارت معارف (آموزش و پرورش).

- کتابخانه وزارت مالیات.

\* - د افغانستان (با فتح دال و الف) خوانده می‌شود و لفظی است در زبان پشتو.

- کتابخانه آژانس خبری کابل «باختر».

و نیز سایر کتابخانه‌های شخصی که حایز اهمیت است، بدین شرح می‌باشد:

- کتابخانه عبدالهادی

- کتابخانه صالح جان

- کتابخانه سراج و... (۱)

- مدارس علمیه و مساجد

۹ - کتابخانه موزه؛ موزه کابل به سال ۱۲۹۷ ه. ش در باغ

تأسیس گردید و امروز جنب ساختمان قدیم دارالامان نزدیک وزارتخانه‌ها در یک ساختمان دو طبقه‌ای قرار گرفته است که در قسمتی از ساختمان موزه کتابخانه منحصر به فردی وجود دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. این موزه به دو قسمت تقسیم شده است:

یکی حصه «اتنوگرافی» و دیگر «باستان‌شناسی» که از نقطه نظر

علمای باستان‌شناسی یکی از موزه‌های مهم و قابل توجه آسیاست.

به لحاظ اینکه مجسمه‌های یونانی، بودایی آن را در دنیا ممتاز

ساخته و حفریاتی که در سالیان اخیر توسط هیئت‌های فرانسوی صورت

گرفت، سرمایه تاریخی و معنوی موزه را دو چندان نمود (۲). از آثار

بدست آمده قبل از اسلام و بعد از آن که در این موزه وجود داشت، با

کمال تأسف در دوران چپاول روسها، نفیس‌ترین این آثار و اشیاء عتیقه

به موزه‌های «مسکو» و «لنین‌گراد» به سرقت رفت که جزو سرمایه‌های

۱ - راهنمایی کابل...، ص ۲۱۲.

۲ - لغت‌نامه دهخدا...

ملی و پشتوانه اقتصادی فرهنگی کشور محسوب می‌شود؛ امید است وجدانهای زنده و بیدار پس از آرامش به فکر بازگرداندن سرمایه‌های کهن تاریخی آن ملت باشند.

### ✽ کتابفروشی‌ها

از جمله کتابفروشیهای کابل می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کتابفروشی چاپخانه دولتی.

- کتابفروشی وزارت معارف.

- کتابفروشی وزارت اطلاعات.

- کتابفروشی بهجت.

- کتابفروشی ابن سینا.

- کتابفروشی بهزاد.

- کتابفروشی تابش.

- کتابفروشی خروش.

- کتابفروشی عبدالصمد.

- کتابفروشی علی احمد.

- کتابفروشی واسعی.

بعلاوه غرفه‌هایی هم در گوشه و کنار شهر کتب و مجلاتی داشتند

و به چهره شهر رونق و جلای فرهنگ خاصی بخشیده بودند.

## \* نشریات کابل

نخستین روزنامه «چاپ سنگی» در عصر امیر شیرعلیخان در حدود سالهای ۱۲۸۳ ه. ق. بنام «شمس‌النهار» و «مجله کابل»<sup>\*</sup> به سرپرستی قاضی عبدالقادر خان منشی انتشار یافت. بعدها در عصر امیرحبیب‌الله یکی دیگر از شاهان افغانستان، روزنامه «سراج‌الاکابر افغانیه» منتشر گردید. این روزنامه در دوران امان‌الله‌خان خائن به «امان‌افغان» تغییر نام داد، همین طور مجلات دیگری بنامهای «معرف معارف» و «نسیم سحر» در کابل به چاپ می‌رسید. ولی پس از یک دوره توقف، در روزگار به قدرت رسیدن نادرخان، پس از او ظاهرشاه، توسط انگلیسیها در افغانستان جراید و مجلات زیادی در صحنه سیاسی پدید آمدند که اینک به تعداد از آنان به ترتیب اشاره می‌گردد:

## الف - روزنامه‌ها

در آن تاریخ بیش از پانزده عنوان روزنامه در کابل از طرف دولت و یا افراد وابسته به دولت منتشر می‌شد که مهمترین آنها به قرار ذیل است: روزنامه اصلاح: این روزنامه در سال ۱۳۰۸ ه. ش. به صورت هفتگی در یکی از ولایات همجوار کابل بنام «پکتیا» منتشر می‌شد. روزنامه انیس: این روزنامه دوازده صفحه‌ای در سال ۱۳۰۶ در هر پانزده روز یک‌بار منتشر می‌شد. صاحب امتیاز آن غلام

\* - از جمله مجلاتی که سید جمال‌الدین در کابل منتشر می‌کرده و ما پیش از این به آن اشاره کردیم.

محبی‌الدین «انیس» بود، تنها روزنامه‌ای که سالها به این نام در کابل انتشار می‌یافت.

روزنامه هیواد: \* این روزنامه در سال ۱۳۲۸ به زبان پشتو منتشر می‌شد.

روزنامه کابل تایمز: از سال ۱۳۴۰ ه.ش به این طرف جهت استفاده خارجیان مقیم کابل به زبان انگلیسی در چهار صفحه چاپ می‌شد.

روزنامه پامیر: برای نخستین بار در سال ۱۳۳۰ از طرف شهرداری کابل انتشار یافت.

جریده پیام امروز: این روزنامه از سال ۱۳۴۴ بعنوان یک روزنامه ملی قدم به عرصه مطبوعات نهاد.

جریده وحدت: در اواخر سال ۱۳۴۴ به صورت آزاد هر هفته یک‌بار منتشر می‌شد.

جریده... خلق.

اخبار مردم.

اخبار عرفان و...



ب - مجلات

از جمله مجلات منتشره در کابل می‌توان به این موارد اشاره نمود:  
آئینه عرفان: این مجله در سال ۱۳۰۳ ه.ش برای نخستین بار از

\* - «هیواد» بر وزن زیاد و بمعنای وطن در زبان پشتو.

طرف وزارت معارف منتشر شد.

آریانا: مجله آریانا از سال ۱۳۲۳ از طرف ریاست مطبوعات در انجمن تاریخ تأسیس گردید.

مجله اردوها: این مجله در سال ۱۳۰۰ از طرف ریاست وزیر دفاع شروع به انتشار کرد.

مجله الفلاح: در سال ۱۳۰۹ از طرف وزارت دادگستری شروع به انتشار کرد.

پیام حق: در سال ۱۳۳۲ از طرف شعبه ریاست مستقل مطبوعات به چاپ می‌رسید.

مجله ادب: در سال ۱۳۳۲ از طرف دانشکده ادبیات تأسیس و در هر دو ماه یک‌مرتبه منتشر می‌شد.

مجله تعلیم و تربیت: در سال ۱۳۲۷ از طرف مؤسسه تعلیم و تربیت وزارت معارف نشر یافت.

مجله حقوق: در سال ۱۳۲۴ از طرف دانشکده حقوق منتشر گردید.

مجله اقتصاد: این مجله در سال ۱۳۱۰ از طرف هیئت تجاری و اقتصادی انتشار یافت.

مجله ژوندون: در سال ۱۳۲۷ از طرف «مؤسسه نشراتی انیس» تأسیس و منتشر شد.

مجله افغانستان: در سال ۱۳۴۰ از طرف ریاست مستقل مطبوعات تأسیس شد و به زبان انگلیسی انتشار یافت.

این نکته را باید متذکر شد که تعداد ۳۶ عنوان مجله به زبانهای

مختلف در بین سالهای ۱۳۰۸ ه.ش تا ۱۳۴۰ در کابل منتشر می‌شد (۱) و شاید تا قبل از سال ۱۳۵۳ ه.ش مطبوعات در افغانستان کاربرد محدود داشت، ولی در سال ۱۳۵۸ تعداد روزنامه‌ها و مجله‌ها یکمترتبه اوج گرفت و با تیراژ ۴۹۹/۰۰۰ منتشر می‌شد. در سال ۱۳۵۴ حدود ۱۷ نشریه با تیراژ ۵۵۴/۰۰۰ منتشر می‌گردید که سرانه ۲۷ نشریه برای هر نفر بود، ولی بعد از تجاوز روسیه و روی کار آمدن جنبشهای اسلامی، این تعداد بیشتر شد. تا پایان سال ۱۳۷۰ عناوین نشریات وابسته به دولت به ۵۸ عنوان و آمار نشریه‌های مجاهدین به ۱۰۶ عنوان رسیده بود (۲).

### ✽ انجمن‌های علمی و فرهنگی

در این بخش به معرفی مراکز ادبی و فرهنگی دیار کابل که کار علمی و فرهنگی وابسته به دولت را انجام می‌دادند می‌پردازیم.

۱ - انجمن ادبی کابل: این کانون فرهنگی در سال ۱۳۱۰ توسط عده‌ای از فرهنگ دوستان به وجود آمد.

۲ - انجمن زبان پشتو: دولت برای ترویج این زبان که زبان کرسی‌نشینان کابل بحساب می‌آمد، تلاش زیادی نمود تا بدین سبب بتواند آن را به عنوان یک زبان رسمی بعد از زبان عمومی «دری» در جامعه جایگزین نماید. ابتدا انجمنی به این نام و نشان در قندهار تشکیل داد و بعد در سال ۱۳۱۴ انجمن زبان محلی پشتو را به کابل انتقال داد و

۱ - راهنمای کابل... ص ۲۲۲.

۲ - وزارت امور خارجه افغانستان،... ص ۶۳.

کلاس‌هایی برای آموزش زبان پشتو در مدارس ایجاد نمود که بعدها این زبان جزو مواو درسی مدارس بصورت تحمیلی درآمد.

۳- انجمن تاریخ: این انجمن متشکل از نویسندگان بود و از بدو تأسیس زیر نظر اداره مطبوعات اداره می‌شد.

۴- انجمن دائرةالمعارف: شاید خوش‌نامترین و پرکارترین مؤسسات علمی، این انجمن باشد که در طول حیات خود خدماتی ارائه داد و جزواتی به زبانهای فارسی و... منتشر ساخت و شخصیت‌های نامدار شیعی هم در این انجمن عضویت داشتند.

۵- انجمن روزنامه‌نگاران.

۶- انجمن ورزشکاران.

۷- انجمن شهرداری.

۸- انجمن شعر و ادب.

۹- انجمن عکاسان و نقاشان و...<sup>(۱)</sup> سایر انجمنهای علمی و فرهنگی که در حول و حوش کابل بدور از چشم دولتمردان بکارهای تبلیغاتی و ارشادی خود مشغول بوده‌اند.

### ✽ رسانه‌های گروهی

۱- «رادیو»

از مطبوعات و کتابخانه‌ها که بگذریم، مهمترین دستگاه تبلیغاتی و فرهنگی یک کشور، رادیو و تلویزیون است. گرچه رادیو یک اختراع و

پدیده تازه وارد و جدید به شمار می آید و بیش از نیم قرن از حضور این صندوقچه اسرارآمیز، ولی اهمیت مهم نشر و بسط دانش و اطلاعات بشری را بدست آورده است که جهان معاصر سخت بدان نیازمند است. سال ۱۳۱۸ خورشیدی بود که ایستگاه رادیو توسط کشور آلمان در کابل تأسیس شد. آژانس خبری در این کشور بنام خبرگزاری «باختر» زیر نظر وزارت فرهنگ و ارتباطات اداره می شد.

فعالیت رادیو وسیعتر و مفیدتر از تلویزیون است، بخاطر اینکه از رادیو می شود در اکثر مناطق دوردست و کوهستانی استفاده نمود، ولی تلویزیون این نقش را ندارد گرچه جهان به آن پیشرفت رسیده است که بدون آنتن و سیم پیام خود را به گوش جهانیان از طریق ماهواره ها نیز می رساند و از این هجوم تبلیغاتی افغانستان هم در امان نمانده است. زیرا در غالب شهرهای همسایه کشورهای آسیای میانه از آنتن های ماهواره ای و دهها کانال «فساد و تباهی» استفاده می کنند. مخصوصاً در جنگهای اخیر کابل صدمات زیادی به این بنگاه خبری عمومی وارد آمده است. فعالیت رسمی رادیو در سال ۱۳۲۰ در کشور آغاز و مدتی هم برای شهروندان کابل برنامه پخش می کرد.

برنامه های رادیویی معمولاً از صبح شروع می شد و تا پاسی از شب ادامه می داشت و به زبانهای، دری و پشتو برنامه پخش می کرد<sup>(۱)</sup>. در افغانستان اغلب مردم از رادیو استفاده می کنند، گفته می شود بیشترین شنوندگان رادیو، مردم آن سامانند به حدی که تعداد مغازه های

رادیوسازی بیشتر از همه چیز بیننده را جلب می‌کند و در هر خانه‌ای - اعم از فقیر و غنی - دست کم یک دستگاه رادیو وجود دارد.

## ۲ - تلویزیون

نقش تربیتی و تخریبی آن به مراتب بالاتر از رادیو و هر چیز دیگر است، زیرا رابطه مستقیم با بیننده دارد و می‌تواند، بیننده خود را تحت تأثیر برنامه‌های مستقیم خود قرار دهد و در روان او اثر بگذارد. امروز از نظر علم روانکاوی به ثبوت رسیده که صفحه تلویزیون بر روان بیننده اثر بد می‌گذارد. متأسفانه تلویزیون نقش اساسی خود را از دست داده و به صورت اسباب‌بازی و وسیله تفریح و احياناً خوشگذرانی و هوسرانی درآمده است (۱).

تلویزیون باید نقش معلم و مدرسه را در فواصل زمانی مخصوصاً در خانه‌ها بازی کند، نه آنچه را دانش آموز در مدرسه آموخته، در خانه به باد فنا بدهد.

بهر تقدیر تلویزیون برای اولین بار در سال ۱۳۵۷ در کابل همزمان با کودتای هفتم ثور (اردیبهشت) آغاز بکار نمود. تعداد ۳۱۰۰۰ هزار گیرنده در مرکز و سایر ولایات وجود داشته و بزرگترین

۱ - نگارنده در سال ۱۳۶۱ - اواخر حکومت امین - در یکی از مسافرخانه‌های کابل، شاهد صحنه‌های شرم‌آور و فسادآمیزی از تلویزیون کابل بودم! در آنجا با خود گفتم: «اگر در افغانستان، هیچ اتفاقی نمی‌افتاد، جز فساد رسانه‌های عمومی، بس بود که غیرتمندان برای نجات دین و فرهنگ و کشور خود قیام می‌کردند.»

فعالیت این بخش شهر کابل بود. سایر شهرستانها برنامه‌های خود را با کمی تأخیر از کابل دریافت می‌کردند برنامه‌ها از طریق ماهواره به سایر مراکز پخش، ارسال می‌شد، ساعت پخش برنامه‌ها از پایان سال ۱۳۷۰ محدود بود، ولی پس از سقوط دولت کمونیستی بدست مجاهدین تا اواسط سال ۱۳۷۱ ساعت پخش برنامه از پنج الی هفت ساعت تجاوز نمی‌کرد.

در بیستم مردادماه ۱۳۷۱ بر اثر حمله موشکی مخالفین دولت به شهر کابل ایستگاه تلویزیون، آسیب شدید دید و موقتاً از کار افتاد<sup>(۱)</sup>. و هم‌اکنون فعالیت چندانی ندارد و در مرکز به فعالیت‌های محدود ادامه می‌دهد.

### ۳- سینماهای کابل

سینما نیز همچون رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌های عمومی، هم می‌تواند نقش تربیتی مثبت و انسانساز و گسترش فرهنگ و دانش و آگاهی مردم را داشته باشد و سلامتی و هم مخرب باشد برای از بین بردن بنیة فرهنگی و مذهبی و ملی یک ملت، و در جهت اشاعة فحشا و منکر؛ که با کمال تأسف! این رسانه‌ها از بدو تأسیس در کشورهای اسلامی، به دست عمال استعمارگران غرب اداره می‌شد و نقش آن همواره در جهت نشر فساد و تباهی فرهنگ و گمراهی جوانان جوامع مذهبی ما بوده است!

باری، «سینما» برای اولین بار در سال ۱۳۰۰ ه. ق. وارد کابل گردید و این ایام مصادف بود با اواخر سلطنت حبیب‌الله خان. این پرده

اسرار آمیز و شگفت آور، اولین پدیده خانمان سوزی بود که وارد جامعه مذهبی کابل گردید، از آن تاریخ به بعد به سرعت در تعداد این مرکز فساد افزوده شد و در مدت زمان کوتاهی چندین سینما و سالنهای تئاتر در گوشه و کنار شهر ساخته شد و دولت بیشترین سهم را در این قسمت داشت که اینک به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱ - سینمای کابل: در حدود ۶۰ سال قبل (بتقریب در سال ۱۳۱۰ ش) در چهارراه ابن سینا مقابل هتل کابل و پارک زر نگار ساخته شد.

۲ - سینما بهزاد.

۳ - سینما پامیر.

۴ - سینما پارک.

۵ - سینما آریانا.

۶ - سینما ننداری.

۷ - سینمای زینب ننداری.

۸ - سینمای بهاری چمن حضوری.

۹ - سینمای کابل ننداری.

۱۰ - سینمای بریکوت<sup>(۱)</sup> و دهها مراکز دیگر که در سطح شهر به عناوین گوناگون، فرهنگ الحاد شرق و فساد غرب را ترویج می نمودند. به حدی که صحنه های اختلاط زن و مرد، رقص و پای کوبی آنان، وجدان هر آزاده و جوان غیرتمند را به لرزه در می آورد و در مقابل آن

۱ - راهنمای کابل...، ص ۱۶۵.

چشم مبهوت و حیران صدها بیننده و تماشاچی غرب زده، جوانان و دختران بی حجاب «کنسرت ملی» و آهنگ (اصیل) می خواندند.

### ✽ فرهنگ ملی و مردمی

در هر جامعه و کشوری یک سلسله مراسم ملی و مذهبی وجود دارد که در آن جلوه‌های دینی و معنوی بخوبی نمایان است. اکثر مردم با چشم احترام و دیده تقدس به آن می‌نگرند، به عنوان نمونه به چند دسته از آن مراسم اشاره می‌گردد:

#### ۱- جشن استقلال

همه ساله از اول اردیبهشت‌ماه تا روز ششم مراسمی با شکوه به این مناسبت در پایتخت و سایر شهرها برگزار می‌شد.

#### ۲- جشن نجات

این روز از ۲۲ مهرماه آغاز می‌شد و مدتی ادامه داشت.

#### ۳- جشن اطفال

به احترام نونهالان وطن و اطفال معصوم همه ساله از دهم مهرماه مراسمی بدین منظور برگزار می‌گردید و سخنرانان خطابه‌هایی در اهمیت تعلیم و تربیت کودک ایراد می‌نمودند.

## ۴- روز معلم

از سالها قبل به احترام از معلمین دلسوز مراسمی به این خاطر در سطح شهر برقرار می‌شد و در عظمت و مقام معلم سخنانی منظوم و منثور گفته می‌شد.

## ۵- هفته هلال احمر (سره میاشت)

به حمایت از مؤسسه بین‌المللی هلال احمر کمک‌هایی از ناحیه افراد خیر و نیکوکار جمع آوری و تحویل این مؤسسه می‌شد.

## ۶- روز ملل متحد

به پاس این روز که اساس آن به حمایت از مظلومین و ملت‌های تحت ستم برمی‌گردد، مراسمی برگزار می‌شد. متأسفانه امروز سازمان ملل و جبهه آغازین خود را از دست داده است و بجای حمایت از مظلومین، به طرفداری از مستکبرین و متجاوزین می‌پردازد.

## ۷- روز بهداشت

همه ساله در یک مقطع زمانی به حمایت از سلامت و بهداشت عمومی جامعه‌کنگره‌هایی برگزار می‌شد و به رعایت بهداشت و سلامت جامعه تأکید می‌شد.

## فرهنگ مردم

### ✽ نوروز

همه ساله در ایام تحویل سال مردم در جوار امام و امامزاده‌ای گرد می‌آیند و سخنرانان و شعرا در عظمت آن روز و حیات دوباره طبیعت، سخنان ارزنده‌ای ایراد می‌کنند که به آن «میله نوروز» (جشن نوروز) گفته می‌شود.

مراسم نوروز با به اهتزاز درآوردن پرچم بلند و صدای شلیک چند توپ آغاز می‌شود، که در کابل این مراسم در کنار بارگاه «سخی»<sup>(۱)</sup> برگزار می‌گشت.

### ✽ روز دهقان

به مناسبت سال نو و روز نو به حمایت از طبقه کارگر و دهقان جشنهایی گرفته می‌شد که در حقیقت همه تظاهر بود. و مظلومترین قشر جامعه، طبقه کارگر و کشاورز محسوب می‌شد.

### ✽ میله ارغوان

اواخر فروردین ماه هنگامی که گلها ارغوانی می‌شدند و درختان با جامه سبز و شکوفه‌های رنگارنگ به پیشواز بهار می‌آمدند، هزاران هموطن کابلی در کنار آبشار درّه «خواجه صفا» دور هم جمع می‌شدند و

۱ - سخنی از زیارتگاههای کابل است که در صفحات آینده، درباره آن بحث خواهیم کرد.

صفا می‌کردند که به آن «میلۀ ارغوان» (جشن ارغوان) می‌گفتند.

### ✽ جشن ولادت

در میان کابلها رسم بر این است که در سالگرد تولد خود و فرزندان‌شان، سفره‌های رنگینی همراه با نقل و نبات پهن می‌کنند.

### ✽ ختنه سوری

این سنت دیرینه اسلامی در میان همه طوایف و اقوام مسلمان رایج است و هر کس به فراخور زندگی خود مراسمی ترتیب می‌دهد. در کابل نیز صاحبان اولاد ذکور مراسم باشکوهی برگزار می‌کردند و جمعی از خویشان و دوستان خود را دعوت و فرزندان را ختنه می‌کردند.

### ✽ شب برات

به شب عید قربان برات می‌گویند، آن شب را مردان و زنان مؤمن به عبادت و شب زنده‌داری سپری می‌کنند. در کابل رسم است در این شب خانواده‌ها برای هر یک از اطفال خود شمعی روشن می‌کنند و در پای شمعهای روشن شده نقل و نبات و پسته و فندق و نخود و کشمش می‌ریزند<sup>(۱)</sup>.



## «بخش پنجم»

### ❁ تشیع در کابل

گفته شد که مکتب اسلام، با به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام در سال ۳۶ هجری توسط فرمانده دلیر اسلام عبدالرحمن بن سمره در کابل راه یافت. و از آنجا به سرزمین هند و چین نفوذ کرد و از آن تاریخ تا به امروز در آن قسمت از جغرافیای «آسیا» اسلام مذهب غالب آن دیار بوده است. و بیش از ۹۸٪ جمعیت افغانستان را مسلمانان تشکیل می دهند که بیش از ۲۵٪ آن شیعیان دوازده امامی و بقیه از مذاهب دیگرند.

۵۰٪ از جمعیت کابل را شیعیان تشکیل می دهند که در گذشته اکثریت شیعیان کابل را طایفه «قرلباش» تشکیل می داده است. پیشینه تاریخی تشیع در کابل بخوبی روشن نیست. همان طوری که مکتب ما مظلوم بوده، تاریخ آن هم مورد جفا و خصومت تاریخ نویسان مذهب حاکم و قدرت های جابر قرار گرفته است. آنچه از مجموع کتب روایی و تاریخ رجال شیعی به دست

می‌آید، باید تشیع در این دیار در قرنهای اول و دوم هجری، در عصر امامت امام چهارم و امام پنجم حضرت محمد باقر علیه السلام نضج گرفته باشد و در این دوره از تاریخ راویانی بزرگ از کابل به نقل حدیث از امامان شیعه می‌پردازند. در حقیقت برای اولین بار کاروان ابرار از دیار کابل تا مدینه راه می‌افتد و جوانانی از این خطه به قصد فراگیری علوم اسلامی و پی بردن به حقیقت مکتب، راهی حوزه مدینه می‌شوند و در نتیجه در محضر صاحبان اصلی علوم بار می‌یابند که از آن میان می‌توان به ابو خالد کابلی، اردشیر کابلی، ابن ماجد کابلی و بشیر کابلی<sup>(۱)</sup> اشاره نمود که هر کدام به نوبه خود از شاگردان بزرگ حوزه تشیع و از راویان مورد اعتماد شیعه بودند. در پایان این گفتار تنها با چهره نورانی ابو خالد کابلی آشنا خواهیم شد.

آری با گذشتن این مراحل می‌توان به سابقه درخشان و دیرینه تشیع در کابل پی برد و از سوی دیگر با گذر از نواحی کابل و بررسی تاریخ تشیع در مناطق دیگر، این گفته را تأیید کرد که تاریخ همچون زنجیر بهم پیوسته است. از دیرباز مناطقی چون بلخ، بامیان، بدخشان، طالقان، جوزجان، مرو و هرات جمعیت قابل توجهی را از شیعیان تشکیل می‌دادند برخی از همین مناطق، مقدمات چندین قیام و نهضت ضد اموی و عباسی را در خراسان بزرگ فراهم و ایجاد کردند، حضور هشتمین پیشوای شیعیان در سال ۲۰۰ تا ۲۰۳ خود شاهد بر مدعای ماست آن حضرت سه سال در مرو «ام‌القرای خراسان» بسر می‌برد. شیعیان زیادی

۱- ریاض العلماء - میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ترجمه باقر ساعدی، ۱۳۶۶.

در اطراف ایشان گرد آمده بودند.

و نیز در سال ۲۱۹ هجری محمد بن قاسم از تبار امام چهارم که مقیم مکه بود، از طرف شیعیان مرو دعوت شد و در طالقان جوزجان قیام کرد و طرفداران حکومت بنی عباس را شکست سختی داد<sup>(۱)</sup>. اینها خود دلایلی است که در این منطقه تشیع از پیشینه تاریخی برخوردار بوده است. از این که بگذریم، می‌رسیم به جایی که ریشه تشیع از این هم عمیقتر و پرتو حضورش نورانی‌تر خواهد شد و آن هجرت سرخ مجاهد مردانی از نسل بابرکت «فاطمه» اطهر(س) است.

آفتاب درخشان، ستارگان پرفروغ، آسمان بلند زمین به این گسترده‌گی همه شاهدند که سرخی «شفق»، عطر «شقایق»، چهچه بلب، ترانه «قمری» همه و همه از نعمت خون سرخ مهاجرین مدینه و مجاهدین آل علی علیه السلام است. که در جای جای کره خاکی از تیغ جفا سر بریده شدند، هر جا که «علم سبز» و گلدسته آسمانی وجود دارد، از برق شمشیر و صداقت شاهدان تاریخ شهادت می‌دهد که زمین از برکت آنان جامه تقدس بخود گرفته و گرنه یک متر زمین ارزش بوسیدن و یا سجده کردن ندارد.

البته این عده درصد کمی را تشکیل می‌دادند و می‌دهند، ولی از صفای دل و خلوص نیت برخوردارند. گرچه بدخواهان نیشخند می‌زنند و بر قلب پاره پاره ما داغ می‌نهند، ولی «عرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند».

۱ - نهضت‌های اسلامی در افغانستان، سیدهادی خسروشاهی، چاپ ۱۳۷۰.

در کابل یکی از آن نیک نامان تاریخ از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام بنام عبدالله اشتر... که علمدار پیکار و مبارزه با کفار بوده، به شهادت می‌رسد و در قلّه مرتفع کابل بنام «علج» تربت پاک آن شهید است و ما را همیشه به استقامت و پایداری فرا می‌خواند<sup>(۱)</sup>. از این داستان که بگذریم می‌رسیم به شواهدی زنده‌تر تاریخی، از جمله وجود طوایفی که بنام شیعه در آن سامان به سر می‌برند:

#### ۱- تبار سادات

در خاک گلگون افغانستان شهر و روستایی پیدانمی‌کنی که چند خانه از سادات حسینی، حسنی، علوی، موسوی و رضوی در آن ساکن نباشند اکثر این تبار شیعه مذهب و برخی از سادات حسنی سنی مذهب در حوالی هرات، جلال آباد و... به اولادشاه معروفند.

#### ۲- طایفه قریش

این قبیله از نژاد سادات در برخی از قراء و شهرها زندگی می‌کنند، که اکثرشان به مؤذنی مسجد و معلمی مدارس و یا امامت مساجد مشغولند.

۱- آرامگاههای خاندان پاک پیامبر، سید عبدالرزاق کمونه، ترجمه عبدالعلی صالحی، ص ۲۲۰، ۱۳۷۱.

## ۳- عرب

این فرقه از تعداد سادات قریش بیشتر در نواحی جلال آباد و کابل به سر می‌برند، عربهای بالاحصار کابل همه شیعه بوده‌اند که در حادثه تخریب بالاحصار بدست انگلیسی‌ها به شهادت رسیدند.

## ۴- طایفه قزلباش

نادرشاه افشار بیست هزار از ایلات و جنگجویان شاهسونند، جوانشیر، بختیاری، کرد، بیات، ایکا، اهالی شیراز و خواف را با عائله و اسلحه برای حراست از مرزها و تنبیه افغانان متمرّد از ایران هجرت داد، در شهرهای هرات، قندهار، غزنه و کابل دستور اقامت دائمی آنها را صادر نمود و هم‌اکنون سالهاست که بخش اعظم این طایفه در کابل محله چنداول به سر می‌برند.

## ۵- فرقه میانه از نژاد سُرّین

از میان این قبیله گروهی بنام «توغ» در نواحی قندهار زندگی می‌کنند که غالب آن شیعه مذهبند.

## ۶- فرقه منگل

این قوم در حوالی و نواحی ولایت «خوست» در میان اقوام توری به سر می‌برند، اکثر اینان پیرو مکتب اهل بیت، مردم غیرتمند و

سلحشورند، و از راه فروش چوب جنگلی و حمل آن به پاکستان امرار معاش می‌کنند.

#### ۷- فرقه کیانی

این قبیله خود را از نژاد «انوشیروان» می‌دانند. شیروانیان بعضی شیعه و برخی سنی مسلکند، ولی «اولاد آزادخان» شیروانی همه شیعه هستند.

#### ۸- فرقه مغول جغتایی

این فرقه به زبان مغولی سخن می‌گویند و در قسمت‌های غربی غزنه به نام هزاره «جیغتو» ساکن هستند و همه شیعه می‌باشند و برخی طریقه اخباری‌گری را برگزیده‌اند.

#### ۹- فرقه کرد و ریکا

این فرقه که پیشتر در جمع قزلباشهای کابل نام برده شد، با دستجات قشون نادری به اقامت کابل منتخب گردیدند. تعداد مهاجرین این قبیله سه هزار خافسوار بودند و هم‌اکنون گروه زیادی از آنان در چنداؤل به نام «قُرت‌ها» و چند خانه به دروازه لاهور کابل به اسم ریکا باقی مانده‌اند، ریکائیهایی سنی و قرتائیهایی شیعه مذهبند.

**۱۰- فرقه حبشی**

یک تعداد از آفریقا در بندر مسقط آورده و فروخته شدند. هم‌اکنون حدود ۲۵۰ خانوار و شاید بیشتر در افغانستان پراکنده‌اند که اکثریت آنان در هرات و بعضی در کابل سکونت دارند و اغلب این طایفه شیعه مذهبند. تا عهد سلطنت امان‌الله هر ساله جشنی به نام «قنبر» در کابل ترتیب می‌دادند، ولی دولت از این کار مانع می‌شد.

**۱۱- فرقه بلوچ**

از این طایفه عده‌ای در قندهار و تعداد معدودی در کابل و مناطق هزاره‌جات زندگی می‌کنند، اکثراً شیعه مسلک و پیرو مذهب جعفری می‌باشند.

**۱۲- فرقه آوان**

این فرقه در شرق افغانستان در «کاله باغ» سکونت دارند. گروهی از این طایفه خود را علوی می‌دانند. در شهر کابل به «پرانچه» معروفند و غالباً دارای حرفه برّازی بوده و بازاری‌اند.

**۱۳- فرقه کشمیری**

این فرقه در شمال کابل و قندهار به سر می‌برند اکثراً به زبان پشتو سخن می‌گویند، کشمیریان مقیم کابل همه شیعه هستند، بیشتر کارگر

حرفه‌ای و مدّاح اهل بیت می‌باشند<sup>(۱)</sup>.

در بخش جنوب کابل که شامل استان پکتیا و گردیز می‌گردد، قبایل بلوچ، پشتون، جاجی توری و سادات زندگی می‌کنند، جاجی‌ها شافعی مذهب و توریها دوازده امامی می‌باشند<sup>(۲)</sup>.

#### ۱۴ - شیعیان اسماعیلی

اقلیت مذهبی اسماعیلیها در گوشه و کنار ولایات، قدمت تاریخی و فرهنگی خویش را تا کنون حفظ نموده‌اند. این جمعیت حدود ۳٪ جمعیت کل کشور را دربر می‌گیرند، و طرفداران این مسلک عمدتاً در این مناطق حضور دارند:

- ۱ - مناطقی چون بشیر و شنبل و عراق مربوط به ولایت بامیان.
- ۲ - مناطقی چون سنگ و کالو مربوط به ولایت میدان.
- ۳ - مناطقی چون شیخ علی و سرخ پارسا مربوط به ولایت پروان.
- ۴ - مناطقی چون دوشی، کیله‌گی، کیان، تاله و برفک و لُرخاب.
- ۵ - مناطقی چون شغنان، کشم و اشکاشم مربوط به ولایت بغلان.
- ۶ - ولایت تخار و بدخشان.

۱ - به نقل از «تژادنامه افغانستان، ضمیمه مجله تحقیقات تاریخی سال اول شماره دوم،

۱۳۶۸. تهران از ص ۲۷ الی ۷۳.

۲ - نهضت‌های اسلامی در افغانستان، سید هادی خسروشاهی...، ص ۷۴.

این فرقه خود را شیعه و پیرو «اسماعیل» فرزند امام جعفر صادق علیه السلام می‌دانند و برای خود امامانی قائلند که بیشتر به «غلات» شهرت یافته‌اند<sup>(۱)</sup>.

### ✽ محله‌های شیعیان

شیعیان کابل در بیش از پانزده ناحیه این شهر سکونت دارند که ذیلاً به این مناطق و محله‌ها اشاره می‌شود.

#### ۱- چنداول

کلمه «چنداول» مأخوذ از ترکی است و به جمعی از مردم که در لشکر کشی‌ها دنبال سپاهیان حرکت کنند، گفته شده است. چنداول و چندل و چغداول نیز گفته شده است.

قبل از اینکه محله‌های مختلف چنداول ساخته شوند، قلعه‌ای در آنجا وجود داشت که مردم کابل آن را قلعه هزاره‌ها میخواندند و چنداول امروزی علاوه بر قلعه هزاره‌ها شامل محله‌ها و گذرگاههای زیادی از قبیل قُرتا - بلاکوه، شاهسوندها خوافیها، شاه نجف، سید مرد، کبریها، کشمیریها، باغ قاضی، سینما بهزاد و... می‌باشد.

گمان می‌رود که این اسم (چنداول) در سالهای ۱۱۵۱ - ۱۱۴۹

۱ - سیری در هزاره جات...، ص ۱۴۹.

زمانی که تعداد کثیری از قزلباشها به همراه قشون نادرشاه افشار به کابل رسیدند و در پای کوه شیر دروازه (قلعه هزاره‌ها) اقامت نمودند، گذاشته شده باشد.

قبل از اینکه شیعیان قزلباش به افغانستان برسند، شیعیان هزاره ساکن این منطقه بودند بعد از آن در زمان صفویه عده‌ای از قزلباشها به سبب دوستی شاه صفوی و بابرشاه مغولی به کمک بابر به افغانستان می‌آیند تا علیه امرای ازبکیه ترکستان بجنگند که عده‌ای از اینها دیگر به ایران برنگشتند و ساکن محله‌های مختلف کابل از جمله چنداول شده ماندگار می‌شوند.

در زمان نادرشاه افشار باز هم عده زیادی از قزلباشها از ایران کوچیده، در این منطقه به عنوان لشکر پشت جبهه مقیم می‌شوند. و بعد از این نیز به مرور بر تعداد قزلباشها افزوده می‌شود بطوری که در دوره امیر شیرعلی خان طائفة قزلباش در افغانستان بیست هزار باب خانه داشته‌اند تا آنکه عبدالرحمن به سبب ظلم و ستم که بر این مردم روا می‌دارد تقریباً بیش از نصف جمعیت آنها به ترکستان روس، هندوستان، ایران و... فراری می‌شوند. اما این محله که در مرکز شهر کابل قرار دارد چه قبل از ورود قزلباشها و چه بعد از آن یکی از مراکز مهم تاریخی و فرهنگی تشیع بود در حال حاضر از اهمیت بسزایی برخوردار است<sup>(۱)</sup>.

چنداول ۲۶۴ سال قبل، مرکز عمده قزلباشها و سادات محترم بوده است.

- ۲ - محله مراد خوانی.
- ۳ - محله وزیرآباد.
- ۴ - محله افشار (افشار سیلو).
- ۵ - محله افشار تپه (دارالامان).
- ۶ - قلعه فتح‌الله خان.
- ۷ - قلعه حیدرخان.
- ۸ - محله علیرضاخان.
- ۹ - محله پنبه فروش.
- ۱۰ - قلعه علیمردان از ۲۵۰ سال قبل.
- ۱۱ - قلعه بینی نیزار از ۲۵۰ سال پیش.
- ۱۲ - محله کارته‌سخی از سال ۱۳۳۶ ه.ش.
- ۱۳ - قلعه شاده از سال ۱۳۴۵ ه.
- ۱۴ - دشت برچی از سال ۱۳۵۰.
- ۱۵ - نشر برج و سایر مناطق و محله‌هایی که شیعیان کم و بیش سکونت دارند<sup>(۱)</sup>.

هم‌اکنون فرصت آن رسیده است تا با ورق زدن صفحه دیگری از تاریخ، بر اوزاق زرین تاریخ تشیع در کابل بیافزایم و آسمان دلمان را با ستاره پرفروغ حوزه تشیع جلا بخشیم.

### ✽ ستاره کابلی

آنکه تا اینجا دست ما را گرفت و انگیزه سفر دیار کابل را به دل ما انداخت. از شاگردان بلند آوازه مکتب امام سجاد علیه السلام می باشد. کسی که در آغاز جوانی «کیسانی» مذهب و معتقد به امامت «محمد حنفیه» بود. و از جمله مریدان حلقه درس او به حساب می آمد. نام این ستاره «ابو خالد کابلی» است. روزی محمد حنفیه را که می پنداشت امام است، به حرمت رسالت پیامبر اسلام و امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام سوگند داد و امام واجب الاطاعة مسلمین را از او سؤال می کرد. محمد گفت: ابو خالد! سوگند بزرگی دادی، بدان همانا امام و مقتدای من و تو و عموم مسلمین «علی بن الحسین علیه السلام» است.

ابو خالد اجازه ملاقات با امام سجاد علیه السلام را گرفت و به محضر آن حضرت بار یافت، حضرت خطاب به وی فرمود:

«مرحبا بک یا کنکر، چه اتفاق افتاده که برخلاف عادت معمولی به دیدن ما آمدی؟» ابو خالد پس از کلام امام که اجازه ورود به سخن را یافت با تمام وجود خم شد و سجده شکر بجای آورد! و گفت: شکر و سپاس خداوندی را که از اجل حتمی مهلتم داد که امامم را شناختم، امام فرمود: چگونه امام خود را شناختی؟ ابو خالد قضیه قسم دادن محمد حنفیه را نقل کرد و بعد اظهار داشت: اماما! شما مرا به همان اسمی که مادرم نهاده بود، صدا زدید، به جان پدر و مادرم قسم غیر از آن دو کسی از اسم من خبر نداشت!

و مرا به این نام نمی شناختند. لذا یقین کردم که جانشین امام سوم

شیعیان امام حسین علیه السلام وجود مبارک شماست (۱)

نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود زمانی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، عموم مردم از شاهره اسلام منحرف و در بیغوله ضلالت و ارتداد گرفتار شدند به جز چهار نفر. ابو خالد کابلی، یحیی بن ام طویل، جبیر بن مطعم و جابر بن عبدالله که از فروغ انوار ولایت بسر منزل هدایت راه یافتند.

گفته اند که ابو خالد گفت: یحیی پسر ام طویل مرا دید، و ام طویل خود دایه حضرت سجاد علیه السلام است و یحیی آن اسوه گرامی فرزند او، و آن شهر علم را باب توفیق با من رفیق شد، این مرد دستم را گرفت و خدمت امام زین العابدین علیه السلام شرفیاب شدم و عرض اخلاص و ادب در آستان ملکوتی آن امام همام نمودم. آن حضرت را دیدم که جامه های رنگارنگ در بر کرده و بر فرش بسیار زیبا و رنگارنگ نشسته است، و دیوار اطاقش از گچ سفید آراسته است، من از مشاهده آن لباسهای زیبا فرش رنگارنگ و خانه ملون (رنگ شده) به وسوسه افتادم و شیطان مرا به بیراهه می کشاند و چیزی در وجود و ذهنم خلجان می زد! زود بر خاستم تا بیرون روم امام فرمود: «فردا به طواف این آستان عرش نشان عزیمت کن و اگر مشیت خدایی مساعدت کرد، بدین کعبه مقصود در آی.»

آنگاه از منزل امام خارج شدم و یحیی را عتاب نموده گفتم: «مرا نزد کسی آوردی که لباسش رنگین و دستگاهش چنین است، با خود عهد بستم که هرگز بدان خانه قدم نگذارم، چون بامداد شد، با خود اندیشیدم

که مرا پذیرفتن فرمان آن حضرت هیچگونه زیان و ضرری ندارد، و از رفتن به آن مجلس عالی هیچگونه گزندى متوجه من نخواهد شد، بنابراین این آهنگ بارگاه و منزل نورانی امام نمودم و لحظه‌ای در منزل امام نشستم و از چاکران درگاه ملکوتی آن آستان کسی را ندیدم، خواستم از جا بلند شوم، ناگاه از درون خانه کسی مرا آواز داد، فکری کردم، دیگری را می‌خواند، جوابی نگفتم، آواز بلند شد که ای کنکر در خانه بمان، از شنیدن آن ندا در حیرت ماندم، بر حسب دستور صاحب آواز به حجره و اتاقی وارد شدم که خاکی و گلی بود و فرش آن حصیر و آن حضرت جامه‌ای از کرباس در بر داشت، یحیی نیز حاضر بود. پس از دقایقی توقف جمال علوی بر این ذره ناقابل توجه کرد و فرمود:

ای ابا خالد من در این چند روز تجدید فراش کرده‌ام و همسر تازه انتخاب نموده‌ام آن اتاق را که دیروز دیدی «حجله عروس» بود، و نیز جامه‌های فاخر را بر خواهش وی پوشیده بودم، سیره و زندگی من همین است که امروز مشاهده می‌کنی، آنگاه دست من و یحیی را گرفت و از میان مردم بیرون شد، و به کنار «برکه» فرود آمد، فرمود: شاید در این مکان توقف کنید.

دیدم امام «بسم الله الرحمن الرحيم» گفت، و قدم بر آن نهاد و چنان گام بر می‌داشت که قدمهای مبارکش بر چشمان ما نقش بست، از دیدن آن منظره جالب و زیبا دلهره و اضطراب عجیبی بر من مستولی گشت، گفتم: «الله اکبر، الله اکبر!» تویی حجت عظمی و کلمه کبری، درود خدای بر تو باد.

آنگاه نگاه بلندی بر ما کرد و این حدیث را زمزمه نمود:

«روز قیامت سه کس از نظر عنایت و لطف خداوند محروم می‌مانند و از آرایش گناهان پاکیزه نگردند، و در چنگال عدل الهی گرفتار گردند. نخست آنکه دیگری را مانند ما اهل بیت عصمت امام شناسند، و دیگر کسانی که یکی از ما ستارگان را امام و پیشوای امت اسلام ندانند، سوم جماعتی که آن دو گروه را مسلمان خوانند و ایشان را از مکتب اسلام با بهره و نصیب دانند.» هر چه بود معجزه‌ای بود که از غیر معصوم پدید نیاید و نوری بود که از وجود پربرکت امام بر قلب و چشم ابو خالده پرتو افکند و او را محو جلال و جمال خود ساخت و چشم او را بینا و سامعه فکر او را شنوا کرد، و بدانگونه که «ابوبصیر» روایت نموده است، از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: ابو خالده کابلی «مدتی دراز «محمد بن حنفیه» را به اعتقاد کامل و خلوص بسیار خدمت نمود...

### ✽ خالد از زبان دیگران

۱- «کلینی» در کتاب «کافی» روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: سعید بن مسیب، قاسم بن محمد... و ابو خالده کابلی، از دوستان و اصحاب «علی بن الحسین» بودند.

۲- «فضل بن شاذان» از امام موسی علیه السلام روایت می‌کند که در روز قیامت، منادی پروردگار صدا می‌زند که کجایند حواریان و اصحاب «علی بن الحسین علیه السلام» ابو خالده کابلی، جبیر بن مطعم، سعید بن مسیب و یحیی بن ام‌طویل؟

۳- سعید بن جبیر از ابو خالده روایت کرده است وقتی به زیارت و آستان بوسی امام زین العابدین علیه السلام امام العارفین مشرف شدم تا از آن حضرت

جویا شوم که اسباب و آلات جنگ پیامبر بزرگ اسلام نزد کیست؟ و هم جامه‌ی کیهان بها و گران قیمت که هر تارش را بر تارم اختر افتخار است، در کجا مخزون و نگهداری می‌شود؟ خدمت حضرت رسیدم و سؤال خود را مطرح ساختم، حضرت فرمود: یا ابا خالد، آیا می‌خواهی که صنایع الهی و امانت‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله که از خصایص امامت و از دلایل وصایت است، بر تو بگویم؟ گفتم یابن رسول الله بخدا سوگند که از حقیقت مقصود و از پرده دلم فاش گفتمی و از درون دل و ضمیر وجدانم خبر دادی، سپس حضرت صندوقچه‌ای را خواست و از میان آن انگشتری بیرون آورد و فرمود: این خاتم مبارک خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله است. زرهی بیرون کرده فرمود: این درع و سپر رسول خداست و شمشیری در قبضه گرفت و فرمود: این ذوالفقار است و دستاری را ظاهر کرد و فرمود: این عمامه پیغمبر است و پرچمی در دست گرفت و فرمود: این علم آن جناب است و ردائی از هم بگشود فرمود: این مبارک جامه را حضرت روزهای آدینه (جمعه) بر دوش انداخته، برای امت خطبه می‌خواندند، آنگاه از وسایل و لوازم باقی مانده حضرت آنقدر بر من نشان داد که چشم از تماشای آنها خیره شد عرض کردم «فدایت شوم» برای معرفت و قوت ایمان من همین اندازه کفایت می‌کند<sup>(۲)</sup>.

#### ❁ روایتی از ابو خالد

۱ - ابو خالد به یکی از دوستان اهل بیت، حدیث جالبی را به این مضمون روایت می‌کند: یهود در محبت پیغمبر خود عزیر علیهم السلام چنان

افراط نمودند که خدایش خواندند... نصاری در دوستی عیسی بن مریم علیه السلام به اندازه‌ای بیرون شدند که فرزند خدا خواندند... ما نیز به بلا گرفتار خواهیم شد، زیرا که عنقریب گروهی از شیعه در حق ما چنان افراط نمایند که بنی‌اسرائیل دربارهٔ پیشوایان خویش کردند، دوستان اهل بیت هم چنان کنند، صفات و جوب را برای ما ثابت کنند، ما از آن جماعت بیزاریم (۱).

#### ✽ گذری بر خارستان...

هنگامی که «حجاج» والی عراقین\* شد، در قلع و قمع دوستان علی و خاندانش چنان کوشید که از هیچ دنائت و جنایتی دریغ نکرد، تا حدی بر یاران ائمه سخت گرفت که در هر کجا ردپایی از شاگردان مکتب علی می‌یافت، بیدرنگ برای نابودی و زجر و شکنجه آنها اقدام می‌کرد. وقتی از محبت و دوستی خالد وعده‌ای دیگر نسبت به خاندان رسالت آگاه گشت تصمیم بر قتل و نابودی آنان بست، ولی نخل امیدش به ثمر نرسید، همگی از دست او نجات پیدا نمودند، مگر یحیی بن ام‌طویل که به صف شهدای اسلام پیوست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حجاج یحیی را طلب کرد و گفت: ابو تراب را ناسزا بگو و گرنه تو را از دم شمشیر می‌گذرانم! یحیی از گفتهٔ او اجتناب کرد و یک تنه در مقابل او «لا» گفت.

حجاج امر کرد تا هر دو دست و پایش را بریدند و شهیدش کردند.

۱ - بحار، ج ۷، ص ۲۸۴، ح ۹.

\* - عراق عجم و عرب، به بصره و کوفه هم گفته می‌شود.

ولی سعید بن مسیب با سلاح «تقیه» در جنگ او رفت و در ظاهر مذهب «عامه» را پیش گرفت و بر اساس فقه آنها فتوا داد، بدین تدبیر از لبه تیز شمشیر خلاص یافت، و «عامر بن واثله» را نزد «عبدالملک ابن مروان» سابقه احسانی بود به پاس آن نیکویی نجات یافت، ولی جابر بن عبدالله که از بزرگان اصحاب حضرت رسول ﷺ به شما می‌رفت، حجاج را یارای آن نبود که با او درآویزد. و اما ابو خالد کابلی، وقتی از نیت آن بدسیرت و زشت طینت آگاه گشت، چند روزی از میان مردم و دید جاسوسان حجاج خود را پنهان نمود و بناچار راه هجرت در پیش گرفت، آهنگ سفر «قبله» خانه خدا نمود و به بیت امن خداوند پناهنده شد و از شر آن حاکم پلید درامان ماند.

#### ✽ آهنگ کابل به قصد دیدار مادر

ابو خالد روزگاری را نزد امام چهارم شیعیان سپری کرد، در اواخر عمر، هوای دیدار مادرش کرد و آماده هجرت به سوی دیار کابل شد. برای کسب اجازه حضور امام علیؑ رسید و گفت: عمری است این چاکر و پاسبان آستان «امامت» از زیارت مادر محروم مانده و خاطر جمعم از هجوم اشتیاق روی مادر پریشان شده، استدعا دارد بر خالد کابلی منت نهد تا در وطن مألوف رفته توشه‌ای از دیدار مادر و صلوات‌ارحام بگیرم و بعد از آن بدون درنگ به این سو که قبله آمال من است برگردم و در جمع فرشتگان این آستان به وظایف پاسبانی قیام کنم. امام فرمود: می‌دانم چه می‌گویی! ولی سفر را توشه و مرکب را هواری لازم است، اینک بمان که فردا مردی ثروتمند از شام بدین دیار خواهد آمد و او را قدر و جاه

بزرگ باشد، وی را دختری است که از ناحیه جنیان به او آسیب رسیده است و برای معالجه با خود همراه می آورد و دنبال طبیب می گردد، آگاه باش که هرگاه وارد شهر شد، قبل از دیگران به منزل او وارد شوی و از قانون علاج و درمان سخن گویی که به فضل خدا اسباب شفای آن دختر فراهم خواهد شد و به آن مرد شامی بگو که من طریق علاج این درد روانی را درمان خواهم نمود و در آن سر رشته ای دارم و بامن شرط کنی که چون بهبود حاصل نمود ده هزار درهم که معادل خون بهای اوست، پرداخت نمایی.

ابو خالد گوید: روز دیگر بنا به گفته آن حضرت، همه جا چشم دوخته بودم، ناگاه مردی بدان صفت درآمد، و سراغ طبیب معالج گرفت، من پیش رفتم و ادعای معالجه کردم، مرد شامی شرط را قبول کرد، گفتم اگر وفا کنی، هرگز آن حالت روانی به دختر تو روی نخواهد آورد، مبلغ را متعهد گشت، پس خدمت امام آمدم و داستان را شرح دادم، فرمود: بازگرد این جمله را به گوش چپ دختر بخوان: «ای پلید نابکار!... علی بن الحسین می فرماید: از اندام این دختر بیرون شو و دیگر به سوی او باز نگرد. آنگاه فرمود: یا ابا خالد به خاطر داشته باش که مرد شامی عهد بکند و بر پیمان خویش وفا نکند. همان لحظه برگشتم و آن کلمات را طبق گفته امام خواندم. ناگاه دختر به هوش آمد، پدرش را نشاط بی اندازه دست داد، وقتی مبلغ را مطالبه نمودم، گوش به حرفم نداد، به خدمت امام رسیدم امام گفت: آیا نگفتم با تو چنین کند، ولی مایوس نباش آن بیماری باز می گردد و ناچار به نزد تو می آید، این دفعه با آن مرد شرط کن که مبلغ را بصورت نقد تسلیم تو کند. دوباره مرد شامی با دختر «دیوانه»

خود برگشت و گفتم برو آن مبلغ را به دست امام من حضرت زین العابدین علیه السلام بده تا خاطرت را از اندوه آن چنان فارغ سازم تا آخر گرفتار نشوی، مرد شامی خدمت امام رفت و من با اجازه امام این جملات را بدین عبارت به گوش دختر خواندم: «ای پلید به دستور علی بن حسین از تن این کنیز بیرون رو... اگر برگردی و او را آفتی رسانی بدان آتش افروخته‌ات می‌سوزانم... دختر سرحال بلند شد! آن مبلغ را گرفتم و بار سفر سوی دیار مادر بستم و راه کابل در پیش گرفتم و به زیارت و دست بوسی مادر و خویشاوندان خود رسیدم.

#### ❁ بازگشت از زادگاه

ابو خالد بعد از درک لقای مادر از شوق جمال کعبه امامت، بی طاقت شد، آهنگ «حجاز» کرد و به فیض دیدار و همراهی امام ابو جعفر علیه السلام نائل گشت و در حلقه شاگردان بزرگ آن امام درآمد. و تا آخر عمر در پرتو امامت بسر برد. اینجا باید گفت که حضور و نفوذ تشیع از زمان امام چهارم و امام باقر علیهما السلام در کابل و کابلستان قوی و چشمگیر بوده، تا جایی که ابو خالد از فرسنگها راه در حالی که اکثر مردم او را می‌شناسند، به این سو می‌آید و مدتها در کابل در میان شیعیان بسر می‌برد.

#### ❁ خاطره ابو حمزه از ابو خالد (ره)

ابو حمزه ثمالی از قول ابو خالد کابلی روایت می‌کند که:

روزی به خدمت سید و مولای خود علی بن حسین علیه السلام

رسیدم، عرض کردم. ای فرزند رسول خدا! مرا از آن کسانی که خداوند اطاعت و محبت ایشان را واجب کرده است، خبر ده، فرمود: یا ابا خالد مقام امامت و منشور ولایت از جانب خداوند صادر شده است و ائمه بر عموم خلق ریاست دارند، اسامی نورانی آنان به قرار ذیل است: نخست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و... اکنون امر امامت به من منتهی گشته است. عرض کردم: مولای من... پس از شما جانشین شما و امام ما کیست؟ فرمود: فرزندم «محمد» حجت عالمیان است، در «تورات» «باقر» نامیده شده است، زیرا که مشکلات علوم و فنون را از هم می شکافد و پس از محمد فرزندش جعفر که نامش، بر زبان اهل آسمانها «صادق» باشد. ابو خالد گفت: مولای من شما همگی صادق و راستگو هستید، چگونه است که این لقب به حضرت امام جعفر اختصاص یافته؟ فرمود: پدرم از پدرش روایت کرد که رسول خدا فرمود: چون فرزند من جعفر بن محمد... متولد شود، او را «جعفر صادق» بخوانید و بنامید، زیرا که فرزند پنجم وی، که او هم جعفر نام دارد، به دروغ دعوی امامت نماید، او نزد خداوند، جعفر کذاب است، زیرا که بر خدا افتراء بندد... بر برادر خود [امام حسن عسکری علیه السلام] حسد ورزد و چون حجت خدا در پرده غیبت رود، سر خدا را فاش سازد. ابو خالد گفت: دیدم علی بن الحسین علیه السلام زار زار بگریست و فرمود: گویی جعفر کذاب را به چشم خود مشاهده می کنم که فرعون زمان و نمرود عصر را بر آن داشته که از

امر امام غایب اطلاع پیدا نماید و بر بیت امام عسکری علیه السلام سربازانی بگمارد تا بر «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله» ظفر یابد.  
 ابو خالد می گوید پرسیدم: این داستان شگفت از جعفر کذاب ظهور خواهد کرد؟

امام فرمود: آری بخدا سوگند، این واقعه در «صحیفه» ای که محنت و رنجهای آل رسول در آن نوشته شده است، هست، گفتم، یابن رسول الله بعد از آن چه اتفاق خواهد افتاد؟ فرمود: بعد غیبت امام دوازدهم ادامه خواهد داشت. یا ابا خالد، مردم زمان غیبت امام عصر (عج) به امامت آن حضرت اذعان کرده و به او ایمان آورند، و از مردم هر زمان بهترند، زیرا که خداوند آن گروه فرزانه را بدان پایه و خرد و دانش رساند که غیبت را مانند شهود دانند... ایشانند (۳۱۳ نفر) مخلص بحق و شیعیان راستگو که مردمان را به دین حنیف و صراط مستقیم در آشکار و نهان دعوت کنند و در تبلیغ و اشاعه مبانی اسلام از جان بکشند. ابو خالد می گوید: روزگاری محضر مقدس امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم، سالها پاسبان کلبه نورانی و ایوان ملکوتی پدرت بودم، فرمود: راست می گویی، منظور تو چیست؟ عرض کردم: فدایت شوم پدرت برای من مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را چنان وصف فرموده بود که اگر آن حضرت را در راه بینم دست مبارکش را می گیرم و پای انورش را می بوسم... ولی استدعا دارم اسم آن عزیز را بمن بگو؟ امام

فرمود: مطلب بزرگی سؤال کردی (۱).



## «بخش ششم»

### ❁ فرهنگ مذهبی و آثار فرهنگی...

ابعاد پویا و فعال مکتب تشیع در عرصه واقعیات زندگی فردی و اجتماعی آشکار است، از یک سو با آیین سوگواری و ماتم هدفدار و از سوی دیگر با روح شادی و بهجت که همان کمال معنوی و ارزشهای محسوس و درک افتخارات موجود می‌باشد، آراسته است.

بنابراین با جرأت می‌توان گفت که با تجلیل و برگزاری اعیاد مذهبی به افتخار ولادتها و حوادث مهم مذهبی و تاریخی روح تازه در کالبد جامعه دمیده می‌شود. اعیاد و مراسم مذهبی شیعیان کابل از شور و شغف فزاینده‌ای برخوردار است که مهمترین آنها می‌تواند این عناوین باشد:

#### اعیاد اسلامی

- ۱- ولادت پیامبر اسلام (۱۷ ربیع الاول).
- ۲- عید مبعث (۲۷ رجب).
- ۳- میلاد امام اول (۱۳ رجب).

۴ - میلاد امام حسن علیه السلام (۱۵ رمضان).

۵ - میلاد امام حسین علیه السلام (سوم شعبان).

۶ - تولد امام زمان «عج» (نیمه شعبان).

۷ - عید غدیر خم (۱۸ ذی حجة).

۸ - عید فطر و قربان و نیز عید «نوروز» و سایر اعیاد و روزهای تاریخی که بهر نحو ریشه مذهبی و جنبه شعایر داشته باشد، در کنار بارگاه امامزاده‌ای و یا یکی از اماکن مقدس مذهبی برگزار می‌شود و مردم به همدیگر «مبارکباد» می‌گویند.

عید فطر و قربان گذشته از اینکه جنبه معنوی و الهی دارد، جنبه‌های صوری و ظاهری آن بیشتر در چهره مردم پیداست، در عین حال مراسم دیگری هم با تشریفات خاص خود که شامل این فقرات می‌شوند، برگزار می‌گردد:

۱ - عید زندگان.

۲ - عید مردگان.

۳ - دیدار از خویشاوندان و دوستان.

۴ - دعوت و پذیرایی از اقوام نزدیک.

عید زندگان، جشن و شادی خاص، مخصوص زندگان است و این عید به طور سنتی در هر کوی و برزن، برگزار می‌گردد که طبق رسم و رواج معمول در شب عید یا روز آن چند مراسم عمده اجرا می‌شود و یکی از آنها پختن «حلوائ سرخ» محلی است که از هر فامیل به قدر وسع آن مواد

اولیه حلوا\* فراهم می‌گردد و در خانه ریش سفید ده و قریه می‌پزند، بعد از آن «خانه بخشک» و یا تقسیم می‌نمایند<sup>(۱)</sup>.

در عید مردگان رسم بر این است که همه ساله در فصل تحویل سال و یا شب «عرفه» و روز عید فطر، مردم بر سر قبور اموات رفته، مراسم دعا، فاتحه، ختم قرآن، توسل به اهل بیت و نذرها صورت می‌گیرد و در ضمن برگزاری مراسم که جمعیت زیادی بر سر قبور گرد می‌آیند، دیدار دوستان و دعوت اقوام هم به عمل می‌آید، مردم در این ایام سال از حال و هوای دیگری برخوردارند، لبها پر از خنده و دلها مملو از محبت است، بطوری که همدیگر را در بغل گرفته و دست می‌دهند، در حین دست دادن کلمات شیرینی از این قبیل از زبان همدیگر جاری می‌گردد: «روزه و نماز قبول» اگر عید قربان باشد «داخل حاجیان و غازیان» طاعات و عبادات شما قبول، به این صورت به همدیگر تبریک می‌گویند. بچه‌ها شور عجیبی دارند هر کدام با تیپ خود مشغول بازیهای محلی می‌شوند، اکثراً با لباسهای محلی ظاهر خود را آراسته و صورتها را با روغن حیوانی جلا می‌دهند در اعیاد و مراسم مذهبی بیش از همه بازار حیوانات و نوجوانان گرم است، هر کس به تناسب توان مادی خود از بازار خرید می‌کند. ولی از آنجایی که ملت و شیعیان افغانستان همواره گرفتار فقر بوده‌اند، عید آنها با بقیه مردم فرق می‌کند، بچه‌های دیگران با سر و وضع بهتری از بازار برمی‌گردند، ولی بر سیمای فرزندان مظلوم شیعه همواره غبار فقر نشسته است. کودکان و پدران بودند و هستند که تمام دارایی

\* - روغن + سمنو + آرد.

۱ - سیری در هزاره جات، ص ۱۳۸.

آنها از چند عدد «تخم مرغ» و یا چند کیلو کچالو (سیب زمینی) پخته تجاوز نمی‌کند و پول توجیبی آنها از ده روپیه بیشتر نمی‌شود... گرچه فرهنگ شیعه فرهنگ قناعت و صبر است ولی چه باید کرد؟ و چگونه باید پاسخ گفت؟ از این ستم‌سوزی که بر آن ملت رفته است! این دردها را با که باید گفت؟

این ستم‌سوزی که بر ما رفته است

هست و بود ما به یغما رفته است (۱)

تصویری از فقر و غنا در افغانستان را می‌توان در شعری از شاعر

معاصر افغانی مرحوم استاد خلیل‌الله خلیلی دید:

«عیدی به دختر گدا»

گفت ای خواهر صبا گیرند عید  
 دختران اغنیا در کوی ما  
 می‌کشند آن جامه‌های رنگ رنگ  
 همچو شاخ گل سحر بر روی ما  
 کودک همسایه می‌خندد صبا  
 چون که بیند پینه بر زانوی ما  
 بر سلام کس نمی‌گوید علیک  
 کس نیندازد نگاهی سوی ما  
 می‌رمند از پهلوی ما مرد و زن  
 بس که نفرت می‌کنند از بوی ما

شانه بر فرقم نیابد راه خویش  
 یخ گرفته تار، تار موی ما  
 گشته انگشتان ما یکسر کرخت  
 بس که بارد برف بر بازوی ما  
 بوی این خوراکهای رنگ رنگ  
 می‌ریاید هر نفس نیروی ما  
 لقمه نانِ روزیِ ما را نداد  
 تاجر همسایه بدخوی ما<sup>(۱)</sup>

### آثار فرهنگی مذهبی

#### ✽ مراسم عاشورا

«بهتر است اندکی به فلسفه سوگواری در جامعه شیعی آن سامان  
 بپردازیم و روح سرشار و بالنده آن را در تک تک بخشها و جوانب  
 زندگی اجتماعی شیعیان مورد ارزیابی قرار داد، عمق و عظمت این  
 پدیده، سیر تاریخی طولانی داشته است. فرهنگ عاشورا و محرم سخت  
 در عمق جان و روان مردم شیعه ریشه دوانیده است، تا جایی که در  
 بدترین اوضاع و احوال و در سیاه‌ترین زمانها و در حکومت شقی‌ترین  
 حکام نیز این حرکت از سرعت نیافتاد، در همین کابل در خفقان‌آورترین  
 دوران، محرم و عاشورا در حالی که مراسم عزاداری ممنوع و قدغن  
 اعلام شده بود برپا بود، شب‌ها و نیمه‌های شب در حالی که سگان و

۱ - مجموعه اشعار استاد خلیلی، بغداد ۱۳۵۱، ص ۶۱.

خفّاشان حکومت سلطه و طاغوت کابل تا صبح پاس می‌دادند، برگذار می‌شد ولی با ورود علمای بزرگ همچون آیه‌الله حجت\* و دیگران این خروش اوج دیگری بخود گرفت، این بار به صورت رسمی در بناگوش حکام جور مراسم عزاداری برگزار می‌شد، در طول روز چندین نوبت صدای «یا حسین» و «یا مظلوم» بر دور و اطراف شهر طنین می‌انداخت، خطبای زبر دستی از حوزه‌های نجف، قم و مشهد حضور داشتند، هر روز بر شکوه و عظمت شهر افزوده می‌شد. حسینیه‌ها از موج جمعیت عزادار و شنوندگان جذّابیت خاص داشت و برای جامعه اسلامی پیام حریت، آزادی، شجاعت و مردانگی می‌داد، هر روز بر جمعیت و انبوه عزاداران از قشر جوان و تحصیل کرده و روشنفکران افزوده می‌شد، حتی حکمرانان کابل هم از مراسم حسینی بی‌بهره نمانده، گهگاهی کرسی نشینان کابل نیز زیر منبر روی گلیم‌های زبر و سخت حسینیه برای ریاکاری هم که شده، حضور بهم می‌رسانند! و مخصوصاً در این اواخر معمول شده بود که شب‌های تاسوعا و عاشورا خاندان «سلطنتی» با لباس‌های نیمه سیاه در تکایای مهم شرکت می‌جستند و احیاناً روز عاشورا در خیرات و نذورات مردم شریک می‌شدند.

مراسم محرّم با شکوه تمام در سطح شهر انجام می‌گرفت و در طول شبانه روز سه وقت صبح، عصر و شب مراسم روضه و سخنرانی برقرار بوده و در آغاز مجلس و مراسم عزاداری، سنت‌هایی به این صورت اجرا می‌شده است که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

\* - یکی از روحانیون معروف کابل می‌باشد که در بخش علما به تفصیل او را خواهیم شناخت.

۱- ذکر پای منبر: در آغاز مراسم، شخصی جملاتی را برای آماده کردن ذهنها و حواس مردم با سبک زیبا و لحن حزین به صورت اشعار و یا نثر از فضایل و مناقب آل علی علیهم السلام می خواند، بطوری که صلواتهای مکرری در پی داشته است و بعد افرادی تا رسیدن نوبت به ختم مجلس؛ مجلس عزاداری با سخن و بیان او که شخص محترم و متنفذ آن محله بود، ختم می شد، قبل از وی مرثیه سرایان با عناوین دیاچه، زبانحال، همخوانان روضه و مداحی مردم را آماده سوگواری می نمودند که هر کدام دارای تفاوتی است که اینجا مجال سخن نیست.

در ایام ماه مبارک رمضان که بهترین گفتارها و سخنرانیها در مناظر و مجالس عمومی و لیلی قدر صورت می گرفته است، برای مردم اخادثی در باب اهمیت «امامت»، «معاد» و «توحید» از روی کتب معتبر روایی شیعه از جمله «بحارالانوار» مجلسی گفته می شده است. و نیز تا پاسی از شب قرائت قرآن توسط استادان زبده تجوید و نیز روخوانی انجام می شد همین طور در طول سال «جمع خوانی»\* و مسأله گویی ترک نمی شد. زنان عالمه برای زنها و مردان عالم برای آقایان احکام و واجبات دینی می گفته اند<sup>(۱)</sup>. این سنت تا سالهای قبل و بعد از انقلاب ادامه داشت و هنوز هم در برخی از مناطق ادامه دارد اینجاست که اکثر شیعیان افغانی از نقطه نظر دینی و مذهبی در حد بالایی قرار داشتند. ولی بعد از انقلاب قضیه برعکس شد.

\* - برگزاری مراسم شبهای جمعه.  
۱ - به نقل از آقای شیخزاده کابلی.

### ❁ تکایا و حسینیه‌های کابل

در کابل تکایا و حسینیه‌های زیادی وجود داشته است که هنوز بعضی از آن اماکن مقدس وجود دارند و برخی متأسفانه از بد حادثه و گردباد حوادث متروک و یا تخریب شده است، از آن جمله می‌توان به این تعداد اشاره نمود:

۱ - تکیه عمومی آیه... سید میرعلی احمد حجت (ره).

۲ - تکیه کشمیریها که متأسفانه از بین رفته است.

۳ - تکیه میرزا فقیر حسین خان که در خیابان کشی اخیر کابل

خراب شد.

۴ - تکیه عباسی.

۵ - تکیه مرحوم سیدابراهیم که هم‌اکنون بنام «جوادیه» در قلعه

شاده معروف است.

۶ - تکیه مرحوم میراکبر آقا...

۷ - تکیه آقای بلبل.

۸ - تکیه مرحوم سید سرور دانش که اینها هم از تکایای قدیمی

شهر کابل و در محله معروف چنداول قرار دارد.

اما حسینیه‌هایی که در قبل و بعد از انقلاب تأسیس شده است در

محلات و نواحی شیعه‌نشین شهر قرار دارد به قرار زیر است:

۱ - حسینیه مرحوم حاج رجبعلی خان واقع در «تپه سلام»

کارته‌سخی.

۲ - حسینیه مرحوم حاج مسافر.

- ۳ - حسینیهٔ مرحوم شیخ قدمعلی.  
 ۴ - حسینیهٔ مرحوم سید مجیر.  
 ۵ - حسینیهٔ مرحوم سید خلیل شاه، این تعداد اماکن عمومی در محله «کارته سخی» واقع شده است.  
 از جمله تکایای عمومی دیگر کابل:  
 ۱ - حسینیهٔ مرحوم حاج رساله دار در قلعه شاده.  
 ۲ - حسینیهٔ مرحوم سید محبوب در قلعه موسوی.  
 ۳ - حسینیهٔ عمومی افشار نانچی (محل سخنرانیهای علامه بلخی).  
 ۴ - حسینیهٔ حاج میرآقا در قلعه علیمردان.  
 ۵ - تکیه خانه سید حبیب.  
 ۶ - تکیه خانه بابا یوسف.  
 ۷ - تکیه خانه سید جعفر.  
 ۸ - تکیه خانه کاکا<sup>(۱)</sup> یعقوب و...

#### ❁ تکیه خانه های زنانه

سالهای گذشته در بعضی از مناطق شیعه نشین کابل زنان محل و مکان جداگانه برای انجام مراسم عبادت خویش داشته اند. رسم بر این بوده که زنان تکایای مخصوص به خود را اداره می کرده اند و زنان عالمه و فاضله شهر برای آنان سخنرانی می کرده اند و روضه می خوانده و مسأله می گفته اند که غالباً این اماکن در جنب یکی از منازل علمای برجسته بوده و به سرپرستی آن عالم اداره می شده است. از میان زنان سخنران و روضه خوان شهر کابل می توان به این چند زن با فضیلت و فرزانه اشاره

۱ - در اصطلاح به عمو گفته می شود.

کرد:

- ۱- بُبُو گل صفيه.
  - ۲- بی بی مملکت.
  - ۳- شاه کوکو.
  - ۴- صالحه شاه کوکو.
  - ۵- بی بی شیرین همسر یکی از روحانیون محترم شهر<sup>(۱)</sup>.
- ناگفته نماند که در معرفی تکایای کابل بیشتر مورد نظر ما حسینیه‌های قدیمی شهر بوده و گرنه تکایا و عزاخانه‌های زیادی در این اواخر ساخته شده که آمار بعضی را در اختیار داریم مثلاً:
- ۱- حسینیه «عرفان» مربوط به آیه... سید عبدالحمید ناصر(ره).
  - ۲- «مهدیه» وزیر آباد مربوط به آیه... افشار(ره).
  - ۳- «فاطمیه» هراتی‌ها واقع در وزیر آباد.
  - ۴- تکیه خانه شیخ تقدسی.
  - ۵- تکیه خانه ترکمنی‌ها.
  - ۶- تکیه خانه «امام سجّاد علیّه السلام» در قلعه شاده.
  - ۷- و حسینیه حضرت سجّاد علیّه السلام<sup>(۲)</sup>.

این ارقام بخوبی می‌رساند که دیار کابل در یک برهه از زمان چهره مذهبی و سیمای تشیع بخود گرفته بود که در هر کجای از شهر مراکز دینی و کانون گرم تبلیغی شیعه فضای حاکم شهر را تحت الشعاع خود قرار داده بوده است.

۱- به نقل از آقای سخنزاده و آقای نوری.

۲- به نقل از آقای نوری و... .

### ❁ مساجد و...

در اواسط دههٔ هفتاد بیش از پانزده هزار باب مسجد در افغانستان وجود داشته است. به نظر می‌رسد که در سالیان اخیر از تعداد آن کاسته شده باشد (۱). با توجه به قدرت مجاهدین و عصر جهاد با کفار و دوران باران رحمت الهی بر بام بلند این قسمت از جغرافیای اسلامی مساجد زیادی تأسیس شده است.

### ❁ مساجد عمومی

مساجد کهن و تاریخی کابل به شرح ذیل است:

- مسجد «شاه دو شمشیره» (ره):

اولین مسجدی است که در دوره آغازین اسلام در کابل بنا گردیده و نخستین عبادت‌خانه‌ای است که اعراب مسلمان در آن عصر در این شهر بنا نهادند. البته جای شک نیست که از آن تاریخ تا حال چندین بار این مسجد تعمیر و تجدید بنا شده است که شاید برای اولین بار در سال ۱۳۰۶ ه.ش در دو مرحله بازسازی گردید و تاکنون همان ساختمان باقی مانده است و این مسجد در گذشته محل برگزاری مراسم حکومت‌های وقت بوده است.

## - مسجد عیدگاه:

این مسجد نزدیک میدان چمن حضوری مقابل جوی مستان و باغ علیمردان زمین بسیار وسیعی را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۱۱ ه. ش بنا شده است. این عبادتگاه از جمله مساجدی است که اولین فرمان جهاد علیه انگلیسی‌ها از فراز منبر سنگی آن داده شد و تا آخر به عنوان قرارگاه عمومی و مرکز فرماندهی علیه انگلیسیها باقی ماند.

## - مسجد پل خشتی\*:

این مسجد یکی از مساجد تاریخی و بسیار بزرگی است که در چهارراه شهر کابل جنب دریا قرار گرفته است. تنها مسجد بزرگی است که با منار بلند ۵۷ متری و گنبد سبز خود چهره شهر را دگرگون نموده است و پذیرای بیش از سه هزار نمازگزار می‌باشد، داخل و خارج مسجد از سنگ مرمر سفید فرش شده است، بعلاوه مسجد دارای دستگاه سرد و گرم کننده می‌باشد که در تابستان و زمستان فعال است.

## - مسجد جامع چوب فروشی:

این مسجد در سال ۱۳۰۳ ه. ش به اتمام رسید و در جنب آن مدرسه‌ای برای تعلیم و تعلم طلاب واقع شده است.

\* - متأسفانه در جنگهای اخیر قسمتهایی از این مسجد خراب شد و از جمله گلدسته آن آسیب دید.

## - مسجد جامع علیا:

این مسجد در قسمت «هند و گذر شور بازار» واقع و به سبک معماری قدیم و به صورت دو طبقه ساخته شده است. مسجد مذکور را «اورنگ زیب» پادشاه مغولی هند ساخته است و بنام مسجد اورنگ زیب شهرت داشت، ولی در دوره سلطنت حبیب‌الله‌خان همسر وی «علیا خانم» مسجد را بازسازی نمود و بعد از آن بنام مسجد علیا شهرت یافت.

## - مسجد جامع ملا محمود:

این مسجد جنب مسجد علیا در شور بازار واقع است و یکی از مساجد تاریخی کابل بحساب می‌آید. قبلاً نماز جمعه در آن ادا می‌شد.

## - مسجد جامع گذری:

این مسجد در بازار سراجی در جنب آهنگری واقع بوده و در زمان اورنگ زیب تأسیس شده است.

## - مسجد دوازده امام:

این مکان مقدس متصل به محله سه‌دکان بوده و در سابق بنام دوازده امام شهرت داشت، ولی در سال ۱۲۰۶ ه.ش از طرف ملا فیض‌خان ترمیم و چند حجره در آن افزوده شد و هم‌اکنون بنام مسجد ازبک‌ها یاد می‌شود.

## \* مساجد دیگر شهر

- مسجد جامع مدخل حصه ۲ جاده میوند.
- مسجد جامع شیر پور.
- مسجد جامع کارته ع.
- مسجد مجنون شاه.
- مسجد باغبان باشی.
- مسجد میرهای ده افغانان.

آمار مساجد کابل از ۴۰۰ باب تجاوز می‌کند و هم‌اکنون مساجد زیادی تأسیس شده که ما از آنها اطلاع نداریم. از جمله مساجد با قدمت مربوط به شیعیان کابل می‌توان اینها را نام برد:

- ۱ - مسجد قاضی شهاب که بانی مسجد یکی از قضات دربار امیر شیرعلی خان بوده است.
- ۲ - مسجد همت یار خان.
- ۳ - مسجد سرچارسو.
- ۴ - مسجد کردها.
- ۵ - مسجد کبر لوها.

۶ - مسجد خافیه که این تعداد مساجد در محله چنداول قرار داشته است، اما مساجد زیادی در سالهای اخیر تأسیس گردیده است از جمله:

- ۱ - مسجد جامع محمدیه.
- ۲ - مسجد جامع جمال منیه.

- ۳ - مسجد العلی کارته سخی.
- ۴ - مسجد غزنویها.
- ۵ - مسجد امام خمینی.
- ۶ - مسجد حضرت فاطمه (س).
- ۷ - مسجد حضرت زینب (س).

### ✽ حوزه‌های علمیه

در افغانستان مراد از «مدرسه» حوزه‌های علمیه دینی است و این لفظ هرگز به مدارس دولتی اطلاق نمی‌گردد و به مدارس دولتی «مکتب» می‌گویند.

اینک به دیدار مدارس مظلوم و مهجور کابل خواهیم رفت که سالهاست پس از هجوم وحشیانه روسها و به اسارت رفتن علما بسته شده و تنها با ذکر یاد و نام آنان خاطره علما و طلاب شهید و اسیر آن دیار را زنده خواهیم ساخت:

- ۱ - مدرسه «محمدیه» محله جمال منیه مربوط به آیه‌ا... سید سرور واعظ(ره).
- ۲ - مدرسه «پل سوخته» از آیه‌ا... محقق ترکمنی.
- ۳ - مدرسه «افشار» اثر آیه‌ا... امینی افشار(ره).
- ۴ - مدرسه قلعه شاده.
- ۵ - مدرسه علامه ناصر(ره)<sup>(۱)</sup>.

---

۱ - اطلاعات نگارنده و برخی از طلاب.

۶- مدرسه وزیرآباد، و مدارس دیگر که نگارنده از آنها اطلاع

ندارد.

### ❁ کتابخانه‌های مدارس

معمولاً در جنب هر مسجد و مدرسه‌ای کتابخانه‌ای هم وجود داشته است تا طلاب آن مدرسه در صورت نیاز از آن بهره ببرند و از رفتن به مراکز دیگر بی‌نیاز گردند، ولی پس از هجوم روسها همانطور که علما دستگیر و به دیار دیگر فرستاده شدند، کتابهای آنان هم یا به آتش کشیده شد و یا در زیر خروارها خاک مدفون و نابود گردید. با اطلاعات ناچیزی که به دست آمده، این تعداد کتابخانه معروف از مراکز فرهنگی شیعیان در کابل وجود داشته است:

- ۱- کتابخانه مدرسه محمدیه با حدود ۴ هزار جلد کتاب.
- ۲- کتابخانه مسجد همت یارخان با ۳ هزار جلد کتاب.
- ۳- کتابخانه مسجد ناصریه تقریباً با همین تعداد کتاب.
- ۴- کتابخانه مدرسه آیه‌ا... افشار با ۳ هزار جلد کتاب<sup>(۱)</sup>.

۱- به نقل از حجة الاسلام آقای نوری.

## «پنجش هفتتم»

❁ گذری بر خارستان...

گزارشی که هم‌اکنون در پیش روی دارید، پرونده‌ای است بسیار سیاه و تاریک و حاکی از ظلمی که یک قرن و اندی - پیش از سوی هیأت حاکمه کابل بر شیعیان رفته است:

❁ سال ۱۲۶۹ هـ. «رقص میری»

این سال یکی از سیاهترین ادوار در مناطق شیعه‌نشین ولایت مرکزی بوده است. طبق فرمان شوم‌ترین چهره به نام «عبدالرحمن» این قبیله دردمند همانند بردگان تاتار و زنگبار به کارهای دشوار و طاقت فرسا وادار شده و با آنان به وحشیانه‌ترین صورت حیوانی برخورد می‌شده است: یکی از روشهای بدرفتاری با شیعیان برنامه‌ای به نام «رقص میری» بود که زمان عبدالرحمن معمول گردید. طبق این برنامه، آتشی افروخته می‌شد و سران قوم افغان اطراف آن گرد می‌آمدند، در این هنگام «تابه»هایی را که روی آتش سرخ کرده بودند، می‌آوردند و سرهای آنان

را بریده و تابه‌های داغ را جای رگهای بریده می‌چسبانند تا جلو جریان خون قطع می‌شد! در حالی که قلب برای مدتی فعالیت می‌کرد و لذا بدن بی سر بالا و پایین می‌پرید، این طرف و آن طرف غلط می‌خورد و حرکات غیر عادی از خود نشان می‌داد.

این حرکات پیکرهای بی‌سر نوعی رقص تلقی می‌گردیده و حاضران صحنه از دیدن آن همه منظره هولناک همچون گرگ و حشی به رقص درآمده، لذت می‌برده‌اند<sup>(۱)</sup>.

شاید در همین راستاست که برخی از علما و مجتهدین حوزه مشهد و نجف به امیر پیام می‌دهند، به خصوص زعیم بزرگ حوزه نجف، میرزا محمدحسن شیرازی، صاحب فتوای تحریم تنباکو علیه انگلیس، تلگرافی به ناصرالدین شاه و ملکه انگلستان مخابره می‌کند و به آنان هشدار می‌دهد تا دست از قتل و کشتار شیعیان بردارند<sup>(۲)</sup>. گویا امیر گستاخ اینگونه جواب غیر منطقی می‌دهد: «چون مردم هزاره (شیعه) از اتباع او می‌باشند، هر طور که خواسته باشد با قتل، حبس و تبعید آنها را مجازات می‌کند.» او در برابر تبلیغات مجتهدین شیعه خصوصاً مجتهد مشهد وضع شدیدی اختیار نمود و حس انتقام جویی‌اش بر آنها شدت گرفت، در نتیجه یک عده جلای وطن شدند<sup>(۳)</sup>. و شاید در همین مقطع زمانی بوده که فتوای قتل عام شیعیان و تکفیر آنان از طرف عده‌ای از قضات دربار و علمای درباری صادر گردید.

۱ - وزارت امور خارجه... .

۲ - متأسفانه مدرک اولیه با اصل فتوا بدست نیامد.

۳ - افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱ صدیق فرهنگ، ص ۴۰۴.

## \* حکم تکفیر...

«لاجرم مایان اهل محکمه، شریعت غرّا و علماء که حل مسائل مشکله را به ذمه حوزه‌ها داریم به مضمون مکتوب ذیل، (شیعیان) هزاره کافر و واجب‌القتل هستند که قبل از توبه و بعد از آن کشته شوند و توبه آنها قبول نیست. و طایفه هزاره رافضی کافر و واجب‌القتل... و تفریق جمعیت و تخریب بلاد ایشان عین جهاد... گرچه مسلمان صحیح القول باشد، مباح‌الدم و مردود می‌باشند، و قتال با یاغیان به فرمان یتی‌شاه مسلمانان (عبدالرحمن) فرض و لازم است...

(در فراز دیگر این حکم باطل و ناحق آمده است: قاتلین طایفه مذکور مجاهد!، غازی و ناصر دین می‌باشد!!)

و مایان اهل محکمه و جمهور علماء این حکم را به پادشاه دین پناه معروض داشته... به جهت آگاه کردن مسلمین اعانت و نصرت دین، در صدد بیخ‌کندن این چنین مخالفین بکوشند...

(در پایان افراد ذیل به این رذالت تن داده، حماقت خویش را با امضای خود به اثبات رسانده‌اند):

- ۱ - میر فضل... منشی محکمه کابل.
- ۲ - امیر محمد منشی.
- ۳ - میر نظام‌الدین منشی محکمه کابل.
- ۴ - عبدالملک منشی محکمه کابل.
- ۵ - عمر منشی محکمه کابل.
- ۶ - میر سیدظاهر منشی محکمه کابل.

- ۷- عبدالحمید منشی محکمه کابل.  
 ۸- محمداسلام منشی محکمه کابل.  
 ۹- درویش محمد قاضی محکمه کابل<sup>(۱)</sup>.

### ❁ فاجعه ۱۳۱۱ ه.ق

این سال که مصادف بود با محرم ۱۳۱۱ هجری همچون گذشته قتل و غارت و تخریب دیار تشیع ادامه داشت، مزارع به آتش کشیده می‌شد، اموال مردم به یغما می‌رفت، مردان را می‌کشتند، زنان را به اسارت می‌گرفتند. از طرف دیگر مرض وبا و قحطی شیوع پیدا کرده بود. گروه گروه مردم خانه و کاشانه خود را به سوی کشورهای همسایه مخصوصاً ایران و آن سوی دریاچه هامون ترک می‌گفتند، نزدیک به ۷۰٪ مهاجرین از شدت گرسنگی و تشنگی و در اثر سقوط برف و بهمن و حمله گرگ و پلنگ تلف شدند.

گویا بدبختی و سیاه روزی از زمین و آسمان بر این قوم می‌بارید، اردوگاههای نظامی پر از مرد و زن اسیر بودند، جوانان را به خدمت سربازی و مردان را به کارهای شاق وا می‌داشتند. و زنان اسیر را در معرض خرید و فروش قرار داده بودند. حکمران قندهار در یک گزارش به امیر وضع اسرا را این گونه خبر می‌دهد:

«از مجموع ۶۱۹ نفر مرد و زن، پسر و دختر یک سال است که در زندانهای ولایت قندهار به سر می‌برند. ۲۹۲ تن آنان در اثر سرما و

۱- تاریخ تشیع در افغانستان، حسینعلی یزدانی (حاج کاظم) ۱۳۷۰، ص ۲۵۲.

گرسنگی فوت کرده است. ده نفر از بزرگان قوم هزاره به کابل اعزام شده‌اند و ۲۴۴ نفر هم در اراضی و املاک شخصی امیر شب و روز کار می‌کنند و ۴۶ نفرشان هم اکنون در زندانند. فقط ۷ تن از اسرا به قید ضمانت آزاد شده‌اند.»

امیر قسی‌القلب از این‌که عده‌ای آزاد شده‌اند، به خشم می‌آید و مأمورین دولت را متهم به رشوه می‌کند و می‌نویسد: نباید یک تن از این قوم آزاد باشد. در پی همین سیاست نسل‌کشی شیعیان آغاز شد.

#### ✽ رمضان ۱۳۱۱ هجری

امیر ظالم فرمانی صادر نمود تا از این پس فروشندگان اسرای شیعه ده یک قیمت فروش را به خزانه دولت به عنوان زکات واریز نمایند، این هم بدعتی بود که از طرف امیر صادر شد. از آن تاریخ به بعد بیش از ۷۰ هزار روپیه\* به بودجه دولت افزوده گردید و حال آنکه قیمت اسرا به مراتب از ۶۰ تا ۱۰۰ و ۱۲۰ روپیه بیشتر نبود.

#### ✽ زندانیان سیاسی

در فاصله سالهای ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ هجری تعداد زندانیان سیاسی و در بند شیعیان مناطق مرکزی هزاره‌جات در کابل به بیست‌هزار تن می‌رسید که هشت هزار آن را زنان بی‌سرپرست و دختران غیرتمند و عقیف تشکیل می‌دادند. وضعیت زندان و اردوگاه دردناک و ناهنجار

\* - واحد پول افغانی.

بوده است، زندانیان در میدان باز و سلولهای انفرادی از تب گرما و شدت سرما جان می‌باختند.

در پی این همه جنایت شرم‌آور و ضد انسانی، هتک حرمت انسانیت و به تاراج رفتن شرافت انسانهای مؤمن و مسلمان، از طرف هیئت جابر کابل فرمانی صادر شد مبنی بر این که: اهالی شیعه مذهب هر جا هستند ملزمند در مساجد اهل سنت حاضر شده و به طریقه آنان نماز بخوانند! (۱).

#### ❁ کاهش جمعیت شیعیان

در پی قتل و کشتار شیعیان، جمعیت آنان به ۴۸٪ کاهش یافت، یعنی ۶۲٪ از کل جمعیت موجود قتل عام و آواره شدند (۲). گرچه آمار درستی از کل جمعیت افغانستان و همین طور از شیعیان بدست نیامده است، ولی طبق آمارهای ناقصی که در سالیان قبل داده شده است، به این صورت تعداد جمعیت اهل ولایت را می‌رساند:

- ۱ - ۵۰٪ از جمعیت موجود کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند، البته این گفته خیلی اغراق و افراط را می‌رساند.
- ۲ - اکثریت یک سوم از کل جمعیت این کشور را شیعه می‌دانند (۳).

روی این اصل از ۲۱ میلیون جمعیت موجود آن کشور هفت

۱ - همان مدرک، ص ۳۰۴....

۲ - همان... ص ۳۶۲.

۳ - همان مدرک، ص ۷.

میلیون آن را پیروان مکتب اهل بیت تشکیل می‌دهند. این رقم نزدیک به حقیقت و واقعیت است. خواه‌ناخواه امروز یک مجموعه بزرگ هفت تا ده میلیونی در اقصی نقاط افغانستان به نام جعفری و شیعه دوازده امامی بسر می‌برند.

### ✽ ۱۳۴۲ هجری

تا این سال کماکان سرکوب و ارعاب شیعیان ادامه داشت و هیچ‌گونه امنیتی و حقی در قانون اساسی برای آنان در نظر گرفته نشده بود. در این مورد یکی از نویسندگان خارجی این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

«اقلیت شیعه همیشه از قدرت به دور بوده است. اکثریت مردم، آنها را تحقیر می‌کنند و تا سال ۱۳۴۲ عملاً زیر چتر حمایت قانون قرار نداشتند، از تظاهرات خارجی (اقامه نماز... عزاداری در ماه محرم و...) محروم بودند و حقوق جعفری از سوی دولت [به رسمیت] شناخته نشده بود، احراز مقامات سیاسی به روی شیعیان بسته بود...»

### ✽ ۱۳۲۹ خورشیدی

در فراز دیگری همین شخص می‌نویسد: «...جامعه تشیع در انزوای کامل به سر می‌برد (ولی) جنبشی به رهبری بزرگان مذهبی بازگشته از نجف و مشهد نظیر آیه‌آ... میرعلی احمدحجت (کابلی) و سید اسماعیل به وجود آمد و جامعه را از رخوت بدر آورد و جان تازه بخشیدند. نهضتی که با ایراد وعظ، خطابه و افتتاح مدارس علوم دینی، برای تربیت

روحانیان شایسته آغاز شده بود، چهره [حاکم] شهر کابل عوض شد. شیعیان خواستار آزادیهای سیاسی برای خود شدند...<sup>(۱)</sup>

### ❁ تبلیغات سوء

عده‌ای فرصت طلب در گرماگرم انقلاب، بازار تکفیر و تفسیق را از نوگرم ساخته و با پخش اکاذیب و اراجیف، دست به یک بمباران تبلیغاتی عجیبی زدند. این دسته از گروهکها جریانی بوده به نام «جماعة الدعوة» در نشریه شماره ۵ - ۶ سال ۱۴۰۹ هجری خود که به زبانهای عربی و... منتشر می‌شد. جهاد افغانستان را به صورت «تفنگ» درخت گونه‌ای نشان می‌دهد که دوست امریکا و روسیه‌اند یک طرف و دو دست دولت کابل و به اصطلاح رافضی‌ها از طرف دیگر با تبر شاخه‌های آن را قطع می‌کنند. همین مجله موضع خصمانه اربابان خود را در رابطه با دولت وقت مجاهدین در یکی از نوشته‌های خود اینگونه اظهار می‌کند: «ما بدین جهت در دولت موقت شرکت نکردیم که پاکستان و احزاب هفتگانه اصرار داشتند که شیعیان را نیز شرکت دهند و دولتی که رافضی‌ها در آن شریک باشد، اسلامی نیست!!»

و نیز در همان شماره تحت عنوان «شیعه و جهاد افغانستان» آمده

است:

«برادران ما رهبران مجاهدین علاقه‌ای زیاد نشان دادند

که رافضیان و شیعیان را در حکومت اسلامی آینده افغانستان

سهم بدهند، اما این رافضیان در گزاره گویی و گمراهی خود غوطه‌ورند و روسیه کمونیست و حکومت رافضی ایران و رژیم مزدور کابل آنان را حمایت می‌کند.»

ملاحظه می‌کنید که دهن کجی این فرقه مزدور تا کجا رسیده است؟ و در جای دیگر می‌نویسد:

«فرقه شیعه در افغانستان از ده سال پیش تا کنون در جهاد شرکت نکرده است و حقیقت این است که سربازان افغانی و روسی به هیچ یک از مناطق شیعه نشین حمله نکرده‌اند، بلکه دشمن روسی از یک طرف و دولت ایران از طرف دیگر، شیعیان را با اموال و اسلحه زیاد کمک می‌کند»

در قسمت دیگر همان مجله آمریکایی آمده است:

«شیعه در افغانستان غیر از شیعه در سایر نقاط زمین نیست، شیعه در حقد و کینه و خست خود، همان شیعه است در هر جا که باشد.»

در صفحه دیگر گام را از این هم فراتر نهاده، اینگونه توهین به ملت مسلمان شیعه روا می‌دارد:

«کار شیعیان همیشه راهگیری مجاهدین و سرقت اسلحه و همکاری با کفار بوده است!»<sup>(۱)</sup>

ما از سردبیر مجله سراپا دروغ «المجاهد» که المثنی «المنافق» است

۱ - به نقل از نهضت‌های اسلامی... در صفحات ۱۹۱... البته این مجاهدین ما بود که بر دشمن روسی کمین می‌زد و تمام مهمات خود را از متجاوزین می‌گرفت و این شما بودید که آب به آسیاب دشمن می‌ریختید و هم اکنون هم می‌ریزید.

می‌پرسیم منظور شما از این همه دروغ چیست؟  
 البته این شما هستید که با کفّار در یک میز و صندلی نشست و  
 برخاست داشته و با هم شراب ناب میل می‌کردید و از او اسلحه و مهمات  
 بدست می‌آوردید نه شیعه.

### ✽ آخرین فشنگ

حادثه تاریخی ۷۲/۱۱/۲۶ کابل منجر به قتل عام جمعی از  
 شیعیان محله «افشار» از ناحیه وهابیه‌های «سیّاف» گردید. افشار یک حادثه  
 ساده نبوده که ممکن است در هر جنگ اتفاق افتد. حدیث خونبار افشار  
 که با یک توطئه خائنانه‌ای بوقوع پیوست، یادآور جریانی است که  
 در گذشته‌های دور توسط تاریک اندیشان سیاه ضمیر آغاز شده است و  
 تاکنون تعقیب شده و افغانستان را اینگونه در لبه پرتگاه مخوف آتش  
 جنگ قرار داده است. افشار فریادی است که طنین آن خیانت، آفرینان  
 سیاه کار این حادثه را در گذر تاریخ رسوا می‌کند. و از سوی دیگر زنگ  
 بیدارباش را در دل قربانیان این توطئه می‌آویزد. بیدار و هوشیار باشید در  
 گرایش بسوی وحدت، همدلی و همگامی باشد تا از خود بنیان مرصوص  
 بسازید. اسلحه را بدوش کشید که در آن باس شدید است، قرآن را مشعل  
 فروزان خود سازید که در آن هدایت خداوندی است. از خود بجوشید و  
 فوران نمائید و هرگز بر ظالم تکیه نکنید، آفتاب فردای آبرومند و روشن  
 از پس بازوان ستبر طلوع می‌کند، مبادا غفلت کنید و همچون گله رمیده  
 یکی دو تا شده راهی را در پیش گیرید که حتماً طعمه گرگ خواهید شد!  
 بیش از همه بخود اتکا کنید. جمع باشید و جمع‌تر شوید این

صدای «افشار» است که از در و دیوار آن وجدان ما را به بیداری و بیدار ماندن می خواند، همانگونه که حادثه عاشورا و سوختن خیمه ها و ضجه و فریاد زنان و کودکان در کربلا، مدام در معبر تاریخ می پیچد و پلکهای در آغوش هم خوابیده را به انگشت عبرت می زند، و وجدانهای آگاه را به قضاوت می طلبد.

«فاجعه ننگین افشار در تعقیب سیاست حذف، توطئه بر علیه مردمی چیدند که از گلوی خون آلودشان برادری، برابری و حکومت اسلامی بیرون کشیده بود و در فضای تاریک و ستم آلود افغانستان طنین می انداخت مردمیکه پیشرفت، ترقی و سربلندی کشور را در اخوت اسلامی تمامی ملیتها و اخوت اسلامی را در برابر همه اقوام ساکن در کشور و رفع کلیه مظاهر ستم ملی و مذهبی تصویر می کردند. در کدام منطق این شعارها جرم است که فریادکنندگان آن با نیتهای پلید حذف مواجه شده و یا امواج توطئه ها قرار گرفته، آنهمه جنایات تکان دهنده بر آنها تحمیل گردیده توطئه افشار توطئه نبود که آنرا با معیارهای سیاسی سنجید و گفت که بمنظور کسب امتیاز سیاسی بیشتر، وادار نمودن رقیب از صحنه سیاست کشور انجام گرفت، چه اینکه در این توطئه سیاه با وضوح تمام هدف نابودی را می توان مشاهده کرد و طراحان آن بر رؤیای آشفته شیطانی بدون در نظر گرفتن واقعیتها و حتی منافع خود خواهانه سیاسی خود آنرا به اجرا گذاشته است، اما باید خاطر نشان نمائیم که اگر سیاست دیرپای عبدالرحمن نتوانست این مردم را نابود نماید آنها از میان خون و خاکستر و آوارها قد کشیدند و امروز در صحنه سیاسی بعنوان فاکتور تعیین کننده عرض اندام نموده است، لکن بدخواهان

با کندن گودال توطئه در واقع گورپر آتش برای خود مهیا می‌سازند. افشار  
تجر به‌ای تلخی بود که درس بزرگی برای همه کسانی که قربانی آن  
بوده‌اند و چه بانی جنایت آن و چه مزدوران خودفروش اولین درس این  
بود که با هیچ طرفند و جنایتی نمی‌توان مردمی را نابود کرد، دومین درس  
اینکه حق لاجرم به پیروزی می‌رسد، اما پذیرش آن با التماس و  
درخواست ممکن نیست. زورمداران آسانی منطق مسالمت را  
نمی‌پذیرند، سومین درس اینکه شیوه تزویر و تطمیع بر عصر بیداری  
توده‌ها جز رسوایی و ننگ شیوه دیگری به باز نخواهد آورد.»<sup>(۱)</sup>

۱ - هفته‌نامه وحدت ۱۲/۱۱/۷۲ به نقل از خبرگزاری وحدت اسلامی کابل.

## «بخش هشتم»

### ✽ مرزبانان مکتب

قشر روحانیت بویژه روحانیت ظلم‌ستیز شیعه در بستر تاریخ و در میان ملت‌ها و امت‌ها با دلائلی مذهبی، معنوی و علمی از قداست ویژه‌ای برخوردار بوده است و همواره این سربداران کوی وفا از پرچمداران «توحید» و از مرزداران مذهب بوده‌اند.

بدون تردید از «کلینی (ره)» تا «خمينی (ره)» ارزشهای موجود در جامعه شیعی مرهون قلم و مرکب خونین روحانیت پیشتاز و مسؤول بوده است اینان بر قلوب مردم حکومت می‌کنند، و همواره با دو شهر (علم و عمل) بر آسمان دل‌ها و سرزمین جانها در پرواز بوده‌اند.

اینان چراغ دین و دنیای مردم را در هر کوی و برزن روشن نگه‌داشتند، و از حرکت این قافله هزار سال و اندی سپری می‌شود. با همه موانع موجود هنوز هم بالنده‌تر از گذشته به حرکت الهی و هدفدار خود ادامه می‌دهد. روحانیت شیعه پس از غیبت آخرین ذخیره الهی، نقش سنگ زیرین آسیا را بازی نموده است و در طول تاریخ تیشه بر ریشه

بیداد و استبداد زده و بارها مورد خشم و طعن جبّاران روزگار قرار گرفته است. و سالها به جرم دفاع از اسلام و مکتب، پیکرش بالای دار مانده و بر تاریخ پیام استقامت و شجاعت خوانده است! و گرنه جرم شهید اول و دوم چه بود؟

جرم ۱۵ سال تبعید امام خمینی (ره) چه بود؟

گناه به قتل رساندن آیت‌الله‌صدر چه بود؟

توهین و اهانت به سید جمال‌الدین چه معنا داشت؟

۱۵ سال به زندان رفتن بلخی برای چه بود؟

همه‌ی اینها بیانگر رسالت این قشر از جامعه اسلامی است و گرنه

آخوند و روحانی نمازیاد بود!

### ✽ با اختران علم و دانش

در این بخش به ترتیب با چهره‌های مرزبانان مکتب که عمرشان

در کابل و حوالی آن گذشت، آگاه می‌شویم:

### الف: علمای سلف

این تعداد از علمای گمنام کم نیستند که ما به ذکر چند تن از آنان

بسند می‌کنیم:

۱ - آیه‌... حاج محمد زمان خان مجتهد که صاحب رساله عملیه

بوده است.

۲ - آیه‌... شیخ محسن کابلی.

۳ - آیه‌... شریعت.

- ۴ - علامه سیدانور شاه صدر.  
 ۵ - حاج میر آقا واعظ قلعه علیمردان.  
 ۶ - آیه‌ا... سید محسن نقشچی.  
 ۷ - آیه‌ا... ملا یوسف علی خان.  
 ۸ - آیه‌ا... حاج آخوند زریافته.  
 ۹ - آیه‌ا... حاج آخوند بکک.  
 ۱۰ - آیه‌ا... شیخ محمد آخوند و... (۱)

از جمله علمایی بودند که در عین گمنامی، قامت دین را استوار و بنای شرک را متزلزل نمودند.

### ب: خطبا و مروجین احکام

#### ✽ حجت الاسلام «بلبل»

خطیب زبردست و دانشمند بزرگوار و شاعر دردمند سید کاظم بلبل در ماه رجب ۱۳۳۴ در یک خانواده روحانی ساکن مراد خوانی کابل دیده به جهان گشود.

او فرزند بزرگ خانواده بحساب می‌آمد، بیش از دوازده بهار از سن او سپری نشده بود که امان‌الله خان، پدر او را به شهادت رساند و اهل بیت این بیت روحانی را به اسارت برد.

این جریان زمانی به وقوع پیوست که برای سومین بار سربازان متجاوز انگلیسی شکست می‌خوردند و بدون هیچ‌گونه دست‌آوردی از این

۱ - به نقل از آقای شیخزاده....

مرز و بوم خارج می‌شدند ولی عبدالرحمن خان بعنوان نماینده انگلیس در کابل می‌ماند.

او که دشمنان انگلیس و رژیم دست‌نشانده را روحانیت می‌دانست، با تمام قوا برای نابودی روحانیت مخصوصاً روحانیت تشیع پیاخاست، هر روز گروه‌گروه از روحانیت و طلاب مسلمان را دستگیر و زندانی می‌ساخت، در آن عصر عنصر بیدار و فهمیده حوزه تشیع در کابل خانواده بلبل محسوب می‌شد وی دستور داد خانواده بلبل همچون دیگران به اسارت گرفته شود و مردان این خانواده به شهادت رسیدند، حدود یک ماه و اندی خبری از خانواده این روحانی دلسوخته و بیدار نبود بعد از یک ماه فرزندان یتیم و زنان بی‌سرپرست خانواده بلبل از اسارت رهایی یافتند.

بلبل که در یکی از منازل دوستان خود در حال اختفا بسر می‌برد و دولت در صدد بود او را به‌چنگ آورد، ولی او توانست با همت یکی از دوستان پدرش از افغانستان فرار و خود را به مشهد مقدس در جوار امام غریب، پیشوای هشتم شیعیان برساند. او از نخستین روزهای ورود خود در حوزه رضوی در یکی از حجره‌های مدرسه «ابدال‌خان» واقع در «پائین‌خیابان» ساکن و مشغول فراگرفتن علوم اسلامی شد و مدت ۱۴ سال در مشهد مقدس در پی کسب دانش و اخلاق اسلامی بود و توانست در این مدت با استمداد از نبوغ و استعدادی که داشت، دوره تحصیلات سطح حوزه را تمام کند و در بسیاری از علوم رایج حوزه صاحب‌نظر گردد، وی پس از سپری نمودن دوره چهارده ساله برای گذراندن دوره دروس خارج عازم حوزه بزرگ «نجف» گردید و مدت پنج سال در

نجف اشرف در نزد علمای بزرگ و مجتهدان بزرگوار حوزه بهره‌ها برد، بخصوص در ادبیات و عرفان عملی گامهایی برداشت.

وی پس از یک دوره ۱۸۲۵ روزه بار دیگر به حوزه مشهد برگشت؛ برای بازگشت به کابل از اساتید و دوستانش مشورت خواست، ولی برای برگشت وی ایشان مصلحت ندیدند، آنگاه با کوله‌باری از مسئولیت برای کسب فیض از خرمن اساتید بزرگ حوزه «فیضیه» و «دارالشفا» وارد قم شد و تشکیل خانواده داد. آنگاه چون آب و هوای قم برای او چندان سازگار واقع نشد، دوباره آهنگ دیار خراسان نمود. این بار سه سال دیگر در جوار امام رضا علیه السلام به خودسازی که زمینه‌ای برای دیگر سازی است، پرداخت. هم‌اکنون آقای بلبل بیست و دو سال است که شاگرد حوزه مشهد و نجف و قم است و از محضر بزرگترین رجال عصر دانش فرا گرفته و الفبای ادبیات مکتب اهل بیت را بخوبی آموخته است، او دیگر می‌تواند با زبان و بیان خود برای اسلام تبلیغ نماید و از کیان مذهب مظلوم و مکتب «آل علی علیه السلام» حمایت کند.

بلبل بیش از همه وضعیت اسفبار و نابسامان کابل را درک کرده بود و شب و روز آرام نداشت. این بار عرصه جهاد فرهنگی را بر زندگی بی‌دغدغه و آرام حلقه‌های تنگ مباحثه علمی و بعضاً خشک حوزه را ترک گفت و در سال ۱۲۹۹ شمسی به وطن مألوف خود بازگشت و در مأذنه ابلاغ و تبلیغ مکتب کتک خورده و مظلوم تشیع قرار گرفت و بر تأسیس و تعمیر مدارس و مساجد متروک و حسینیه‌های سیاه‌پوش پرداخت و با دستان پرتوان خود بنای یک جامعه نوین شیعی را در مرکز سیاست بنا نهاد.

بلبل با تکیه بر سنت و روش اجدادش، احکام و اخلاقیات اسلامی را در قالب هنر شعر و خطابه در محافل سوگواری و اعیاد برای مردم می‌گفت و خود در منزلش مجالس مدح و منقبت، سخنرانی برپا می‌کرد، خانه‌اش را بصورت کلاس مدرسه درآورده بود و در طول سال شبهای جمعه و مناسبت‌های مختلف کلاس احکام اسلامی در آنجا گفته می‌شد. بلبل زیبا سخن می‌گفت و شیوا بیان می‌کرد. خیلی ساده و بی‌تکلف مطالب را ادا می‌نمود. زندگی ساده و بی‌آلایش داشت، همیشه در جمع و محفل طبقه سوم جامعه می‌نشست و از آنان دلجویی می‌کرد. همواره با کودکان و نونهالان انس داشت، با آنان در یک حلقه پدران قرار می‌گرفت، حرفهای آنان را خوب گوش می‌داد با خنده و طنز مطالب در خور فهم آنان را بیان می‌کرد، ولی با بزرگان بزرگوارانه با مستکبران متکبرانه رفتار می‌نمود.

این بیت همیشه تکیه کلامش بود:

در گلستان بلبل و در انجمن پروانه باش  
هر کجا دام تماشایی که بینی دانه باش

### ✽ خصوصیات اخلاقی او

در میان مردم بدون دغدغه و انتظار می‌زیست، مردم او را یک عالم ربانی که پرتو فضایل اخلاقی از چهره و عملش پیدا بود، پذیرفته بودند، وی اکثر کارهای منزل و بیرون منزل را بدون کمک از دیگران انجام می‌داد، لباس ساده و معمولی در بر داشت، خیلی در قید و بند زندگی متعارف و حرف مردم کوچک و بازار نبود، در عین حال که با مردم

بود، وابسته به مردم نبود، آزادانه زندگی می‌کرد، آن روز که هجوم فرهنگی غرب در چهره شهر و شهرنشینان کابل دیده می‌شد و رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی در کنار مذهب‌زدایی قد برافراشته بود. او با رفتن در مراکز تجمع مردم از قبیل قهوه‌خانه‌های کابل، مردم را دعوت به «معروف» و نهی از «منکر» می‌کرد که این شیوه را سید جمال‌الدین در مصر در میان جوانان مصری انجام می‌داد و در قهوه‌خانه‌ها رفته‌رفته ضمن معاشرت با آنان جذبه‌های روحانی و اخلاقی اسلام را به آنان آموخت، بلبل هیچ‌گاه در صدر مجلس قرار نمی‌گرفت. از مکروهات اجتناب می‌کرد. تا آخر عمر با عصای بادامی راه می‌رفت. بالاخره پس از سالها زندگی محترمانه در سن ۶۱ سالگی به سال ۱۳۲۳ ه. ش دعوت حق را لبیک گفت و مردم شیعه کابل را برای مدت‌ها عزادار و سوگوار نمود<sup>(۱)</sup>. همین شخصیت بزرگوار برادری بنام سیداحمد داشت که هم‌اکنون دفتر خاطرات او را ورق خواهیم زد:

### ✽ آیت‌الله کابلی

مشهور به میر علی‌احمد حجت(ره)، در حدود سالهای ۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸ ه. ش هم‌نوا با حکومت استبداد عبدالرحمن در کابل دیده بجهان گشود. نسب ایشان به امام همام حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد. در حالی که دو بهار از سن این کودک نمی‌گذشت، پدر و عمویش به جرم شیعه بودن در بیدادگاه عبدالرحمان به جوخه اعدام سپرده شدند و تمام اموال این خانواده به غارت رفت، اهل خانواده‌اش به

۱ - با کمی تصرف از: (مجموعه قصائد... آقای بلبل، مؤسسه تحقیقاتی... انقلاب اسلامی افغانستان ۱۳۶۵ - امیران.

اسارت رفتند و بی پناه و بی سرپرست شدند که در صفحات قبل گذشت.

### ✽ در حریم رضاع

پس از هجوم عبدالرحمن بخانه و کاشانه این بیت محترم برادر بزرگتر او سید کاظم بلبل که پانزده بهار از سن او سپری شده بود. از دست حکومت عازم مشهد گردید، پس از به درک و اصل شدن عبدالرحمن به کابل مراجعت نمود و همراه برادران خویش میرعلی احمد حجت و شریعت که هر دو بیش از ده دوازده سال سن نداشتند، عازم مشهد شد. از کابل تا خراسان را با پای پیاده و آبله دار طی کردند و هر سه در مدرسه ابدال خان جنب قبر پیر پالان دوز حجره، گرفتند، آیه... حجت که از استعداد بالا و ذوق سرشار برخوردار بود، پس از ده سال اقامت در حوزه مشهد، خود را از این حوزه بی نیاز دانسته، عازم حوزه قم گردید. این بار هم در اثر نبود امکانات سفر و نداشتن پول کافی سیر مشهد تا قم را پیاده طی نمود. خود را در جوار کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) رساند و بالاخره در مدرسه «دارالشفاء» قم به تحصیلات عالیّه نزد اساتید بزرگ آن عصر مخصوصاً مؤسس حوزه آیه... حائری یزدی ادامه داد.

### ✽ آهنگ نجف

پس از مدتی تحصیل در قم تصمیم رفتن به نجف اشرف را که در آن زمان بزرگترین حوزه تشیع بشمار می رفت، گرفت. باز هم این سالک و مهاجر الی الله از قم تا کرمانشاه و از آنجا تا نجف را با پای آبله و جگر سوخته به کعبه مقصود شتافت و از ستارگان بزرگی که بر فراز

آسمان بلند تشیع می‌درخشیدند، دانش دین و هنر انسان بودن را آموخت و از محضر حضرات آیة... سیدمحمد کاظم یزدی ره، آیة... سید ابوالحسن اصفهانی(ره)، آیة... میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیة... آقا ضیاءالدین عراقی(ره) استفاده شایانی نمود و از طرف آن اساتید بزرگ مفتخر به اخذ اجازه نامه‌های اجتهادی گردید.

تا اینکه پس از عبور از این همه گذرگاهها و رنجهای طاقت فرسا به قلّه هدایت و رهبری جامعه رسید، بر اساس نیاز عازم دیار خویش گردید و دست به ترمیم و بازسازی بنیاد فکری و فرهنگی جامعه تشیع در کابل زد که سالها در انزوا و رکود بسر می‌برد در حیات این مرد بزرگ برای اولین بار تکبیر شهادت به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام از مأذنه‌های خاموش مساجد کابل طنین انداز گردید و مراسم عاشورای حسینی به صورت رسمی در حسینیه‌ها برقرار شد و تا حدی پرده از چهره مظلوم و سیلی خورده اسلام و مکتب اهل بیت برداشت از این مرجع بزرگ آثار ارزشمندی باقی مانده است. اکثر اماکن مذهبی و فرهنگی مربوط به شیعیان در کابل در حیات پربار او احیا و بازسازی گردید. پس از این همه خدمت به جامعه تشیع در اثر کهولت سن و کسالتی که عارض شده بود، در نیمه شب ۱۳۵۳/۲/۱۲ ه. ش در حالی که ۸۵ سال عمر داشت، آسمان پرفروغ کابل را سوگوار کرد و در جمع «فردوسیان» عالم بقا شتافت روحش شاد و روانش خوش<sup>(۱)</sup>.

۱- با کمی تصرّف از: جزوه زندگی نامه آیة... حجت، تألیف فرزند ایشان سیدمحسن حجت. چاپ قم سال ۱۳۶۸. صفحات اول تا....



جناب آیت اللہ سید سرور «واعظ»



جناب آیت اللہ مور علی «حمد» حجت

## ❁ علمای مهاجر

۱ - سید علم الهدی کابلی، فرزند سید شمس الدین فرزند سید احمد نقوی کابلی معروف به «سید علم» سال ۱۲۸۸ ه.ق. در کابل متولد شد، در آغاز کور مادرزاد بود، پس از چندی همراه بستگان خود وارد عراق گردید، مدتها در عراق سپری نمود از آنجائی که صاحب ذوق و استعداد بود، در سال ۱۳۰۰ ه.ق. به حوزه درس میرزای شیرازی در شهر مقدس «سامرا» پیوست.

در سال ۱۳۱۴ ه.ق. به نجف اشرف برگشت و به محضر اساتید بزرگ حوزه علامه میرزا حسین نوری (ره) و سید مرتضی کشمیری (ره) رسید، در همانجا ازدواج کرد، پس از فوت عارف بزرگ سید مرتضی کشمیری، عازم ایران شد، در «سلطان آباد اراک» مدتها به ارشاد و تبلیغ مردم مشغول بود بعدها از ناحیه مؤسس حوزه علمیه قم آیه... حائری (ره) آهنگ دیار «ملایر» نمود، مدتها در آن دیار سمت امام جماعت را به عهده داشت تا اینکه اوائل محرم ۱۳۶۸ به دیار ابد شتافت و در جوار حضرت معصومه (س) بخاک سپرده شد<sup>(۱)</sup>.

۲ - حجة الاسلام شیخ محمد شریف فرزند میرزا کاظم کابلی حائری، متولد ۱۲۶۰ ه.ق. از شاگردان میرزای شیرازی (ره) و آیه... سید اسماعیل صدر (ره) مرجع بزرگ شیعیان در عراق بوده است.

۱ - نقیباء البشر... ج ۳، (چاپ دوم، ۱۴۰۴)، ص ۱۲۷۵.

پس از چندی به امر آیه‌ا... صدر عازم دیار «هند» می‌گردد و مدتها در «برنگون هند» به وظائف تبلیغ و ارشاد و هدایت شیعیان مؤمن آنجا مشغول بود، تا اینکه در سپیده‌دم ذی‌قعدة ۱۳۳۹ به عالم بقا شتافت. از وی تألیفاتی باقی مانده از جمله آنها «رساله قوت لایموت» می‌باشد.

۳ - حجة الاسلام حاج شیخ محمد لطیف مولوی فرزند عالم بزرگوار شیخ محمد شریف کابلی، وی ساکن مشهد مقدس بوده و در مسجد جامع گوهرشاد اقامه جماعت می‌نمود و بعد از هر نمازی بر فراز منبر گوهرشاد رفته و برای مردم احکام و دستور دین بیان می‌نمود بطوری‌که از بیان رسا و کلام شیرین این روحانی لذت می‌بردند. گویند: روزی در حین اقامه نماز صورت خود را از «قبله» منحرف ساخته به مردم گفت: «نماز خود را تمام کنید، زیرا من وضو ندارم» مردم از صداقت باطن و بیان صریح وی سخت شیفته و تحت تأثیر صفای باطن وی قرار می‌گیرند بطوری‌که بعد از این حادثه بر «مأمومین» او افزوده شد و بارها این جمله را از منبر بر مردم تکرار می‌کرد: «مقتدای بی‌طهارت مولوی پادشاه بی‌عدالت پهلوی» و با این سخنان آهنین، کوتاه و ساده حقایقی را بیان می‌کرد، رژیم پهلوی از گفته وی به خشم آمد، او که تابعیت رسمی ایران را نداشت، به عراق تبعید کرد، سالها در جوار اختران آسمان امامت ماند و یکی از معتمدین و مشاورین بیت حضرت آیه‌ا... حاج آقا حسین طباطبایی شد. تا آنکه در سال ۱۳۶۹ ه. ق در معیت آیه‌ا... سید عبدالله طاهری شیرازی به عزم زیارت امام هشتم، عازم ایران شد و در شهر «ری» از آن دو شخصیت بزرگوار استقبال عجیبی به عمل آمد. مرحوم محمد شریف کابلی برای مدتها در صحن مطهر حضرت

عبدالعظیم منبر می‌رفت و پاسخ پرسشهای شرعی مردم را با لحن زیبا و بیان نرم و گهگاهی که آمیخته با لطایف بوده، بیان می‌داشته است.

۴ - حجة الاسلام سیدعلی شفا فرزند سیدعلی میرزا حسین کابلی یکی از عالمان بزرگ و شعرای شیرین سخن بوده که در سال ۱۳۵۴ هـ ش دعوت حق را لَبَّیک گفت. از آثار اوست: «منظوم در آداب و اخلاق».

۵ - حجة الاسلام شمس‌الدین نجفی فرزند سیدعبدالعظیم کابلی، از دانشمندان معاصر خراسان، وی در سال ۱۳۰۲ هـ ق در کابل متولد شد و پس از اتمام دوره مقدماتی عازم حوزه نجف گردید سطوح عالیہ را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیه... خوبی، مرحوم آیه... حکیم، آیه... سیدمحمود شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی\* فراگرفت، مدتی در نجف در یکی از مساجد اقامه نماز می‌نمود تا اینکه در سال ۱۳۸۲ هـ ق به قصد زیارت حریم رضوی آمد بنا به تقاضا و خواهش آیه... سیدهادی میلانی(ره) برای زعامت و امامت شیعیان «فریمان» عازم آن دیار گردید و سالها در آن منطقه به عنوان روحانی محترم و با نفوذ مشغول خدمت به اسلام و مسلمین بود و در امر تدریس و ترویج احکام و فقه اهل بیت حضور فعال و گسترده داشته و از ایشان مؤسسات خیریه و فرهنگی بدین شرح باقی مانده است:

۱ - تعمیر و توسعه مسجد جامع فریمان.

۲ - تأسیس مسجدی در ناحیه شهر.

\* - آیه... سیدمحمود شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی از بزرگان حوزه نجف بوده‌اند.

۳- تأسیس مکتب «زینیّه».

۴- تأسیس حوزه علمیه «صادقیه» و...

و اما آثار قلمی او عبارت است از:

۱- تقریرات اصول آیه... خوئی (ره).

۲- العدالة فی الاسلام.

۳- احوال امام عصر (عج) و آثار دیگر<sup>(۱)</sup>.

۶- آیه... شیخ علی محمد کابلی از فقهای نامدار و از عرفای بلند مرتبه بود که در سال ۱۲۷۴ ه. ق در شهر تاریخی «غزنه» دیده به جهان گشود و در عصر سلطنت عبدالرحمن مورد هجوم و بی حرمتی او قرار گرفت، برادرانش در زندانهای کابل در اثر شکنجه جان دادند. ولی خود او آهنگ کشور عراق نمود، در حوزه کربلا و نجف از محضر استادان بزرگ همچون علامه سید مرتضی کشمیری و آیه... سید اسماعیل صدر کسب فیض نمود و مدتها از جمله مشاورین حضرت آیه... صدر بود، پس از روزگاری از طرف آیه... صدر به عنوان تبلیغ در میان شیعیان، عازم کابل شد و دو سال و اندی در آنجا ماند، ولی پس از ارتحال آیه... صدر دوباره به کربلا برگشت، تا اینکه در سال ۱۳۳۹ ه. ق در جوار قافله سالار کربلا داعی حق را لبیک گفت و به دیار نور شتافت<sup>(۲)</sup>.

۱- گنجینه دانشمندان، رازی، ج ۶، ص ۱۱۹.

۲- همان مدرک، ص ۱۱۹.

### ج: شهدای روحانیت

پس از به قدرت رسیدن کمونیستها تعدادی از علمای مجاهد و مبارز کابل دستگیر و راهی زندان شدند که به این تعداد اشاره می‌شود:

۱ - آیه‌ا... حاج سید محمد سرور واعظ کابل یکی از ستارگان پرفروغ آسمان علم و فقاہت در آن دیار بود، که دوران جوانی خویش را در مدارس علمیه زادگاه خودش «بهسود» تا دوره مقدماتی به پایان رساند، سپس به کابل مهاجرت کرد، پس از چندی برای تکمیل سطوح عالیہ و مدارج اجتهاد عازم حوزه بزرگ شیعه در نجف اشرف شد و از نزد اساتید بزرگ و والامقامی همچون آیه‌ا... شاهرودی (ره)، آیه‌ا... حکیم، آیه‌ا... خوئی و دیگران استفاده وافر برد، پس از اتمام دوره خارج فقه و اصول و دیگر مبانی اسلام در نجف به تدریس «کفایة الاصول» و سایر دروس حوزه پرداخت و جمع کثیری از طلاب کشورهای اسلامی از محضر این عالم بزرگوار استفاده کردند، تا اینکه وضعیت شیعیان کابل ایجاب کرد او به وطن خود برگردد، بنابراین به دستور آیت‌الله حکیم و به وکالت از آن زعیم بزرگ حوزه تشیع برای رهبری و ارشاد شیعیان مظلوم افغانستان وارد کابل گردید.

مدتها در امر تبلیغ و تدریس در مرکز شهر اشتغال داشته، چندین بار راهی زندان شد. بار آخر سال ۱۳۵۸ با تعداد دیگری از علمای کابل راهی سیاه‌چالهای کابل گردید و تا حالا خبر از ایشان و بقیه علما نیست. از آثار او در کابل یک باب مدرسه مجلل با تمام امکانات بنام «محمدیه» به ضمیمه مسجد بزرگ و «کتابخانه محمدیه» باقی و بیادگار

مانده است.

از تألیفات این ستاره سوخته:

- ۱ - مصباح الاصول، تقریرات درس اصول آیه... العظمی خوئی.
- ۲ - خاطرات زندان.
- ۳ - سیف الاسلام و قضا در مذهب تشیع و آثار دیگری که بجا مانده است (۱).

۲ - علامه حاج سید عبدالحمید ناصر(ره) یکی دیگر از ستارگان نورانی و عالمان وارسته آن شهر بحساب می آمد که نگارنده افتخار شرف حضور او را در سالهای ۱۳۵۴ پیدا کرد، مدتی در مدرسه ایشان که جنب مسجد جمال مینه قرار داشت سپری نمود، بحق شخصیتی بود وارسته، مهمان نواز دوست داشتنی هر گاه می دانست طلبه مسافری هست از مناطق دیگر با کمال خضوع و احترام با او برخورد می نمود و او را نوازش می کرد و می گفت: «منزل محقر ما حجره طلبه ها و خانه شیعیان مظلوم است» شخصیتی بود با عزت نفس و سخاوت طبع سیمایی داشت جذّاب، بیانی دلنشین و اخلاقی جمیل که با تمام معنا مخاطب خویش را جذب می کرد، خدایش او را غریق رحمت بگرداند.

وی در سال ۱۳۰۵ ه.ش در یک خانواده مذهبی در حصّه دوم بهسود چشم به جهان گشود، دوره تحصیلات مقدماتی را نزدیکی از اساتید فن بنام شیخ عزیزالله غزنوی در زادگاه خود سپری نمود و بعدها در کابل از محضر آیه... «حجت (ره)» سطوح عالیّه و دروس حوزه را فرا

گرفت تا اینکه در تاریخ ۱۳۵۷ با عده‌ای از علمای کابل دستگیر شد و هنوز از آنان خبری نیست<sup>(۱)</sup>.

۳- آیه‌ا... شیخ محمد امین افشار، در سال ۱۲۸۸ ه.ش در کابل زاده شد، پدرش که به شغل تجارت مشغول بود، در تمام نواحی افغانستان مخصوصاً دیار شیعه رفت و آمد می‌کرد، با علما و بزرگان آنان آشنا بود و رشتهٔ اخوت می‌بست، در همین راستا با یک تن از عالمان ورزیده و بنام «بلخاب» آشنا می‌گردد، فرزند ۱۲ ساله خود را که از هوش و استعداد عالی برخوردار بود، نزد «آیه‌ا... سید حسین عالمی بلخابی» می‌گذارد. مدتها آیه‌ا... افشار در مدرسه «عالمیه» بلخاب سپری نمود ولی پس از رحلت آیه‌ا... عالمی به زادگاه خود برگشته و نزد آیه‌ا... حجّت (ره) دروس سطح خود را به اتمام می‌رساند، بعد به قصد عروج و دست یافتن به مقامات بلند معنوی، آهنگ دیار نجف نموده و از نزد فرزاندگانی همچون آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ محمدحسین نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی دروس خارج حوزه را به پایان می‌رساند و از حلقه درس اخلاق آیه‌ا... قاضی که از اساتید بنام اخلاق و عرفان حوزه بود بهره جسته علم را توأم با عرفان عملی جلای دیگر می‌بخشد.

پس از کسب درجهٔ اجتهاد، عازم وطن گردید، در سفر بازگشت از عراق در تهران از او دعوت به عمل آمد تا در «مدرسه مروی» برای تدریس و تهذیب اخلاق طلاب بماند، ولی علامه افشار تشخیص داد که کابل برگردد، و وارد کابل گردید. سالها در کابل به تدریس علوم دینی و

۱- زندانیان روحانیت شیعه افغانستان، ص ۱۰۵.

خدمت به مردم مظلوم مشغول بود، آثار زیادی از او بجا مانده است از جمله:

- تقریرات درس آیه... آقا ضیاء عراقی (ره).

- تقریرات درس آیه... میرزای نائینی (ره).

- تقریرات درس آیه... سید ابوالحسن اصفهانی (ره).

- تقریرات درس اخلاق آیه... قاضی (ره).

- شرح و توضیحی بر «رسائل» شیخ انصاری و... .

بالآخره پس از کودتای هفت ثور شبانه به خانه آن عالم مجاهد هجوم آوردند و او را با خود بردند و سالهاست که از او و یارانش اطلاعی نداریم<sup>(۱)</sup>.

۴- شهید بینش<sup>(۲)</sup> و شهید مبلغ و صدها شهید خونین کفن دیگر:

استاد محمد اسماعیل مبلغ فرزند حاجی مسافر، متولد (۱۳۱۹ ش) از «قولی خویش بهسود»، که تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش آغاز کرد، و سپس راهی کابل شد و نزد علمای بزرگ آن شهر به تحصیل پرداخت و در اندک زمان علوم متداول در حوزه‌های روحانیت را فرا گرفت، و برخی از رشته‌های علمی را نزد علمای اهل سنت آموخت در علوم اسلامی، مخصوصاً در ادبیات عرب، منطق، فلسفه، کلام، جامعه شناسی، ادیان شناسی، تاریخ، جغرافیا، هیئت قدیم و جدید به مقام

۱- همان مدرک، ص ۵۷. البته بازماندگان آنها هنوز چشم براه هستند.  
۲- این شخصیت مبارز از یاران بلخی در زندان دهمزنگ در حالی جان داد که سرش در دامان شهید بلخی بود - از اینکه نگارنده اطلاعاتی بیشتری درباره وی نداشت، عذر می‌خواهد.

ارجمندی رسید. او به زبان انگلیسی و فرانسه، تا حد رفع نیاز آشنا بود و از کتبی که به این دو زبان نوشته شده بود، استفاده می‌کرد و آموختن زبان آلمانی را در این اواخر شروع کرده بود، که متأسفانه توسط رژیم مارکسیستی وقت دستگیر شد.

استاد مبلغ ادبیات عرب (نحو، معانی و بیان) منطق، اصول، فلسفه، اقتصاد اسلامی و نهج البلاغه را تدریس می‌کرد و مدتی هم استاد دانشگاه کابل بود. او علاوه بر احراز مقام علمی، سخنوری بود توانا و کم نظیر که سیل جمعیت از طبقات مختلف مخصوصاً قشر تحصیل کرده و روشنفکر، در مجالس سخنرانی او شرکت می‌کردند و از بیانات شیوا و مستدل و خطابه‌های آتشین و درسهای آموزنده و بیدارکننده او بهره‌ها می‌گرفتند.

شخصیتی چون او که مرجع آمال و آرزوی قشر جوان و تحصیل کرده بود، نمی‌توانست در برابر مسائل سیاسی جهان و کشورش بی تفاوت بماند، لذا در دوره دوازدهم (۱۳۴۴ - ۱۳۴۸) پارلمان، از سوی مردم بعنوان نماینده انتخاب شد و به مجلس راه یافت. و از منافع مردم و کشورش دفاع کرد و هرگز به لوایحی که به نفع خاندان شاهی و ضرر کشور بود، رأی مثبت نداد، به همین جهت از نظر رژیم افتاد و در دوره بعدی نتوانست به مجلس راه یابد، چون رژیم افراد چشم و گوش بسته را می‌خواست، نه انسانهای آگاه به مسائل سیاسی و کشورداری را.

مبلغ در زمان وکالتش، برای مداوا سفری به هند رفت و در دانشگاه علیگره به سخنرانی پرداخت که مورد استقبال پرشور دانشجویان این دانشگاه قرار گرفت و نیز مصاحبه‌هایی با برخی از

نشریات آن کشور انجام داد و به عنوان یک شخصیت بلند پایه علمی و سیاسی ظهور کرد.

سخنرانیهای او در محافل (که به مناسبت بزرگداشت جامی، بیرونی و... در داخل کشور برگزار می‌گردید). همه دانشمندان داخلی و خارجی شرکت کننده در آن محافل را تحت تأثیر قرار می‌داد و به او به عنوان یک چهره نوظهور علمی و یک استعداد خارق‌العاده می‌نگریستند.

استاد در سال ۱۳۵۵ یک سفری پنهانی به ایران نمود و از حوزه علمیه قم دیدن کرد، با مراجع تقلید، دانشمندان، نویسندگان بزرگ ایران و طلاب برجسته افغانی دیدارهایی داشت و مصمم بود که با دوست مبارزش شهید واحدی به لبنان (که کشور نسبتاً آزاد بود) بروند و یک تشکیلات سیاسی، اسلامی، فکری و فرهنگی را بر ضد رژیم خودکامه وقت افغانستان به وجود آورند. او می‌گفت: «فرصت اندک است و مارکسیستهای کشور در تلاش، اگر روشنفکران مسلمان دیرتر بجنبند، کشور به کام ملحدان و سرانجام روسها سقوط خواهد کرد و سرانجام چنین شد که استاد پیش‌بینی کرده بود.

مبلغ در همان سفر کوتاه و پنهانی که دو سه ماهی بیشتر طول نکشید از سوی «ساواک» ایران شناسایی شد و همراه شهید واحدی دستگیر شدند و شکنجه‌های بسیار سختی متحمل گردیدند. امالاب از لب نگشودند پس از دوران زندان که قریب ۴۰ روز طول کشید، استاد به افغانستان بازگردانده شد، چون ساواک می‌ترسید که اگر ایشان را بیشتر از آن در زندان نگه دارد، انعکاس بدی برای ایران خواهد داشت.

علامه مبلغ بعد از آن دیگر فرصت سفر به لبنان را نیافت و نتوانست که به خواسته‌های خویش جامه عمل بپوشاند، و در کابل بود تا کودتای هفت ثور بوقوع پیوست. از آنجا که عمر گل کوتاه است، استاد مبلغ به همراه برادرش در اواخر سال ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شدند و در ۴ عقرب ۱۳۵۸ ه.ش که لیست اسامی بیش از ۱۲ هزار شهید از سوی رژیم بیرون داده شد، اسم استاد و برادرش نیز در این لیست دیده شد.

او از دردها و عقب‌ماندگی‌های مردم رنج می‌برد، اما نتوانست آزاد فریاد بکشد و دردهای جامعه را آنطور که دلش می‌خواست بیان کند، چقدر سخت و مشکل است که انسان در جامعه خویش همزبان نیابد!

مبلغ کسی نبود که سربار جامعه باشد، به همین جهت در کنار آن همه مشغله‌های علمی، برای امرار معاش، به اشتراک دوست دیرینه‌اش حجت‌الاسلام یوسف امین، یک مغازه کتابفروشی باز کرد، به نام «کتابفروشی البیرونی» تا هم چرخ زندگی را بچرخاند و هم کمکی باشد به توسعه دانش و فرهنگ. او هیچ کتابی نمی‌فروخت مگر اینکه خود نسخه‌ای از آن را مطالعه کرده بود. این کتابفروشی مثل بقیه کتابفروشی‌های کابل بعد از روی کار آمدن رژیم مارکسیستی بسته شد (۱).

## \* علمای معاصر

از علمای معاصر کابل می‌توان به این دو شخصیت بزرگ و  
ارجمند اشاره نمود:

- ۱ - آیه... سید ابوالحسن فاضل (دام‌عزه) از رجال برجسته کابل که  
از شاگردان بلند مرتبه آیه... شهید صدر (ره) می‌باشد.  
ایشان از بدو سقوط دولت وابسته کابل وارد کابل شدند. و  
مدتهاست که در کنار مردم مظلوم به مسؤولیت بزرگ روحانیت و  
هدایت و رهبری مردم پایتخت جنگ زده به سر می‌برند.
- ۲ - آیه... شیخ قربانعلی محقق (دام‌عزه) از شخصیت‌های نیک‌نام  
و از مجتهدین فعلی جامعه تشیع در خارج از کشور به سر می‌برند.

## « بخش نهم »

### ✽ شاعران و مؤلفین شیعه

سرزمین تاریخی و پرخاطره کابل از دیرباز مهد ادیبان و شاعران و آشیانه مرغان خوش الحان بوده است، شاعران و ادیبانی که هر کدام شمع محفل ادب و ادب دوستان محافل ادبی در خاور زمین بحساب می آمده است و هنوز هم ترنم آوای چهچه مرغان سحری به گوش می رسد و لذت نوای شیرین آنان از یاد و خاطره ها نرفته است و از میان آن همه شاعر دردمند و دلسوز شیعه، اندکی در دفتر خاطره و حافظه روزگار باقی مانده است و گرنه مکتب حماسی حسینی شاعرانی زیاد تربیت نموده که مورخان و نویسندگان حسود آن دیار از بردن نام و ذکر خاطره آنان وحشت داشته اند و اینها همه از قبیله نور بودند و از نور سخن می گفتند، نه همانند مزد بگیران دربار که از نعمت سخن می رانند که سروده های آنان به مفت هم ارزش نداشت.

در این مقال به ذکر چند تن از شاعران قبیله نور و سپس شاعران دیار کابل اشاره می گردد:

## ۱- سید محمد بلبل

گفته شد بلبل افزون بر اینکه خطیب و مبلغ ورزیده کابل بحساب می‌آمد، شاعری بوده دردمند و نویسنده‌ای توانا، که اینک فصلی از خاطرات زندگی او را می‌خوانیم:

## ❁ سبک شعر بلبل

سبک شعری بلبل عمدتاً خراسانی است، ولی رگه‌هایی از سبک عراقی نیز در اشعار او دیده می‌شود.

شعر بلبل زمانی به اوج و هنر شعری می‌رسید که شعرای دری زبان افغانستان با انگیزه‌های موهوم و یا برپایه ذوق ملی، یک نوع تعصب ویژه‌ای نسبت به تقلید از سبک هندی نشان می‌دادند و به اقتضای کلام ابوالمعالی (بیدل) و صائب تبریزی شعر می‌سرودند، بی‌آنکه شعر آنان تب التهاب و رنج مردم رنج‌دیده و عطش غرب‌گرایی و غریزدگی سران کشور را هدف قرار دهد، سروده‌هایی از خود بیرون می‌دادند، ولی بلبل همه را دعوت به شعری که از شعور سرچشمه گرفته باشد نمود.

بطور خلاصه، شعری سلیس و روان، معنایش بکر و مطالبش عام فهم بوده و حتی در تنگنای قافیه نیز، هنر نمایی استادانه خود را به نمایش گذارده است.

بهر صورت بلبل با توجه به اشعاری که از او بیادگار مانده است، می‌تواند یکی از چهره‌های درخشان ادبیات شیعی در قرن ۱۴ هجری باشد، در اشعار وی اصطلاحات معمولی فارسی دری مردم کابل را بسیار

می‌توان دریافت، این احتمال وجود دارد که بلبل برای مردمی شدن اشعارش آگاهانه این کار را کرده باشد.

بلبل تا در قید حیات بود، هرگز نخواست که مجموعه سروده‌هایش را تدوین کنند، زیرا شرایط استبداد و ضد اسلامی حاکم بر جامعه افغانستان از یک طرف، و محدود بودن دایره سواد و خواندن مردم از طرف دیگر، باعث گردیده بود تا اشعارش سینه به سینه نقل محافل گردد. اینک در حد گنجایش این دفتر اشعاری از سروده‌های او را زینت بخش این صفحات می‌کنیم:

#### شب‌نم لطف

ای نام همایونت سردفتر عنوانها  
 وصف تو نمی‌گنجد در دفتر و دیوانها  
 در کشور هفت اقلیم، طومار پریشانی است  
 بی‌لایحه حمدت، تعلیقه فرمانها  
 از ابجد نام تو دارند بکف سرمشق  
 در مدرسه تشویق اطفال دبستانها  
 از قوت و عون تو در مویه بود دائم  
 از واهمه مردان شیران به نیستانها  
 گاهی به گدابخشی از لطف شهنشاهی  
 گاهی به غضب‌گیری تاج از سر سلطانها  
 کس را نبود آن حد کز حکم تو سرپیچد  
 پیش تو بود بر خاک پریشانی اعیانها

و ز خاک برویی گل وز سنگ بر آری لعل  
 وز رگ رگ خون آری شیر، از دم پستانها  
 بی شائبه اُلفت همچون الف اُلفت  
 پیدا شده از لطف سر و قد انسانها  
 بر وحدت تو این بس کز شبنم لطف تو  
 سیراب در این گلشن گلهای گلستانها<sup>(۱)</sup>

دیگر سخنوران گمنام قبیله نور عبارتند از:

- مسکین کابلی که از عارفان و شاعران نامی قرن ۱۳ هجری بود<sup>(۲)</sup>.

- مرحوم استاد حاج ذکا مداح اهل بیت.

- مرحوم سیدابراهیم عالمشاهی از حقوقدانان و نویسندگان معروف کابل.

- مرحوم اسود کابلی، که دیوانی از او باقی مانده است.

- ثاقب.

- محسن.

- عسکر.

- احمد شیدا.

- شامل.

- ذاکر.

- شیون.

۱ - مجموعه اشعار بلبل، ص ۳۸.

۲ - تاریخ افغانستان، عبدالحی حبیبی، ص ۳۱۹، ص ۳۶۷.

- محمود.

- شهاب.

- وفایی.

- سلطان.

- سردار خوشدل، پسر عموی عبدالرحمن خان که مدت‌ها نابینا بود و بواسطه توسلی که به حضرت ابوالفضل علیه السلام نمود، بینایی خور را بدست آورد و در حلقه اهل امامت و ولایت درآمد، اشعار زیبایی در مدح و منقبت آل محمد سروده است.

- بهلول نگاه.

- واصل فرزند آیه... ناصر.

- سرور دهقان مدّاح اهل بیت. از جمله شعرایی است که پس از عمری، افتخار تشرّف به تشیع پیدا می‌کند.

- حجة الاسلام خادم حسین بیانی. این شعر در وصف کابل از

اوست:

### خوشاکابل

خوشا کابل، خوشا آب و هوایش  
 خوشا پغمان و باغ باصفایش  
 خوشا بابر، خوشا دارالامانش  
 ز آسبیش نگه دارد خدایش  
 به هر جا می‌گذارم پای خود را  
 دل من می‌طپد هر دم برایش

سرو جانم بقربان وطن باد  
 هزاران همچو من بادا فدایش  
 وفا و غیرت از خاکش بروید  
 صفا و صدق بارد از سمایش  
 ز بوی عشق و آزادی معطر  
 زمین و آسمان و هم فضایش  
 نهال حسن روید از زمینش  
 گشاید عقده از دل دلگشایش  
 شهید راه آزادی در آنجا  
 نخواهد از خدایش جز خدایش  
 خدایا کور گردانی کسی را  
 که در آن مرز و بوم آید جفایش  
 نگه دارد خدا شاداب و خرم  
 ازین دم تا به ایام لقایش  
 شکسته باد دست ظلم کیشان  
 همیشه مرتفع بادا لوایش  
 بود آبش بسان زهر مهلک  
 به حلق آنکه بد خواهد برایش  
 شکسته سر تجاوزگر روان شد  
 دل پر غم شکسته بالهایش  
 خجالت بار و چشمش اشک ریزان  
 دهان پر ز الامان دیده سزایش

سوی مسکو به تن داغ هزیمت  
 خزیدند جمله اندر لانه‌هایش  
 بیانی بلبل آن باغ باشد  
 که در صبح و مسا آید نوایش<sup>(۱)</sup>

متأسفانه اکثر شعرای شیعه‌مذهب کابل ناشناخته و گمنام از دنیا رفته‌اند و از آنان نه نامی و نه نشانی باقی مانده است<sup>(۲)</sup>.

## ۲- مؤلفین

- ۱ - آیه‌الله حیدرقلی خان، سردار کابلی از تألیفات ایشان: ترجمه انجیل برنابا، الدرّ النثیر، غایة التّعدیل، قبله شناسی، مناظرات و...  
 ۲ - خواجه مستان شاه.
- ۳ - علیرضا فرزند طالب، از جمله تألیفات ایشان: منظومه فی الکلام، منظومه فی الصرف، ارجوزة فی المنطق می باشد.
- ۴ - علیرضا فرزند محمد، از تألیفات اوست: «التّحفة الغریّة».
- ۵ - محمدشریف فرزند محمدکاظم حائری از تألیفات اوست (قوت لایموت).
- ۶ - نوروز علی فرزند جوانشیر صاحب «مجالس الطریق»<sup>(۳)</sup>.
- ۷ - زاهد بن محمد هروی کابلی.
- ۸ - سعدالدین بن عبدالرحمن.

۱ - مجله فرهنگ... / سال اول / شماره اول / ۳۰.

۲ - به نقل از حجج اسلام شیخزاده کابلی و آقای نوری.

۳ - معجم مؤلفی الشیعه، علی الفاضل القائینی النجفی، جمادی الثانی ۱۴۰۵، ص ۳۲۹.

۹ - شیخ ابوتراب کابلی (۱).

۱۰ - علی بن مجاهد رازی (۲).

۱۱ - هارون بن ابی خالد کابلی (۳)

از جمله نویسندگان و مؤلفین معاصر می‌توان به این عده اشاره

نمود:

۱ - مرحوم سید علی اصغر شعاع از نویسندگان نامی و جزو هیئت نویسندگان «دائرةالمعارف آریانا»، آثاری از او باقی مانده از جمله ترجمه: کتاب «اصل الشیعة و اصولها» تألیف مرحوم علامه «محمد حسین کاشف الغطا(ره)» که ایشان این کتاب را قبل از آیه... ناصر مکارم شیرازی (دام عزه) به فارسی ترجمه نموده بوده‌اند\*.

مرحوم شعاع گذشته از فن نویسندگی، سخنور ماهر و مبارز شجاعی بود، که سرانجام در زندان دهمزنگ کابل در حالی که سرش به دامن علامه شهید بلخی بود بدرود حیات گفت.

۲ - مرحوم اسماعیل مبلغ، دانشمند معروف و نویسنده زبر دست و سخنور توانایی بود که در جمع نویسندگان «دائرةالمعارف افغانستان» نقش اساسی را ایفا می‌کرد. و از او آثاری باقی مانده است.

۳ - مرحوم علی اصغر بشیر هروی، روزنامه‌نگار معروف و مدیر مسؤول هفته‌نامه «طنز» و «ترجمان» کابل بود. به علاوه با علوم غریبه

۱ - شریف التواریخ، ص ۱۰۸۵.

۲ - معجم مؤلفین، عمرگی‌له - چاپ بیروت ج ۱۵ ص ۱۵۳.

۳ - رجال طوس، ص ۳۲۹.

\* - ترجمه ایشان چاپ نشده است.

آشنا و در علم نجوم صاحب نظر بوده که سالیان دراز تقویم کشور را او استخراج می کرد. اخیراً در کشور اسلامی ایران بدرود حیات گفت\*.

۴ - مایل هروی که هم اکنون در مشهد مقدس جزو محققین آستان مقدس رضوی علیه السلام است و از وی آثار بسیار بلند و ارزشمندی ارائه شده است.

۵ - مرحوم طالب قندهاری، شاعری زیر دست و نویسنده پخته و بلند مرتبه ای بود که بعضاً آثار او به چاپ رسیده است چند سال قبل در مشهد وفات کرد.

۶ - دکتر سیدحسین هدی، تا پانزده سال پیش در کابل روزنامه نگاری می کرد.

۷ - مرحوم ملا فیض محمد کاتب از پیش کسوتان مورخین شیعه و از نویسندگان رسمی در کابل بود و از ایشان آثاری بس ارزشمند باقی مانده است از جمله «سراج التواریخ».

۸ - استاد محمدحسین نهضت، استاد دانشکده ادبیات کابل و از معاصران علامه بزرگوار سیداسماعیل بلخی (ره) بودند.

۹ - محمد آصف فکرت و... (۱)

### ۳ - شاعران دیار

۱ - مرحوم استاد خلیل الله خلیلی، سخنور معروف و شاعر پرآوازه قرن معاصر افغانستان که در سال ۱۲۵۸ ه.ش در کابل دیده به

\* - به نقل از آقای نوری.

۱ - به نقل از آقای نوری.

جهان گشود و در هفت سالگی مادر را از دست داد و هنوز یازده بهار از عمرش نگذشته بود که پدرش اعدام گردید.

وی از ۱۳۰۸ تا ۱۳۵۷ در مقامهای متفاوت فرهنگی و اجتماعی مشغول کار بود و سرانجام بدنبال کودتای کمونیستی با ترک سفارت «عراق»، به «پاکستان» مهاجرت نمود و در کنار دیگر آوارگان بی پناه مسکن گزید.

استاد بعد از ده سال هجران و جدائی در سال ۱۳۶۶ برای همیشه دیده از جهان فرو بست و در تنگه «خیبر» بخاک سپرده شد، از وی آثار زیادی باقی مانده است و تعدادی از آنها در کابل و تهران بچاپ رسیده است.

استاد خلیل الله شاعری بوده دردمند که در همه احوال همدل و همداستان ملت مظلوم و ستمدیده بود و به مناسبت های مختلف دردها و رنجهای آن ملت را به تصویر کشیده است که اینک سوز و درد هجران و آوارگی ملت تحت ستم آن دیار را از زبان او می شنویم:

### نوروز آوارگان

گویند به نوروز که امسال نیاید  
در کشور خونین کفن ره نگشاید  
بلبل به چمن نغمه شادی نسراید  
ماتمزدگان را لب پر خنده نشاید  
خون می دمد از خاک شهیدان وطن وای  
ای وای وطن وای

گلگون کفن را چه بهار و چه زمستان  
 خونین جگران را چه بیابان چه گلستان  
 در کشور آتش زده، در خانه ویران  
 کس نیست زند بوسه به رخسار یتیمان  
 کس نیست که دوزد به تن مرده کفن وای  
 ای وای وطن وای  
 از سینه هر سنگ تو خون می‌دمد امروز  
 از خاک تو مستی و جنون می‌دمد امروز  
 آن لاله چه دیده که نگون می‌دمد امروز  
 و آن سبزه چرا زرد و زبون می‌دمد امروز  
 سرخ است بخون پاوسر سرو و سمن وای  
 ای وای وطن وای (۱) ...

### ❁ پیغام به ملت ایران

باز هم همین شاعر آزاده و دردمند در سال ۱۳۶۰ از بناگوش  
 «شیطان بزرگ» آمریکا پیام بلندی به ملت بزرگ ایران اهدا می‌کند:

به پیشگاه تو ای ملت خجسته سلام  
 ز ملتی که شده صبح روشنش چون شام  
 سلام کشور آتش گرفته محروم  
 سلام ملت در خون طپیده ناکام

سلام ملت افغان که می‌شود هر روز  
 بخون فجایع آن ثبت دفتر ایام  
 سلام ملت ایران که می‌رسد هر شب  
 صدای وی به فراز سپهر مینا فام  
 سلام ملت همدرد و همدل و هم کیش  
 شریک شادی و انباز محنت و آلام  
 دو ملتی همه دل رهسپر به یک آیین  
 دو کشوری همه جان مفتخر به یک اسلام  
 دو شاخه‌ای که بر آورده سر ز یک گلشن  
 دو بازویی که بود متصل به یک اندام  
 پیام خانهٔ همسایه چون فتد آتش  
 بحکم کیش و خرد خواب غفلت است حرام  
 کنون بخانه ما شعله‌های آتش بین  
 که دود آن به فراز فلک گرفته مقام  
 به موجهای «هریرود» و «هیرمند» نگر  
 که سرخ گشته بخون ارامل و ایام  
 به ابرهای سیه بین که مرگ می‌بارد  
 به جای دانهٔ باران به هر درو هر بام  
 به مادران ستمدیده بین که می‌بینند  
 گلوی کودکشان زیر تیغ خون آشام  
 به شهرشهر نگر جوی جوی خون شهید  
 به دشت دشت نگر پشته، پشته از اجسام

بین به آبله پایان شیر صولت ما  
 که از نبرد ندارند یک نفس آرام  
 برهنه پای تهیدست را مگر که چسان  
 کند ستیز به آن قدرت گسسته لگام<sup>(۱)</sup>

۲- ضیاءالدین محمود کابلی، صاحب ریاض الشعراء، این بیت

شعر از اوست:

چشمم ز تو خون گریست، حیرانش کن  
 دانسته به زهرخند، گریانش کن

۳- شکسته کابلی، این چند بیت از یک غزل اوست:

هوای صبحگاهی ساغر سرشار می خواهد  
 سواد سرمه شب دیده بیدار می خواهد  
 به امیدی که در کویت بسان سایه ره یابم  
 تنم بسیار می کاهد دلم بسیار می خواهد  
 شکست شیشه دل را نمی دانم چسان سازم  
 تورا آینه می باید، دلم دلدار می خواهد

۴- میر عزتی کابلی، این بیت زیبا از اوست:

لعل جان بخش تو جانان قصد جانم می کند  
 چشم بیمار تو هر دم ناتوانم می کند<sup>(۲)</sup>

۵- خانی کابلی، این بیت از او به یادگار مانده است:

۱- افغان نامه، دکتر افشار یزدی ۱۳۵۹، ج ۳، ص ۱۴.

۲- افغانستان - انجمن آریا (دائرة المعارف) به قلم جمعی از نویسندگان، ص ۲۳۵.

اگر به یار من از من کسی دعا برساند  
دعا کنم که خدایش به مدعا برساند (۱).

۶ - غیوری کابلی، این رباعی زیبا از این شاعر زنده دل است:

دیری است دلا جهان پرستی، چه شدی؟  
بس طرف به مال و جاه بستی، چه شدی؟  
از صحبت خلق رو به تنهایی کن  
عمری به جهانیان نشست، چه شدی؟  
۷ - فراقی کابلی، این دو بیت از اوست:

در جهان باز حدیث من بدنام افتاد  
وین حکایت چو زبان در دهن عام افتاد  
دورم از یار خودم بار خدایا مددی  
که دیگر بار مرا کار به پیغام افتاد (۲).

۸ - سروری کابلی، از شعرای قرن یازدهم، و از امرای

جهانگیرخان در کابل بود و مدتی اداره شهر را به عهده داشت جهانگیر  
می خواست که این شاعر در دربار او بماند، ولی ناچار عازم هندوستان  
گردید. این بیتها از اوست:

صحرائشین از سیل حذر کن که آستین  
پر کرده ام ز گریه افسرده می روم  
تا نیایی در گلستان و نیایی در چمن  
چشم بلبل کی شود بیدار و بخت باغبان

۱ - همان مدرک، ص ۲۶۰، ص ۲۷۳.

۲ - همان مدرک، ص ۲۶۰، ص ۲۷۳.

۹ - دیری کابلی، مدتها به دربار شاهزاده پرویز، پسر جهانگیر

خان بود، این ابیات از اوست:

باغ را پیرایه نو شد گل به سلطانی نشست  
 بلبل خوش نغمه بر شاخ شنا خوانی نشست  
 لشکر گل خیمه زد در باغ و آمد وقت آن  
 کز فغان بلبلان در خانه نتوانی نشست<sup>(۱)</sup>

۱۰ - بوسعید کابلی، به سال ۱۱۹۸ ه. ق، در تنگی سیدان

چهاردهی کابل دیده به جهان گشود، چندی امامت یکی از مساجد محل را به عهده داشت، پس از مدتی به هند رفت، دوباره به کابل آمد، در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۲۸۴ ه. ق زندگی را وداع گفت. دیوانی از او در کتابخانه «افندی» کابل و کتابخانه مطبوعات موجود است که دارای پنج هزار بیت و شامل رباعیات و غزلیات متعددی است. این رباعی از اوست:

ای چشم تو غارتگر دین و دل من  
 خال تو نشسته در کمین دل من  
 از گلشن روی تو برون شد خط سبز  
 جز مهر نروید ز زمین دل من

۱۱ - علی کابلی، مدتها در خطه سبز و شعر آفرین شیراز

سکونت کرده و سالها در محضر میرزا قلی خان شیرازی بوده، این بیت از

اوست:

افتادن و برخاستن باده پرستان  
در مذهب رندان خرابات نماز است<sup>(۱)</sup>

۱۲ - وصفی کابلی، اسم او علی نقی از شعرای قرن ۱۳ هجری و صاحب دیوان بزرگی است که حاوی اشعار زیبا و لطیف است و هم اکنون یک نسخه آن در موزه کابل نگهداری می‌گردد<sup>(۲)</sup>.

۱۳ - الفت کابلی، از سادات محترم کابل بود. وی در سال ۱۲۲۴ ه. ق در کابل متولد شد. نزد اساتید فن تحصیل نمود و از او دیوانی باقی مانده است.

#### ✽ زنان شاعره

۱۴ - آمنه فدوی، دختر سردار نورمحمدخان کابلی، به سال ۱۲۷۶ ه. ش در کابل به دنیا آمد، نزد پدر و استادان بزرگ کابل علوم اسلامی را به اندک فرصت آموخت و در تفسیر و حدیث مهارت زیاد پیدا نمود، در ادبیات فارسی ذوق سرشاری داشت. وی زنی بود عقیفه و پرهیزگار؛ دو بار به زیارت خانه خدا مشرف گردید، در آخرین سفرش سال ۱۳۳۰ ه. ش پس از زیارت «بیت المقدس» در اثر واژگون شدن ماشین به رحمت خدا پیوست. این دو بیت از اوست:

تا نظر در چمن وضع جهان وا کردم  
قسمتی بود که بر دیده بینا کردم  
نه چمن رنگ وفا داشت نه گل بوی بقا  
حیرت آلوده به هر سو که تماشا کردم!

۱ - همان مدرک، ص ۳۱۸.

۲ - همان مدرک، ص ۳۱۹ و ۳۲۳.

۱۵ - حلیمه، فرزند میر عتیق‌الله از بستگان میر واعظ کابلی است که در سال ۱۲۸۰ در «بارانه» کابل متولد شد، زنی فاضله و عالمه بوده. این ابیات از اوست:

از برای خدا بلند کنید	بر سر خود لوای استقلال
باد شیرین، دهان ملت ما	یا رب از میوه‌های استقلال
می‌کشم بعد از این بدیده خود	سرمه از خاک پای استقلال <sup>(۱)</sup>

۱ - افغانستان (انجمن آریانا) جمعی از نویسندگان، صفحات ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۵۵، ۳۵۷.



## « بخش دهم »

### ✽ آرامگاه و آثار تاریخی مذهبی

شاخصه‌های دینی و آثار مذهبی در تمام شئون زندگی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام ریشه دوانیده است، تا جایی که ریشه‌های اوهام و خرافات جاهلی را از اعماق عقاید و پندارهای آنان برکنده و به دور افکنده است.

امروز در فرهنگ شیعیان آن دیار، شعایر و مراسم ثابت مذهبی در جزئی‌ترین مورد زندگی آنان نیز دخالت می‌کند.

شیعیان چنان مجذوب حقایق مذهب شده‌اند که هر اتفاق و حادثه‌ای آنان را به سوی مظاهری که ریشه در مذهب دارد، می‌کشاند. یکی از آن مظاهر مذهبی «آرامگاهها» و تربت پاک امامان معصوم علیهم‌السلام و فرزندان آنان است.

هر شیعه در عمرش آرزو دارد یک بار هم که شده، قبور آنان را در آغوش گیرد، لذاست که در طی قرنهای متمادی کاروانهای زیارتی به قصد اماکن مقدسه بسوی دیار خراسان، عراق و مدینه رحل سفر

می‌بسته‌اند و پس از پیمودن فرسنگها راه که ماهها به طول می‌انجامید، خود را به آن آستان می‌رساندند. البته این دلبستگی تنها خصوصیت آنان نیست، ولی حکایتگر علاقه خاص آن دسته از شیعیان محروم و مظلوم می‌باشد.

همینطور همه ساله به مناسبت‌های مختلف، مردم آن سرزمین از قبور امامزادگان و منسوبین به خاندان پیامبر در مناطق خود زیارت به عمل می‌آورند و هر کس به اندازه قدرت و توان مالی خود به سر مزار کبوتران مهاجر جمعی را پذیرایی می‌کنند، از جمله زیارتگاههای مهم در افغانستان عبارتند از:

۱ - تربت پاک امامزاده شهید یحیی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام در ولایت سرپل افغانستان.

۲ - علی بن ابیطالب از نوادگان امام چهارم علیه السلام معروف به «مزار سخی».

۳ - قبر امامزاده قاسم در هرات

در سایر ولایات افغانستان نیز امامزادگانی هستند و این اماکن

مقدسه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱ - مزار امامزادگان و سادات عالی مقام.

۲ - تربت علمای بزرگ شیعه.

۳ - قبور شهدای اسلام<sup>(۱)</sup>.

۱ - ذکر این نکته خالی از لطف نیست که بعضی از زیارتگاهها ساختگی، مجهول و مربوط به آثار باستانی می‌باشد و مردم عادی را بخود جلب می‌نماید، تا جایی که رنگ تقدس به آنان داده‌اند، مثلاً در بسیاری از مناطق سنگها و بعضاً درختان کهن

## زیارتگاههای کابل

### ۱ - مزار سید جمال الدین (ره)

سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی، فرزند سید صفدر از احفاد و اولاد محدث مشهور «سید علی ترمذی» و از تبار کاروان سالار عشق امام حسین علیه السلام می باشد، سید به سال ۱۲۴۵ ه. ش در اسدآباد همدان در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشود پس از تحصیلات عالی و مسافرت به کشورهای اسلام با سران مستبد کشورهای اسلامی و با استعمارگران وقت بالاخص انگلیس به مبارزه برخاست و در راه بیداری مسلمانان کوشید.

بالأخره پس از عمری تلاش، در پنجم شوال ۱۳۱۴ در اسلامبول مرکز حکومت عثمانی، غریبانه بطور مشکوک درگذشت و همانجا دفن شد\*. ولی با اصرار دولت افغانستان، استخوانهای سید را در ۲۲ آبان ۱۳۲۳ از مسیر عراق به لاهور و از مرز «ترخوم» به کابل انتقال دادند. پس از تشریفات رسمی با حضور مردم کابل، علما و سفرای کشورهای اسلامی در دهم بهمن ۱۳۲۳ در دامنه علی آباد کابل بخاک سپرده شد (۱).

---

سال جامه تقدس و طومار تقرب بخود بسته اند که هیچ گونه پایه و مایه مذهبی و تاریخی ندارند!

\* - در گورستان «شیخلر مزارلیغی».

۱ - مزارات کابل، محمد ابراهیم خلیل، چاپ ۱۳۳۹ کابل، ص ۲۲۹.

## ۲- آرامگاه بلخی (ره)

آرامگاه علامه سیداسماعیل بلخی از پیشگامان نهضت روحانیت شیعه در افغانستان. در دامنه کوه افشار واقع شده است. شهید بلخی در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۴۷ شمسی در بیمارستان علی آباد کابل بطور مشکوک دار فانی را وداع گفت در لوحه سنگ تربت او این ابیات از خود وی، زائرین قبر و رهروان راه او را به تأمل و تفکر عمیق فرامی خوانند:

ما جان به فنا دادیم تا زنده شما باشید  
 بر خاک مزار مادام به دعا باشید  
 یک روز اگر آید بر خاک مزار ما  
 قرآن خدا خوانید دائم به ثنا باشید  
 از پیچ و شکنج دهر نومید نباید شد  
 مردانه در این وادی با شور و نوا باشید  
 با خرد و بزرگ قوم از مهر چنین گویند  
 با سید «بلخایی» دائم به وفا باشید<sup>(۱)</sup>

۱- برای تفصیل بیشتر به زندگی بلخی به قلم نگارنده، مراجعه کنید.

## ۳- مزار بلبل

تربت این خطیب توانا و شاعر زبردست در قبرستان مرکز شهر، شمع محفل اهل قبور و شفاخانه این دیار است.

## ۴- مزار سید مرد

این بارگاه مجلل در نزدیک محله قدیمی چنداول، در دامنه کوه بلند و استوار شیر دروازه قرار گرفته است که پناهگاه دردمندان است.

## ۵- زیارت سخی

این بارگاه نورانی با گنبد سبز رنگ در دامنه غربی کوه آسمایی و در قسمت شرقی جمال مینه واقع شده است.

می‌گویند: اینجا همان مکانی است که در عصر احمدشاه با ما یکی از شاهان افغانستان «عبای» منسوب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از بخارا به قصد انتقال به قندهار\* چند شبی در این محل گذاشتند و از آن تاریخ به بعد جامه تقدس پوشیده و معروف به قدمگاه سخی است، در جوار همین بارگاه قبور چندی از علمای کابل به چشم می‌خورد، از جمله: تربت مبارک عالم ربّانی آیه... میرعلی احمد حجت (ره) و فرزند ایشان<sup>(۱)</sup>.

\* - هم‌اکنون آن عبا در قندهار نگهداری می‌شود، بارگاهی است بنام «خرقه شریف».

۱ - راهنمای کابل، ص ۱۰۰ و به نقل از علمای کابل.

**۶- مزار پیر بلند**

پیر بلند یکی از مردان خدا که سالیان قبل به رحمت حق پیوسته بود در این محله آرمیده است. در عصر ظاهرشاهی می خواستند قبر او را تخریب کنند و جزو جاده عمومی قرار دهند، ولی حادثه خارق العاده که همه را به تعجب و حیرت انداخته بود، دولت را مانع از تخریب تربت او نمود! گویند: لودرهای گول پیکری مأموریت پیدا کردند تا آرامگاه او را از سر راه بردارند، ولی هر چه کوشیدند کار بجایی نرسید! با روحیه خرد شده و سیمای خجالت زده صحنه را ترک گفتند و هم اکنون قبر این پیر خردمند در کنار هتل معروف کابل زیارتگاه عام و خاص است.

**۷- زیارت ۱۲ امام**

این بارگاه روحانی در قسمت چهارده دارالامان، زائرین زیادی را بخود متوجه ساخته و سالهاست که مردم حاجت و مراد خود را از آن مزار می گیرند.

**۸- شهدای صالحین**

از جمله شهدای صدر اسلام «ابورفاعه» از یاران پیامبر اسلام بود که به سال ۳۶ هجری در فتح کابل حضور داشته و سالها در این سرزمین به سر برده، تا اینکه در سال ۴۴ هجری با جمعی دیگر از سربازان اسلام شربت شهادت نوشید و هم اکنون محل تربت او بنام قبرستان شهدای صالحین معروف است، این مزار در قسمت جنوبی شهر و در دامنه کوه

باصفا و ارغوان زاری قرار گرفته که در بدو ورود این زائر مستمند را  
جلب نظر می‌دارد:

این مرقد منیف که با عرش همسر است  
وین روضه شریف که با خلد همبر است  
این خوشنما مقام که ارباب حال را  
شوقش فزونتر از چمن قدس در سراسر است<sup>(۱)</sup>

#### ۹- قدمگاه خضر(ع)

این جایگاه زیبا و دیدنی که مشهور به قدمگاه حضرت خضر علیهِ السَّلَام  
است، در کنار چشمه آبی شیرین و گوارا واقع شده است و بر روی تخته  
سنگی که در جوار چشمه قرار دارد این اشعار به چشم می‌خورد:  
کهکشان گاه کاهلش در پشت چون غریبان ز قریه پیدا شد  
بهر نقاشیش عطارد نیز با دوات و قلم سراز پا شد<sup>(۲)</sup>

#### ۱۰- مزار سید جلال

در قسمت پایانی قدمگاه خضر علیهِ السَّلَام زیارتگاهی به نام «مزار  
سید جلال» قرار دارد که نسب او به «شاه حسن الحسینی بغدادی» (متوفی  
۱۷ شوال ۱۱۹۶)<sup>(۳)</sup> می‌رسد.

۱- همان مدرک ص ۱ و ۷.

۲- همان مدرک، ص ۳۰.

۳- ص ۳۲.

## ۱۱- زیارت جانباز

مرقدی است که به خواجه «شمس‌الدین» منسوب و به زیارت «جانباز بلاگردان» معروف می‌باشد، در سرلوحه سنگ او این شعر حک شده است:

رفت مهر علی ز دار فنا رخت بر بست سوی ملک بقا  
بود دائم بذکر حق مشغول زان سبب یافت منزلت ز خدا<sup>(۱)</sup>

## ۱۲- زیارت پنجه‌شاه

این بارگاه در دامنه کوه با صفا و زیبایی قرار دارد که در محوطه داخلی این مزار قبوری به این نام و نشان به چشم می‌خورد:

- بی‌بی مرجان (متوفی ۹۸۰ هـ.)

- خواجه درویش فرزند خواجه سعدالدین خراسانی (متوفی ۹۱۱ هـ.)

(.۵)

- فاطمه بنت خواجه صدرالدین متوفی (۹۱۰ هـ.)<sup>(۲)</sup>

## ۱۳- تربت بی‌بی فاطمه

قبر «بی‌بی فاطمه» که وی یکی از زنان شاعره و عالمه کابل و در عفت و عصمت پیرو بانوی اسلام حضرت فاطمه (س) بود، این دو بیت را به او نسبت داده‌اند:

۱- ص ۳۳.

۲- همان مدرک ص ۴۰.

خداوند از دست نفس و شیطان به عصیان، روزگارش شد به پایان  
کنون در مانده و حیران و زارم ز رحمت دستگیرم شو بنفران  
یکی از شعرای کابل این ابیات را در سوگ بی بی فاطمه سروده  
است:

آه بی بی فاطمه رفت از جهان با کمال عصمت و دین پروری  
داشت اندر فقر و تقوا شغل بس بود در جمع زنانش مهتری  
شافعی یارب به روز حشر کن حضرت زهرا (س) که یابد برتری<sup>(۱)</sup>

#### ۱۴- زیارت چهارده معصوم علیهم السلام

این بارگاه کهن و تاریخی در گوشه‌ای از کابل در غربت جانکاهی  
بسر می‌برد که سالهاست به تعمیر و آرایش این اثر تاریخی اقدام نشده  
است، هم‌اکنون از آن فقط آثاری بچشم می‌خورد. در میان حجره‌های  
مخروبه و پنجره‌های مشبک مانند سینه صورت قبر گنبد نما بازره‌های  
چوبی بیننده را بخود می‌کشاند، این سه قبر در کنار هم افتاده‌اند، بر  
سنگهای روی قبور این اسامی دیده می‌شد:

- سید صالح بن امام موسی کاظم علیه السلام

- سید علی اصغر معصوم فرزند امام محمد باقر علیه السلام

- قبری از فرزندان امام چهارم علیه السلام و قبری بنام جمال...<sup>(۲)</sup>

۱- همان مدرک، ص ۵۵.

۲- ص ۶۶.

## ۱۵- قبر شاه طاووس

در نزدیکی زیارت چهارده معصوم، قبری است به نام شاه طهماسب خجندی مشهور به شاه طاووس که اطراف او را درختانی چند پوشانده است و در یک قسمت این بارگاه مسجدی قدیمی و تاریخی هست (۱).

## ۱۶- زیارت شاه شهید

بارگاهی است که در نزدیک «پل مستان» و میدان «چمن حضوری» کابل واقع شده است، گویند: این قبر منسوب است به «شاه ابواسحاق ختلانی» که در یکی از نبردها با کفار به شهادت رسیده است، در کنار این بارگاه مسجدی هست تاریخی و دیدنی که از شاهکارهای عصر «احمدشاه باب» به یادگار مانده است (۲).

## ۱۷- شاه همدان

این مرقد منسوب به یکی از شاگردان «میرسیدعلی همدانی (ره)» است که مدتها در کابل و پغمان زندگی کرده بود و هم اکنون این قبر در قریه «زنده بانان» قرار دارد.

---

۱- همان مدرک، ص ۶۷.

۲- ص ۷۰.

## ۱۸- مردان غیب

گویند این بارگاه مربوط است به برادرانی بنامهای: خواجه زنبور، خواجه چاشت، خواجه نماز و خواجه مسافر، که از مردان و بزرگان شهر بوده‌اند. در قسمت شمالی «تپه مرنجان» قرار دارد. ابتدا با این بیت زائر خسته را استقبال می‌کند:

ای اهل دل که می‌گذری بر مزار ما  
آخر به باغ عمر خزان شد بهار ما<sup>(۱)</sup>

## ۱۹- زیارت عاشقان و عارفان

مقبره دو تن از عارفان به نام روزگار، «خواجه عبدالسلام» و «خواجه عبدالصمد» است که هر دو از فرزندان «خواجه جابر» پسر «شیخ الاسلام» معروف به «پیر هرات» می‌باشند، در قسمت جنوبی شهر نزدیک کوه شیر دروازه به این نام و نشان شهرت دارد<sup>(۲)</sup>.

## ۲۰- تربت «شیخ محمدرضا»

این مرد یکی از علمای ذوفنون شیعه مذهب و صاحب کمال بود و از وی آثار و تألیفاتی باقی مانده است:

۱- تقویم که ساعات و ایام را در طول چندین سال نشان می‌دهد.

۲- کتابی بنام «نزهة الالواح».

۱- همان مدرک، ص ۸۴ و ۸۶

۲- همان مدرک، ص ۱۰۶، ص ۱۳۶.

## ۳- اثری در تعریف سگه‌ها... (۱)

## ۲۱- مزار جابر و تمیم انصار

مقبره حضرات جابر و تمیم انصار در میان باغچه خوش آب و هوا، در بارگاه شهدای صالحین قرار دارد که این بارگاه در سال ۱۳۳۱ هـ.ش به سبک زیبا سنگ‌کاری و بازسازی شد و هم‌اکنون مرجع عام و خاص است (۲).

## ۲۲- خواجه صفا و خواجه روشنایی

این دو بارگاه یکی در ۲۶۰ متری کوه شیر دروازه و دیگری هم در ناحیه دیگر کابل در کنار چشمه‌سارهای خوشگوار به تماشای شهر مصیبت‌زده کابل نشسته است (۳).

## ۲۳- شاه دو شمشیره

این مزار تاریخی و کهن، یادگار اولین اثر معماری مسلمین در این شهر و نخستین گنبدی است که به عنوان یادبود بدست سپاهیان اسلام ساخته شده است.

صاحب این بارگاه «لیث بن قیس» (۴) از سرداران بزرگ اسلام است

۱- همان مدرک، ص ۱۰۶، ص ۱۳۶.

۲- راهنمای کابل، ص ۱۰۲.

۳- همان مدرک، ص ۱۴۲، ص ۱۴۶.

۴- لیث بن قیس فرزند عباس عموی پیامبر اسلام می‌باشد. راهنمای کابل، محمدناصر، ص ۹۸.

که به سال ۸۱ هجری همراه عبدالرحمن بن اشعث به قصد فتح این دیار عزیمت می‌کرد و با سپاه زیادی وارد کابل شد، ولی قبل از فتح کابل بدست بت پرستان عنود این شهر، به شهادت رسید. به این خاطر او را شاه دو شمشیره می‌گویند که در حال جنگ با کفار با دو دست نبرد می‌کرده است (۱).

#### ۲۴ - مزار سید محمد

در لوحه مربوط به این قبر این شعر زیبا به چشم می‌خورد:

داد از زمانه کز غم ناپایداریش  
 تاب و توان بجان انس و جان نماند  
 بر داغ سینه‌ها نمک تازه برفشاند  
 از ماتی که تاب به اهل جهان نماند  
 عالی نسب فرشته حسب، میر مسجدی  
 آنکوبه مرگ زیست ز مسجد کران نماند  
 بربست از زیانکده دهر، بار عمر  
 جز نقد داغ سوز دل دوستان نماند (۲)

#### ۲۵ - قبر پادشاه

صاحب این مرقد یکی از عرفای نامی کابل، بنام شیخ سعدالدین احمد انصاری است، در لوحه قبر او این بیت نغز نوشته شده است:

۱ - همان مدرک، ص ۱۴۲، ص ۱۴۶.

۲ - همان مدرک، ص ۲۰۰.

ای عزیزان در جهان پور پیغمبر دیده‌ام  
در جبین میر عرفان شیخ زیور دیده‌ام

### حسن ختام

دل می‌رود ز دستم صاحب دلان خدا را  
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا  
(حافظ)

### الف: نقش پنج تن

از شگفتیهای کهن افغانستان، سنگی است در سینه یکی از کوههای کابل که روی آن اسامی مبارک «پنج تن آل عبا علیهم السلام» نقش بسته است.

### ب: حدیث ولایت

تخته سنگ دیگری در یکی از قله سرافراز کابل وجود دارد که این عبارت زیبا و نورانی روی آن حک شده است: «علی نور کل»<sup>(۱)</sup>. آری در حقیقت نقش محبت علی علیه السلام و اهل بیت او در جای جای قلب و رگ رگ اعضای ما و در تمام ارض و سماء نقش بسته است. کو دلی و دیده بینایی؟ که چشم از دل وا کند و این همه نقش و نگار در آئینه جان و جهان ببیند. گفتار ماهم با این نکته جالب تاریخی خاتمه یافت. به امید آنکه مرگب «قلم» و «فتیله» عمر ماهم با این نقش و نگار به سر آید.

## «بخشی یازدهم»

### الف: روزشمار حوادث انقلاب در کابل

- ۵۷/۲/۱ قیام و تظاهرات دانش آموزان مدارس دخترانه کابل.
- ۵۷/۲/۷ کودتای ننگین مارکسیستی در کابل توسط تره کی که منجر به سقوط رژیم داودخان گردید.
- ۵۸/۲/۹ شهادت ۷۳ نفر از شیعیان بهسود در کابل.
- ۵۸/۲/۱۲ قیام عمومی لشکر «فرقه رشخور»\* کابل و شهادت عده کثیری از آنان توسط بمب افکن های روسی.
- ۵۲/۲/۹ تظاهرات و به شهادت رسیدن تعدادی از محصلین دختر کابل.
- ۵۸/۲/۱۴ تحصن خانواده های زندانیان سیاسی و به رگبار بستن آنان جلوزندانان دربند توسط سربازان روسی.
- ۶۰/۲/۲۱ شهادت روحانی مبارز «واحدی» با چند تن از

---

\* - به لشکر می گویند.

یارانش در کابل.

۵۹/۲/۲۳ تظاهرات و اعتصاب معلمین و شاگردان دانشگاههای

کابل.

۵۸/۳/۶ اشغال نظامی افغانستان.

❁ ماه جوزا «خرداد»

۵۸/۳/۸ شهادت پرفسور غلام محمد نیازی با ۱۳۰ تن از

همرزمانش در زندان کابل.

۵۸/۳/۱۴ اعتراض زندانیان سیاسی در پلچرخی و به شهادت

رسیدن ۴۰ تن از زندانیان مظلوم.

۵۹/۳/۳۰ اعتصاب عمومی مردم کابل علیه تجاوز روسها.

❁ ماه سرطان «تیر»

۵۸/۴/۲ سرکوب خونین چنداول مظلوم که منجر به شهادت

صدها تن گردید.

❁ ماه اسد «مرداد»

۵۸/۵/۱۴ قیام سربازان و افسران لشکر بالا حصار کابل.

۵۸/۵/۳ پیوستن لشکر «اسمار» به صف مجاهدین.

## \* ماه سنبله «شهریور»

- ۵۸/۶/۱۲ انفجار و انهدام پاسگاه «خیرخانه» کابل.  
 ۵۸/۶/۱۲ اعدام و دستگیری افسران مسلمان.  
 ۵۸/۶/۱۳ شهادت منهاج‌الدین از روشنفکران مسلمان کابل.  
 ۵۸/۶/۲۳ کودتای حفیظ علیه تره کی و کشته شدن تره کی.  
 ۵۸/۶/۲۴ کودتای ببرک علیه حفیظ و کشته شدن حفیظ.  
 ۱۳۶۱ کنار گذاشتن ببرک و روی کار آمدن نجیب توسط روسها.  
 ۷۱/۱۱/۲۶ سقوط دولت نجیب و به قدرت رسیدن مجاهدین.  
 ۲۱/مرداد/۱۳۷۱ آغاز جنگهای احزاب تا این تاریخ  
 (۷۳/۴/۲۰) ادامه داشت.

## \* ماه عقرب «آبان»

- ۵۸/۸/۲ اعلام اسامی هزار تن شهید توسط حفیظ‌الله امین که در  
 زمان حکومت تره کی بشهادت رسیده بودند.  
 ۵۸/۸/۱۷ شهادت تعداد کثیری از زندانیان پلچرخی کابل.

## \* ماه حوت «اسفند»

- ۵۸/۱۲/۳ قیام همگانی شهر کابل که منجر به خاک و خون  
 غلطیدن هزاران تن گردید\* روزها شهر کابل ناآرام بود، در هر لحظه

\* - تقویم سال ۱۳۷۰ حزب وحدت اسلامی افغانستان، سربازان روسی تاب مقاومت  
 را از دست داده‌اند و فقط در پناه جنگ‌افزارها بسر می‌برند.

حادثه‌ای رخ می‌داد، تمام شهر در محاصره سربازان روسی درآمده بود چریکهای مسلمان در ادارات دولتی نفوذ کرده بودند و هر روز صدها تن به جرم شرکت در عملیات خرابکاری اعدام می‌گردید. شبها حکومت نظامی بود. هر روز بر نیروی چریکهای مسلمان افزوده می‌شد دولت در مقابل این حوادث آب در هاون می‌کوبید. ارتش پا به فرار گذشته بود.

#### ب: کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷

کودتای کمونیستی و یا به عبارت دیگر مداخله مستقیم روس‌ها در کشور اسلامی افغانستان بتاريخ ۱۳۵۷/۲/۹ آغاز گردید. روسها پس از آن تاریخ بر افغانستان ریختند و مقدرات امور را در دست گرفتند. به استثنای یکی از دو نفر ژنرال سابقه‌دار که در وظایف خود باقی مانده بودند، بقیه ژنرالهای اردو و افسران عالی رتبه نظامی به سرعت از کار برکنار، و ادارات دولتی نیز هر روز از وجود کارمندان مسلمان و مجرب تخلیه می‌شد و بجای آن افراد حزبی جایگزین می‌شد. همه چیز رو به ویرانی نهاد و شیوه نظام آموزشی و اجتماع به شیوه روسی انتقال یافت.

#### ❁ قیام کابل

«در گرم‌گرم جنایات مزدوران روس در افغانستان و قیام و پیکار مردم علیه آنان که هر روز در روستاها و شهرهای کشور اتفاق می‌افتاد، بتاريخ سوم بهمن ۱۳۵۸ خورشیدی، ندای دل‌انگیز و دشمن‌شکن

«الله اکبر» بر فضای کابل و حومه‌اش نیز طنین افکند و عامه مردم اعم از زن و مرد، مامور و مغازه‌دار، دانشجو و دهقان در خیابانها و مراکز حکومتی سرازیر شدند و با سنگ و چوب، بر مأموران رژیم الحادی و نوکران موسیال امپریالیست روسی حمله کردند. در این قیام که تمام نواحی شهر کابل اشتراک داشتند، تعداد زیادی از خواهران و برادران مسلمان ما جام شهادت نوشیدند و عده‌ای هم زندانی شدند. در آن روز روس‌های وحشی و خونخوار از هوا و چاکران خود فروخته‌شان از زمین، با هلیکوپترها و تانک‌ها مردمان بی‌دفاع کابل را مورد حمله قرار دادند و در چهاردهمی، ده دانا، قلعه قاضی، پای مناره، ده بوری، بینی حصار، بگرامی، جمال مینه، قلعه فتح‌الله‌خان، خیر خانه و... هزاران نفر را به گلوله بستند و بار دیگر خاطرات لشکریان چنگیز را زنده نمودند، حیابانها و کوچه‌های مرکز کابل نیز رنگ خون گرفته بود. بخصوص پارک زرنگار و اطراف آن صحنه‌های خونین و رقت‌بار داشت. مردم آزاده کابل سرشار از باده ایمان و عشق به‌خدا و آزادی، در برابر زره‌پوش‌های دشمن سینه سپر می‌کردند... و این کارزار تا شامگاه آن‌روز ادامه داشت. و بسیار کسان جان خود را از دست دادند و به رحمت ایزدی پیوستند.

قیام مردم کابل با همه تلفاتی که بر ایشان وارد آمد، جلوه صاعقه‌ای را داشت که کاخ و کاخ‌نشینان کرملین را به لرزه درآورد و از آن به بعد بر تدابیر امنیتی و سازمانهای جاسوسی خویش افزودند به نحوی که در هر چند قدم یک جاسوس وجود داشت و هر کوچه را یکی دو تا از آن چهره‌های کثیف، مراقبت می‌نمود.

اما آن آتش خشم و نفرت مردم، دیگر خاموش نشد، بلکه نور و حرارت آن بر دل‌های جوانان اثرات مثبتی بر جا گذاشت. در اول ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۹ باز هم آتش قیام در کابل شعله‌ور شد و در اواخر ماه خرداد ۱۳۵۹ بازارهای کابل به عنوان اعتراض دست به اعتصاب زدند.

### آخرین کلام

ج: خاطرات یک زندانی

الف: سازمان جاسوسی «خاد»

خاد سازمان پلیس مخفی رژیم‌های کمونیستی در کابل محسوب می‌شد که این سازمان جاسوسی و اطلاعاتی از زمان ظاهرخان تا نجیب (۱۳۱۲ - ۱۳۷۰) به این اسامی به حیات ننگین خود ادامه می‌داد:

- در عصر ظاهرخان به نام «مصونیت ملی»

- در دوران داوود به نام «گام»

- در خفقان تره‌کی به نام «آگسا»

- و در روزگار ننگین حفیظ، ببرک و نجیب به نام خاد خوانده

می‌شد. این سازمان جهنمی عامل قتل و کشتار بیش از یک میلیون ونیم از مردم مسلمان افغانستان و صدها تن از رجال مذهبی، علمی و سیاسی کشور می‌باشد. خاد در کابل جاهای حساس و پست‌های کلیدی را از آن خود نموده بود و بیشتر زندانیان سیاسی و مذهبی زیر چرخ این سازمان پلید در زندانهای ذیل قربانی شدند:

- زندان ریاست خاد.

- زندان ریاست خاد نظامی.

- زندان ریاست خاد داخلی.

- زندان ریاست پلچرخی.

- زندان ریاست ولایت.

- زندان ریاست صدارت و... صدها زندان مخفی دیگر و سیاهچالهای مرگ و مخفی که هنوز فرصت کشف آن همه کشتارگاه انسانهای بیگناه و گورهای دسته جمعی به دست نیامده است، در این بیغوله‌ها انواع و اقسام شکنجه‌های قرون وسطایی و امروزی اعمال می‌شد که قلم از نوشتن آن عاجز است.

ب: خاطرات تلخ ولی...

از مجموع خاطرات یک زندانی به عنوان نمونه می‌توان به این عناوین اشاره نمود:

### ۱ - غذای زندانیان

غذایی که برای زندانیان آورده می‌شد، خیلی ناچیز و پراز همه چیز بود. غذایی که برای ۲۰۰ - ۲۵۰ نفر می‌آوردند، برای ۱۰۰۰ نفر تقسیم می‌نمودند. معمولاً صبحها تعدادی نان خشک، نهار و شام سیب‌زمینی بود.

### ۲ - بهداشت

در زندانهای مربوط به خاد هیچگونه نظافت و سلامت رعایت نمی‌شد. جایی برای استحمام و لباس شویی وجود نداشت، امکانی برای

اصلاح سر و صورت نبود<sup>(۱)</sup>.

### ۳ - بیکاری زندانیان

اکثر زندانیان که مدتها حبس بودند و یا معلوم نبود سرنوشت آنان به کجا ختم خواهد شد، از بیکاری و نبود سرگرمی رنج می بردند.

### ۴ - ممنوع بودن کتاب و رادیو

بهیچ صورت اجازه ورود رادیو و کتاب و مجلات را در زندان نمی دادند و به شدت با تلاوت قرآن و نماز مخالفت می شد.

### ۵ - خبرچینها

جاسوسان خاد همچون مگس اطراف زندانیان در گردش بودند، حتی از نشستن دور هم گپ زدن جلوگیری به عمل می آوردند.

### د: شکنجه گاههای خاد

در شکنجه گاههای «خاد» زندانیان مختلفی به چشم می خوردند، از کودک پنج ساله تا پیرمرد کهن سال از علما و روشنفکران تا چوپان گله. عجیب تر اینکه آدمهای مجروح و مریض را هم به زندان می بردند، اینک نمونه هایی از خاطرات آقای ناظر حسین ذکی یکی از زندانیان شیعه کابل را می خوانیم:

۱ - مدرک «پشت میله ها» ناظر حسین ذکی ۱۳۷۲ - ۱۰۸.

## ۱ - تابوت شهید

نزدیک غروب بود آفتاب تازه پشت کوهها پنهان می‌شد، هوای سرد کابل نسبت به روزهای گذشته گرمتر بود.

عده‌ای در اطراف حوض خالی از آب قدم می‌زدیم، ناگاه سربازانی همراه با تابوت وارد شدند. تابوت را در گوشه‌ای از حیاط زندان گذاشته، دو نفر همراه تابوت بودند که با رخسار زرد، دل‌های شکسته و قلب آزرده بر تابوت خیره خیره نگاه می‌کردند.

نزدیکتر رفتم و به دقت به تابوت چشم دوخته بودم، گوشه تابوت را وا کردم دیدم لبخند شهادت بر لبان مردی از تبار شهیدان، در حال نقش بستن است.

تازه لبانش از حرکت باز مانده بود. این قهرمان را روی چهارچوب گذاشته بودند. هنوز پاهایش میان قالب گچ بود همچون قسمتهایی از کمرش داخل گچ قرار داشت، از وضعش پیدا بود که تمام استخوانهای بدنش خرد و خمیر شده است. معلوم بود این عقاب پر و بال شکسته را ستیغ کوه «بابا» به چنگ آورده بودند. سلولها و سالنها از زندانیان پر بود، جای دراز کشیدن به زحمت پیدا می‌شد. تازمانی که هوا تاریک شد تابوت ورمحوطه زندان قرار داشت و پس از غروب نفهمیدیم او را کجا بردند.

## ۲ - زندانی پنج ساله

زندانیان خموش و آرام خفته بودند، پاس از شب گذشته بود که ناگاه در زندان باز شد و درِ اطاق مازده شد. سربازی با یک کودک پنج

ساله که بلند بلند گریه می‌کرد پیش چشم همه ظاهر شد، همه مات و مبهوت ماندیم، سوی کودک خیره شدم، جای خالی برای نشستن کودک مظلوم نبود، خدا می‌داند. گونه‌های نونهای پژمرده از اشک تر شده بود. فریاد می‌زد و می‌گفت: بابا، نه و... بغض گلویم را گرفته بود، گریه امانش نمی‌داد، هرچه دلداری و محبت می‌کردیم فایده نداشت. بالاخره آن شب مهمان ما بود، صدای هق هق گریه‌اش تا پاسی از شب به گوشم می‌رسید. دیدم همه خوابند نگهبانان در حیاط دور می‌زنند، سؤال کردم عزیزم: تو را برای چه اینجا آورده‌اند؟ با چهره گرفته و چشمان گریان به من نگاهی کرد و گفت: کنار سرک (جاده) سیگار می‌فروختم. سربازی روسی آمد و از من سیگاری در عوض چند عدد فشنگ گرفت. لحظه‌ای بعد سر و کله سربازان مخفی خاد پیدا شد مرا به جرم چند عدد فشنگ دستگیر کردند، هر چه داد زدم التماس کردم مرا رها کنید فایده نبخشید، دست بسته مرا به نگهبان تحویل دادند.

خلاصه کودک بیچاره سه شب در زندان بود هر چندبار او را به اطاق اطلاعات برای تحقیق می‌بردند، بعد نفهمیدم کجا رفت!

### ۳ - پیرمردی هفتاد ساله

میان زندانیان سیاسی مردی محاسن سفید و کهنسال به چشم می‌خورد که در استقامت و پایداری نمونه بود. جاسوسان هرگز از او نتوانستند اعتراف بگیرند. و هرگاه او را زیر شکنجه قرار می‌دادند، این جمله را زمزمه می‌کرد: «نامم شهادت و جایم جنان است» جلادان لامذهب خاد، با شنیدن این کلمه آتش می‌گرفتند. و با شدت تمام بر این

سرباز اسلام و عنصر صبر و بردباری فریاد می‌زدند: بگو اسمت چیست؟  
چکار می‌کنی؟ رفقاییت چه کسانی هستند؟

باز هم همان جمله را تکرار می‌کرد که مفهوم و معنایش «احد احد» حجرین عدی و میثم تمار زیر شکنجه عرب جاهلیت بود. این مرد نورانی فضای زندان را با دعا و نماز خواندنش معطر ساخته بود. و بالحن زیبایش که صبحها از پنجره وسطی شنیده می‌شد، شکوفه‌های امید و مقاومت را در دل‌هایمان بارور می‌ساخت (۱).

### پایان



۱ - از کتاب «پشت میله‌ها» تألیف ناظر حسین زکی چاپ ۱۳۷۲، قم، برگرفته از صفحات، ۱۰۸ - ۱۲۶.



### «منابع و مأخذ»

- ۱- راهنمای کابل، محمدناصر، غربنت، چاپ ۱۳۴۴ کابل.
- ۲- لغت نامه، علی اکبر دهخدا.
- ۳- جغرافیای شهری در افغانستان، اروین گروتسن باخ، ترجمه سید محسن محسنیان، چاپ آستان قدس رضوی ۱۳۶۸، فصل ۴.
- ۴- افغانستان در پنجاه سال اخیر، بی نا، ناشر: مؤسسه طبع کابل، ۱۳۴۷.
- ۵- تاریخ افغانستان بعد از اسلام، عبدالحی حبیبی، چاپ دوم سال ۱۳۶۳، تهران.
- ۶- افغانستان (انجمن آریانا) کابل، چاپ ۱۳۳۴.
- ۷- سلسله های اسلامی، کلیفورد...، ترجمه فریدون بدره ای، تهران ۱۳۷۱.
- ۸- وزارت امور خارجه (مباحث کشورها) افغانستان، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۲.
- ۹- سراج التواریخ، فیض محمد کاتب... چاپ ۱۳۳۱ کابل.
- ۱۰- مجله «حوزه» شماره ۵-۶- سال دهم... ۱۳۷۲.
- ۱۱- سیری در تاریخ هزاره جات، مهندس علیداد لعلی، چاپ ۱۳۷۲

تهران.

۱۲ - نهضت‌های اسلامی در افغانستان، سیدهادی خسرو شاهی، چاپ

۱۳۷۰.

۱۳ - آرامگاه‌های خاندان پیامبر(ص) سید عبدالرزاق کمونه، ترجمه

عبدالعلی صباحی، ۱۳۷۱.

۱۴ - مجله تحقیقات تاریخی، سال اول شماره دوم، ۱۳۶۸ تهران.

۱۵ - هفته‌نامه وحدت (ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی

افغانستان) در قم.

۱۶ - ریحانة الادب، میرزا محمدعلی مدرس، ج ۵.

۱۷ - نامه دانشوران ناصری، ج ۱.

۱۸ - مجموعه اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی کابلی، بغداد ۱۳۵۱.

۱۹ - تاریخ تشیع در افغانستان، حسینعلی یزدانی (حاج کاظم) ۱۳۷۰.

۲۰ - مجموعه قصائد و اشعار آقا بلبل، مؤسسه تحقیقاتی انقلاب اسلامی

افغانستان، فروردین ۱۳۶۵ - تهران.

۲۱ - جزوه زندگی نامه آیه... حجت، نوشته، سید محسن حجت، ۱۳۶۸

قم.

۲۲ - زندانیان سیاسی روحانیت شیعه در افغانستان، حسین شفاپی ۱۳۶۸

قم.

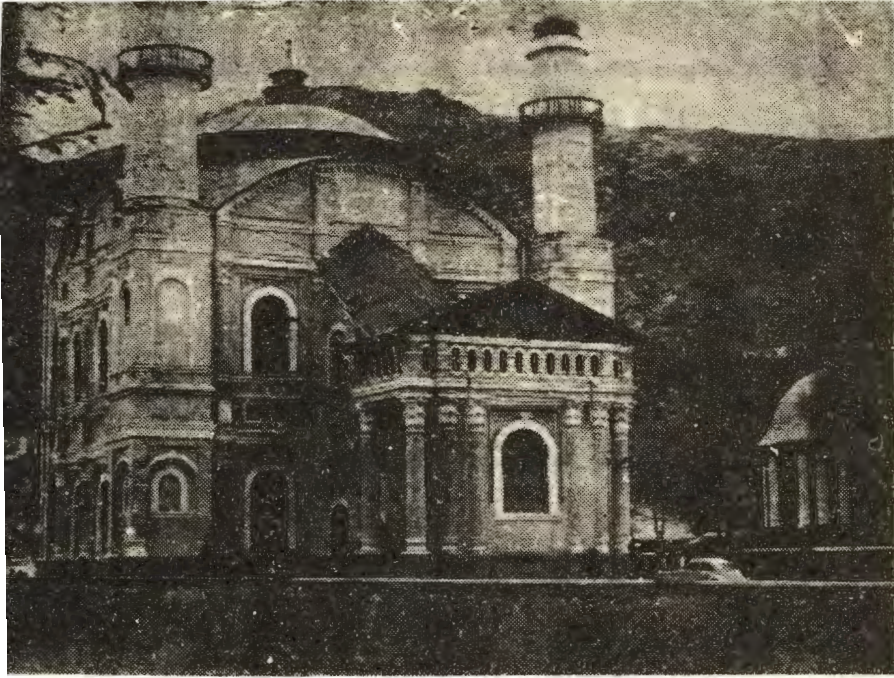
۲۳ - ریاض العلماء... میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ترجمه محمدباقر

ساعدی ۱۳۶۶.

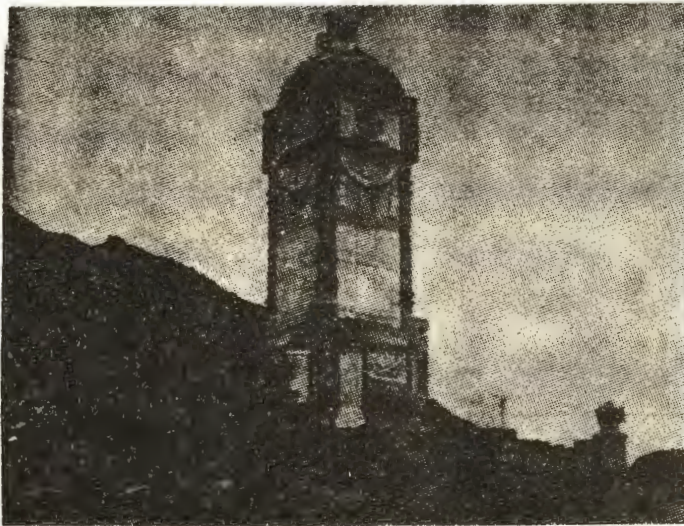
۲۴ - نقباء البشر، ج ۳، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ.

۲۵ - بستان السیاحه، زین‌العابدین شیروانی.

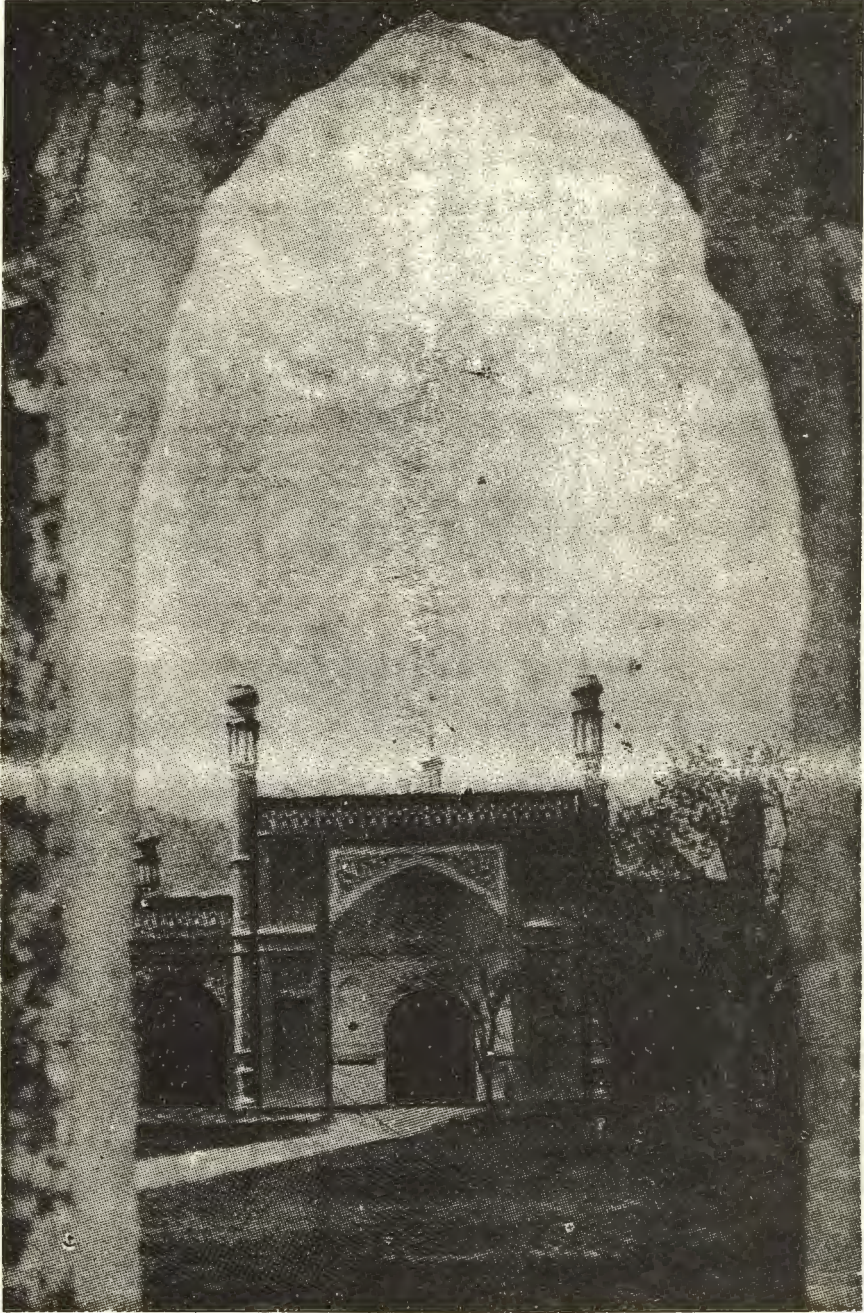
- ۲۶- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۶.
- ۲۷- مجله فرهنگ (وابسته به طلاب افغانی) سال اول شماره اول.
- ۲۸- معجم مؤلفی الشیعه، علی الفاضل القائینی، جمادی الثانی ۱۴۰۵.
- ۲۹- شریف التواریخ...
- ۳۰- معجم مؤلفین، عمر کحاله، چاپ بیروت ج ۱۵.
- ۳۱- رجال طوسی.
- ۲۳- سرود خون، گزیده سروده‌های مرحوم خلیل‌الله خلیلی ۱۳۶۸، انتشارات قلم.
- ۳۳- افغان‌نامه ج ۱ - ۳، دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۵۹ تهران.
- ۳۴- کلیات اشعار اقبال، چاپ ۱۳۴۳.
- ۳۵- مزارات کابل، محمد ابراهیم خلیل، چاپ ۱۳۳۹ کابل.
- ۳۶- دسایس و جنایات روس در افغانستان - حق شناس، نشر جمعیت اسلامی افغانستان سال ۱۳۶۳ تهران.
- ۳۷- افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ، ۱۳۷۱ ناشر مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
- ۳۸- افغانستان و نوگرایی... ترجمه ابوالحسن سرومقدم، ۱۳۶۹ تهران.
- ۳۹- مصاحبه‌ها.



دورنمایی از مسجد شریف شاه دو شمشیره که اولین عبادتگاه اسلامی  
در کابل می باشد



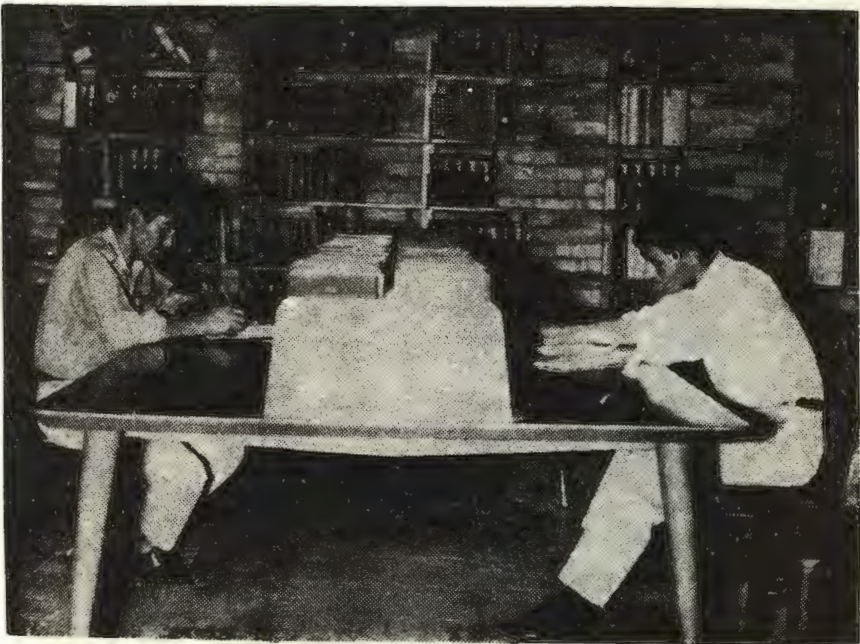
دورنمایی منار علم و جهل



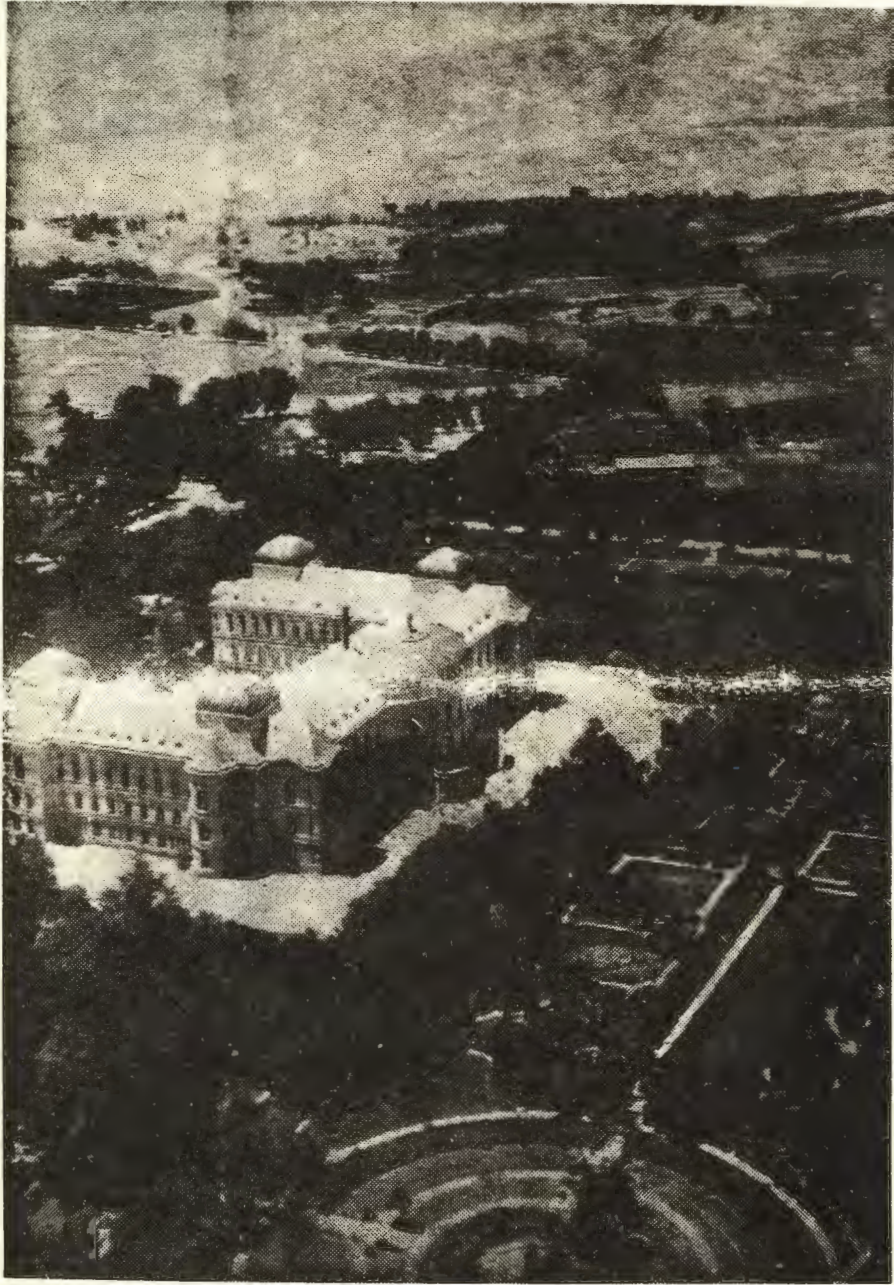
مسجد شریف عیدگاه واقع در پارک چمن حضوری کابل



دانشکده علوم دانشگاه کابل



کتابخانه دانشگاه کابل



«قصر دارالامان»



تاریخ تحویل کتاب

--



کتابخانہ تخصصی ادبی سہیل